

همکاران همایش

دبیر همایش: سرکار خانم فرشته سلیمانی

□ کمیته علمی (بر حسب الفبا)

- دکتر شهلا اعزازی
- دکتر مجتبی امیری
- زهرا بهروزآذر
- فاطمه راغب
- دکتر زارعی
- فیروزه صابر
- دکتر سید میر طاهر موسوی
- مهندس کاووس نگینی

□ کمیته اجرایی

- بهنوش باختری
- شبنم بهرامی
- زهرا جلیل ثانی
- آزاده داننده
- کتابیون سپهری
- بنفشه صدیق
- سروت عسگری رانکوهی
- سوده قوامی
- هما کمالی
- فخرالسادات محتشمی پور
- راما هوشمند وزیری

□ حامیان

۱. دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران
۲. معاونت توانمندسازی و مشارکت‌های مردمی سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شهرداری تهران
۳. پست بانک
۴. شهرک صنعتی بهارستان (وابسته به موسسه خیریه کهریزک)
۵. موسسه اجتماعی فرهنگی یاس
۶. پایگاه اطلاعاتی نوآوری نخبگان
۷. موسسه نیکوکاری مهرآفرین
۸. شرکت نسکا انرژی
۹. شرکت قافلانکوه
۱۰. شرکت توره شیمی پارس
۱۱. خبرتولز
۱۲. آقای دکتر زارعی
۱۳. مجتمع صنایع غذایی آریا
۱۴. مرکز آموزش علمی کاربردی واحد ۶، (موسسه نماکارنگ)
۱۵. انجمن زنان پژوهشگر تاریخ
۱۶. خانه پژوهش نواندیش



نشریه داخلی انجمن زنان مدیر کارآفرین
ویژه نامه ششمین همایش زنان کارآفرین
زیر نظر کمیته ارتباطات انجمن

مدیر اجرایی:
زهرا بهروز آذر
تهیه و تنظیم:
موسسه سمر
صفحه آرا:
مهدی موحد
حروفچین:
زهرا بهرامی

در آغاز.....	۳
ارزش آفرینی از مسیر کارآفرینی اجتماعی.....	۴
تاریخچه کارآفرینی اجتماعی.....	۵
بررسی تاریخی موسسات خیریه در ایران.....	۷
بررسی مفهوم کارآفرینی اجتماعی.....	۹
انواع کارآفرینی اجتماعی از دیدگاه GEM-۲۰۰۹.....	۱۱
گفتگویی با خانم فرشته سلیمانی دبیر همایش کارآفرینی اجتماعی زنان.....	۱۲
حدیث آسمانیان زمینی.....	۱۳
یک عمر دغدغه طبیعت.....	۱۷
سعیده قدس بنیانگذار موسسه خیریه حمایت از کودکان سرطانی.....	۱۹
به مردم باید اعتماد کرد.....	۲۱
عهدی که با او دارم.....	۲۳
موسسه خیریه صدیقین.....	۲۵
گفتگویی با خانم دکتر جمالی، مدیر عامل موسس خیریه روزبه.....	۲۷
گفتگویی با فخرالسادات محتشمی بورمدیر اجرایی انجمن زنان کارآفرین.....	۲۹
فقر را به موزه می برم.....	۳۱
دغدغه های جدید خانواده گیتس.....	۳۳
آشو کا بنیاد حمایت از کارآفرینان اجتماعی.....	۳۴
بشر دوستی به روایت اینترنت.....	۳۶
مهربانی ربوده شده.....	۳۷
مدرسه عشق.....	۳۹
موسسه رحمان، رشد، حمایت، اندیشه.....	۴۱
از این ره ارزش والا گرفتیم.....	۴۲
گفتگو با خانم فریده فضل مدیر عامل موسسه اجتماعی فرهنگی یاس.....	۴۳
بنیاد نیکوکاری مهر تهران.....	۴۴
مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد.....	۴۵
گزارش پنج همایش کارآفرینی زنان.....	۴۶
خلاصه مقالات.....	۵۴
گفتگویی با خانم لیلا توحید.....	۵۵
خبر.....	۵۶

در آغاز

با نام تو می شود به صحراها زد

با نام تو می شود به دریاها زد
ما اهل گذشته ایم و امروز ولی

با نام تو می شود به فردها زد
زننده یاد مجتبی کاشانی



سازمان غیرانتفاعی ایجاد می کند، کارآفرین اجتماعی می دانند و بعضی دیگر، کارآفرینان اجتماعی را صاحبان کسب و کاری می دانند که مسئولیت اجتماعی را به فعالیت هایشان پیوند داده اند. بعضی از محققان هم کارآفرینی اجتماعی را آمیزه ای از مأموریت اجتماعی و نوعی کسب و کاری دانند. ایده کارآفرینی اجتماعی حل مسائل اجتماعی از طریق رویکردهای کارآفرینی است. از آنجا که تلاش دولتمردان و اقدامات بشردوستانه هنوز کاملاً پاسخگوی انتظارات نبوده و عملکرد نهادهای بخش اجتماعی نیز کاملاً کارا و اثربخش نبوده برای توسعه مدل ها و روش هایی نوین برای قرن جدید به کارآفرینان اجتماعی نیاز داریم. به همین دلیل، توسعه کارآفرینی اجتماعی ضرورت می یابد.

هدف از برگزاری این همایش این است تا راهی انتقال دانش این حوزه و شناسایی و بهره برداری از فرصت ها و قابلیت های آن در جامعه و شناخت و الگوبرداری از تجارب موفق در آن می باشد. در این راستا انجمن زنان کارآفرین همچون گذشته، سهم عمده ای از برنامه همایش را به ارائه تجارب کارآفرینان به صورت مطالعه موردی داده است. به همین دلیل وقت مسوطی از برگزار کنندگان همایش صرف کشف و شناسایی و دعوت از نمونه های زنان کارآفرین اجتماعی شده است.

محورهای اصلی ششمین همایش کارآفرینی زنان عبارتند از

محورهای همایش:

۱. چالش ها و فرصت های فراروی کارآفرینی اجتماعی زنان
 ۲. توانمندسازی زنان راه کاری برای توسعه کارآفرینی اجتماعی زنان
 ۳. ارائه تجارب موفق و ناموفق کارآفرینی اجتماعی زنان
 ۴. نقش سرمایه اجتماعی فردی و سازمانی در کارآفرینی اجتماعی زنان
 ۵. نقش دولت، بخش خصوصی و سازمان های غیردولتی در توسعه کارآفرینی اجتماعی
- انجمن زنان کارآفرین با علم به ضرورت ترویج و توسعه کارآفرینی اجتماعی زنان و بر حسب مسئولیت اجتماعی خویش، امید دارد به سهم خود و در پیوند با سایر عناصر موثر در محیط کارآفرینی اجتماعی، نقش موثری ایفا کند.

انشاء الله

انجمن زنان مدیر کارآفرین از بدو تأسیس به قصد توسعه شبکه زنان کارآفرین هر سال پیرامون یکی از محورها یا جنبه های مختلف کارآفرینی زنان همایشی در سطح ملی برگزار می کند. و تلاش می کند تا بسته به شرایط اقتصادی و اجتماعی محیط، فتح بایی ایجاد بحث و مذاکره درباره مهمترین و یا جدیدترین مباحث مرتبط با این حوزه ها داشته باشد. انجمن زنان کارآفرین این افتخار را دارد که در سال ۱۳۸۳ نخستین همایش ملی زنان کارآفرین را برگزار نماید و از آن به بعد به عنوان مهمترین مرکز گردهمایی زنان کارآفرین سکاندار این حوزه باشد. و تا کنون همایشهای ذیل را برگزار نموده است

۱. چالشهای کارآفرینی زنان (۱۳۸۳)
۲. راهکارهای توسعه کارآفرینی زنان (۱۳۸۴)
۳. کارآفرینی دانش آموختگان دانشگاهی (۱۳۸۵)
۴. کارآفرینی فرهنگی زنان (۱۳۸۶)
۵. کارآفرینی زنان صاحب صنعت و حرف (۱۳۸۷)

این بار ششمین همایش زنان کارآفرین با موضوع «کارآفرینی اجتماعی زنان» مورد نظر انجمن واقع شده است. و انجمن زنان مدیر کارآفرین و انجمن ملی زنان کارآفرین با همکاری دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، معاونت توانمندسازی و مشارکتهای مردمی سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شهرداری تهران، شهرک صنعتی بهارستان (وابسته به موسسه خیریه کهریزک) و موسسه اجتماعی فرهنگی یاس ششمین همایش خود را در تاریخ ۸۸/۱۲/۵ برگزار کرد.

یکی از انواع کارآفرینی است که به تازگی در جوامع دانشگاهی مطرح شده و با رویکرد کارآفرینی به رفع نیازهای اجتماعی که در جامعه از توجهات به دور مانده اند، می پردازد. نزدیک به صد سال است که مفهوم کارآفرینی در دنیا مطرح شده، اما، عمر ادبیات این پدیده در ایران به سختی به ۱۰ سال می رسد. بنابراین، بدیهی است ادبیات کارآفرینی اجتماعی که در دنیا بحثی جدید به حساب می آید، در ایران فقیر و ضعیف باشد. گرچه، مفهوم «کارآفرینی اجتماعی» به عموم جامعه اشاره دارد اما، مفهوم آن در اذهان افراد مختلف جامعه، چیزهای متفاوتی تداعی می کند. بعضی از پژوهشگران هر فردی را که



ارزش آفرینی

از مسیر کارآفرینی اجتماعی

فیروزه صابر

من در این حیرانم
که چرا غافله علم از این جا نگذشت؟
یا اگر آمد و رفت
پدرانم سرگرم چه کاری بودند؟
و اگر همراه این قافله گشتند گهی
برنگشتند چرا؟

ما چه کردیم برای دگران
و چرا از خم این چنبره بیرون نشدیم؟
او به مدرسه سازی نیز رو آورد و جامعه فرهنگی
یابوری را برای این منظور شکل داد به گونه ای که
این نهاد تاکنون مبادرت به ساختن ۵۲۰ مدرسه در
مناطق محروم از جمله جنوب خراسان نموده است.
(Yavari.com)

در مجالی که برابم باقی است
باز همراه شما مدرسه ای می سازم
که در آن همواره اول صبح
به زبانی ساده، مهر تدریس کنند
و بگویند خدا، خالق زیبایی
و سراینده عشق، آفریننده ماست
مشق شب این باشد که شمی چندبار، همه تکرار کنیم
عده، آزادی، قانون، شادی

حس این ارزش آفرینان فراتر از نقادی صرف
به قانون گریزی ها، بی خردی ها، بیادها و عدالت
ناپذیری هاست. گوئی خود را بدهکار مردم می دانند.
نعمت وجود ایثارگر و انگیزه پرشور خود را برای
اصلاح و رفاه اجتماعی فرصتی مغتنم می شمارند و
شاکرند که ظرفیتی را در خود یافته اند که می توانند
چون یابوری داوطلب، در جامعه ارزشی نو بیافرینند و
این مسیر را برای همه انانی که سری پرشور و قلبی
پرمهر برای آبادی و آرامش ایران زمین دارند، ترغیب
می کنند.

در دنیای پیشرفته این حس مسئولیت بس گرانبها
و ارزشمند است. به همین دلیل نهادهای مدنی که
تلاش های خلاقانه و داوطلبانه مردم را در خود
جای می دهند، همواره در تغییرات اجتماعی بس
تأثیر گذارند. دولت ها یشان نیز این نقش را در توسعه
پایدار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بوم خویش به
خوبی درک کرده اند و خردمندانه از این نقش بهره
می جویند.

امید است که روح خدمت داوطلبانه و مشارکت
گروهی در جامعه پرنیاز ایرانی بویژه نسل های جدید،
تقویت و نهادهای مدنی با رویکرد کارآفرینی اجتماعی
نقش موثری در هموارسازی اصلاحات اجتماعی و
توسعه فرهنگی ایفا نمایند. مباد که این آرزو دور
باشد. ■

برده است، جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط
زیست را بنیان نهاد. این جمعیت فعالیت خود را از
آموزش آغاز کرد و با پرورش ۵۶۰ معلم بهداشت در
مدارس تهران این امکان را فراهم ساخت تا دانش
آموزان زیادی در این زمینه آموزش ببینند. اعضای
این انجمن زنگ ۲۸ هزار خانه را در تهران زدند و با
آموزش چهره به چهره تفکیک زباله را به زنان خانه
دار آموختند.

در مسیری دیگر، فروهر تشویقی که خود در
مرداب، تولد دوباره یافت برای نجات به دام افتادگان
اعتیاد، پایه گذار نهادی نو شد. او که ایرانی مقیم
لوس آنجلس آمریکا بود، خود به حدی در اعتیاد فرو
رفته بود که همه زندگی اش را از دست داد. اما آن
هنگام که با مرام دوازده گام «کنندن از خود و به خدا
رسیدن» دگرگون شد، دستاوردش را به وطن آورد و
در قالب جمعیت خیریه تولد دوباره پیش برد. انسان
که از طریق روش بهبود گروهی تاکنون ۵۴ مرکز
ترک اعتیاد (isa.blogfa.com) در ایران را دایر
نموده است.

در سویی دیگر اشرف قندهاری (بهادرزاده) در هم
گامی با زنده یاد دکتر محمدرضا حکیم زاده موسس
خیریه کهریزک، گروه بانوان نیکوکار را در کهریزک،
مکان مطرودشدگان شکل داد. در سال ۱۳۵۲ گروهی
۲ نفره تشکیل داد و اکنون آن را به گروهی با بیش از
۲۰۰۰ بانوی داوطلب فعال داخل و خارج کشور بدل
ساخته است. (Kahrizak.com)

از منظر دیگر، سعیده قدس در پی بهبودی فرزند
مبتلا به سرطان خود، درد فرزند را دردی اجتماعی
دانست و برآن شد تا دغدغه اش را با ایجاد مرکزی
برای حمایت از کودکان سرطانی (محک) به
مسئولیت اجتماعی بدل کند و اینک حدود پنج هزار
کودک سرطانی را تحت پوشش این مرکز قرار داده
است (سرمايه، شماره ۸۸۱، ۲۵ آبان ۱۳۸۷)
و اما زنده یاد مجتبی کاشانی، او در سال ۱۳۵۶
برای سخنوری در عرصه مدیریت به بیرجند سفر کرد.
فقر آن دیار چنان بود که او را به اعماق جدیدی از
اندیشه فرو برد و از این رو سفری را به نام سفرنامه
خواف آغاز کرد. حس اش آن بود که اینک ما چه
کردیم و چه باید بکنیم؟

قرن ها اگر چه طلبکار جهانیم ولی
ما بدهکار جهانیم در این قرن چه باید بکنیم
هیچکس گاری ما را به قطاری تبدیل نکرد
هیچکس ذوق و اندیشه پرواز نداشت
هیچکس از سر عبرت به جهان خیره نشد
هیچکس از سفری تحفه و سوغات نداشت

کارآفرینی اجتماعی یافتن جدیدترین و بهترین
راه ممکن برای ایجاد و تقویت ارزش های اجتماعی
است. (Anderson & Dees, ۲۰۰۱, p. ۱۹۱) به
عبارتی کارآفرینان اجتماعی عاملان تغییر در خدمات
اجتماعی برای دستیابی به ارزش های نوین از طرق
زیر هستند:

- فرایندهای جدید خدمات و روش های منحصر
به فرد عملیاتی که با عنصر نوآوری همراه است.
- شکل گیری سرمایه های اجتماعی
- ایجاد ظرفیت هایی برای ماندگاری و گسترش
فعالیت های اجتماعی
- بکارگیری نگرش های بازارمدار برای حل
مسائل اجتماعی
- یافتن بازارها و فرصت های جدید برای مأموریت
غیرسودآور یا زمینه های حمایت نشده توسط نیروهای
بازار

و این همه را در پس عناصری همچون صداقت،
دلبستگی، عشق به مردم، شور سازندگی، وسعت نظر
و شفافیت به مرز توفیق می برند.

کارآفرینان اجتماعی در مسیر توسعه فعالیت های
نوآورانه خود، چنان بار مسئولیت اجتماعی را بر دوش
می کشند که گویی در اریکه دولتی مقتدر و با همه
امکانات در اختیار جای دارند. با این رویکرد است که
در شرایط بی امکانی و با جسارتی تمام، ناممکن ها را
ممکن می سازند.

تجربه گرامین بانک بر پایه اعتبارات خرد به جامعه
فقیر روستایی بنگلادش و بهره مندی زنان از وام
های کوچک و رسیدن به درآمدزایی، جنبش کمربند
سبز با هدف توسعه فضای سبز در کنیا با کاشت بیش
از ۲ میلیون درخت از طریق سازماندهی ۶۰۰ زن،
تجربه توسعه تعاونی های تولید کشاورزی در مکزیک
با هدف تولید ذرت و گسترش آن در سطح ۴۷۰۰۰
کشاورز مکزیک، اتحادیه زنان خوداشتغال از طریق
سازماندهی ۳۱۵۰۰۰ زن خوداشتغال در هند و نفوذ
بر سازمان جهانی کار برای تدوین استانداردهای کار
سازماندهی، به ایجاد ظرفیت های محلی، ایجاد جنبش
های محلی و تدارک راهکارهای عملی برای حل
مشکلات اجتماعی منجر شده است. و جملگی نشانه
های تسهیل بخشی اصلاحات و تغییرات اجتماعی از
مسیر کارآفرینی است.

نگاه به قابلیت های ملی در عرصه کارآفرینی
اجتماعی نیز بس شورانگیز و انرژی زا است.
مه لقا ملاح حافظ و مادر محیط زیست ایران که از
بی بی خانم استرآبادی فعال دوران انقلاب مشروطیت
و از پیشگامان جنبش زنان، خوی اجتماعی به میراث



تاریخچه کار آفرینی اجتماعی



روبرت اُون



فلورانس نایتینگل

تحلیل می‌شد. او نقش موثری را در ایجاد ۶۰ سازمان جدید در سراسر جهان داشت، که شامل مجموعه‌ای از مدارس کارآفرینی اجتماعی در بریتانیا بود. در سال ۲۰۰۶، مفهوم کارآفرینی اجتماعی توانست، یک نمونه بازر و موفق خود را در قالب بانکی با عنوان «گرامین بانک» نشان دهد. این بانک که توسط محمود یونس، استاد برجسته اقتصاد در بنگلادش تأسیس شده بود، به امر اعطای وام به فقرا مشغول بود، و توانست جایزه صلح نوبل ۲۰۰۶ را برای او و کشورش به ارمغان آورد.

کارآفرین اجتماعی دیگر، لرد اندرو ماوسون بود.

در دهه ۱۹۵۰ تا دهه ۱۹۹۰، مایکل یانگ، فردی بود که امر ترویج نگاه‌های اقتصادی با اهداف اجتماعی یا همان تشکیلات اقتصادی اجتماعی را رهبری می‌کرد، و نقش قابل توجهی در شکل‌گیری و توسعه مفهوم کارآفرینی اجتماعی داشت.

به مرور زمان، این مفهوم توانست توجه جامعه علمی بین‌المللی را به خود جلب نماید و به صورت قابل قبولی در بین دانشگاهیان نفوذ کند، به حدی که در دهه ۱۹۸۰، فعالیت‌های پروفیسور دانیل پل، به عنوان موفق‌ترین کارآفرین در تشکیلات اقتصادی اجتماعی در جهان؛ در دانشگاه‌ها وارد، تشریح و

عبارت‌های «کارآفرینی اجتماعی» و «کارآفرین اجتماعی»، اولین بار در بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ در ادبیات «تغییرات اجتماعی» استفاده شدند. برای مثال، این اصطلاح به عنوان توصیف فعالیت‌های روبرت اُون، یکی از مشهورترین اصلاح‌طلبان اجتماعی و بنیانگذار نظریه اجتماعی «سوسیالیزم» و «جنبش تعاون» در سال ۱۹۷۲ استفاده شد. استفاده از عبارت‌های کارآفرینی اجتماعی و کارآفرین اجتماعی، در بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ با فعالیت بیل درایتون، موسس «بنیاد آشوکا، نوآرانی برای همگان»، و همچنین چارلز لیدبیتز گسترش یافت.

اندور ماوسن توانست به دلیل فعالیت‌های خود، مقام اشرافی خاصی را در سال ۲۰۰۷ کسب کند. او مرکز «Bromley by Bow center» را در شهر لندن شرقی - واقع در آفریقای جنوبی - تأسیس کرد و تجربیات خود را در کتابش با عنوان «کارآفرینان اجتماعی: ساختن جوامع کار» مستند نمود.

اگرچه استفاده از واژگان کارآفرینی اجتماعی و کارآفرین اجتماعی، نسبتاً جدید است اما ریشه‌ای قدیمی دارد. چرا که این عبارت با فرآیند رفع نیازهای اجتماعی انسان‌ها همراه بوده است و محرک‌های کارآفرینانه برای رفع این نیازها

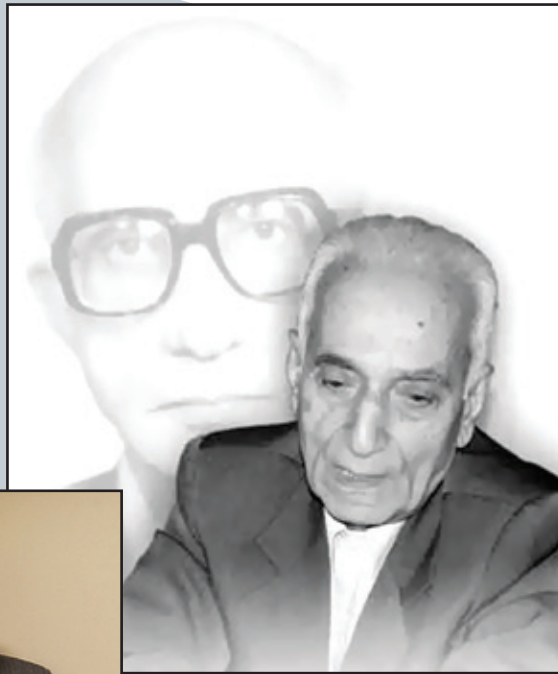
ریشه‌ای قدیمی دارد، اما مدت‌ها طول کشیده است این پدیده شناسایی و بررسی شود و ادبیات آن تولید گردند. کارآفرینان اجتماعی زاییده امروز و دیروز نیستند، و گشت مختصری در تاریخ، به ویژه تاریخ غنی اسلام و ایران، نمونه‌های زیادی از کارآفرینی اجتماعی را نمایان می‌سازد.

تهیه فهرستی از افراد مشهور و سرشناس تاریخی، شاهی بر این دعا است. فلورانس نایتینگل، موسس اولین مدرسه پرستاری و توسعه دهنده روش‌های پرستاری نوین، رابرت آون، بنیانگذار جنبش تعاونی، وینوبا بی هیو بنیانگذار جنبش «هدیه زمین هند»، محمد یونس، بنیادگذار بانک گرامین، محمد رضا

حکیم زاده، بنیانگذار آسایشگاه خیریه کهریزک، مجتبی کاشانی، موسس جامعه یآوری فرهنگی، و فاطمه دانشور، بنیانگذار موسسه خیریه مهرآفرین، سعیده قدس، بنیانگذار موسسه خیریه محک از این نمونه افراد هستند.

در طی قرن‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی، برخی از موفق‌ترین کارآفرینان اجتماعی، توانستند برسه فضای موجود در جامعه یعنی همان بخش مدنی و داوطلبانه، بخش دولتی - حکومتی و بخش خصوصی و کسب و کار سوار شوند و ایده‌های نوآورانه خودشان را در سه حوزه‌ی خدمات عمومی، آموزش و مراقبت‌های بهداشتی و سلامت به اجرا درآورند. ■

دکتر محمد حکیم‌زاده



محمد یونس و بیل درایتون

بررسی تاریخی موسسات خیریه در ایران



سابقه فعالیت‌های خیریه در ایران در قالب‌های مختلف به زمان‌های بسیار قدیم بازمی‌گردد. در اواخر دوره ساسانیان بنیادهای نیکوکاری به منظور رستگاری روان، در ایران بنیاد شد که پول آن صرف کمک به تنگدستان و احداث تأسیسات عام‌المنفعه می‌شد. همین بنیادها بعد از ورود اسلام به ایران، الگویی برای وقف اسلامی شدند. وقف که یکی از این چهارچوب‌های فعالیت خیر است عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود.» (ماده ۵۵ قانون مدنی)؛ مهمترین کارکرد نهاد وقف، رسیدگی به وضعیت فقرا و نیازمندان بوده است. وقف باعث می‌شود تا اثر مال از محدوده منافع شخصی خارج شود. وقف، در دین اسلام، دستور نیست بلکه عملی داوطلبانه است برای برخوردار کردن بقیه از اموال شخصی، یک نوع تعدیل ثروت و توزیع درآمد است. وقف اختصاصی به فرهنگ مسلمانی ندارد. زرتشتیان و کلیمیان و مسیحیان و ... به گونه‌هایی از وقف باور دارند و حتی بسیاری از مراکز و بنیادهای فرهنگی و تحقیقاتی در دنیای امروز از جمله نهادهایی مثل جایزه نوبل از طریق نوعی وقف به وجود آمده‌اند و به فعالیت مشغول‌اند.

علاوه بر وقف، پرداختن به امور خیریه توسط گروه‌های کوچک که اغلب توسط پهلوانان و ریش‌سفیدان محلات و مناطق مختلف سازماندهی می‌شوند نیز در تاریخ اجتماعی ایران به وفور دیده می‌شود. از جمله این برنامه‌ها، آیین گلریزان بوده است. آیین سنتی گلریزان در اصل براساس یک سنت دیرینه رسم پهلوانی در ایران آغاز شد و سرآغازی برای فتوت مردان نیک ضمیر بوده است. در اصل پهلوانی، رادی و بخشندگی همان گلریزان است، که خاستگاه این بخشندگی طبیعت و بهار بوده، چرا که بهار و طبیعت هرچه دارد به امر خداوندگار به زمین می‌بخشد تا حیاتی دوباره یابد. این سنت ایرانیان در رادی و رادمثنی و پهلوانی همواره یک افتخار بوده

و بسیاری از شرق شناسان از این امر به نیکی یاد می‌کنند به گونه‌ای که پرفسور مانوئل کوربن محقق دیرینه شناس و مردم شناس برجسته غربی آن را نمادی از زیباترین حرکت‌های بشری در طول تاریخ می‌داند که فقط مختص ایرانیان بوده است. وی، در کتاب خود به صراحت یاد می‌کند که در ایران مردانی قابل احترام برای برداشتن موانع از پیش پای دیگران هرچه در توان خود داشته را به دیگران بدون هیچ منعی می‌بخشیدند. آیین گلریزان تاریخ بزرگ ایرانیان است و برخی از مورخان ثبت این سنت را از زمان حمله مغول عنوان کرده‌اند، که در باشتین خراسان، جمعی از عیاران برای کمک به نیازمندان، در سردابه‌ای، شالی قرمز پهن کردند و افرادی که با توان فیزیکی و یا به اصطلاح زور بازو داشتند و یا توان و تمکن مالی داشتند، قدم پیش نهاده و هرچه داشتند برای کمک اعلام می‌کردند. ذکر پهلوانان در آیین گلریزان گرفتن دست مستمندان و اقتدا به حضرت علی بن ابی طالب(ع) نخستین امام شیعیان است و در طول زمان آیین گلریزان از گود زورخانه‌ها به خانه‌ها کشیده شد به گونه‌ای که زنان نیز در این سنت حسنه حضور یافته و حتی برای انداختن سفره نذر ابوالفضل(ع) که با نذری‌ها زنان گسترده می‌شد، نوعی گلریزان کوچکی را برپا می‌داشتند.

اکنون با گذر زمان آیین سنتی گلریزان و رادی در ایران جلوه‌ای جدید گرفته است. هرچند هنوز گهگاهی این سنت در میان خانواده‌های اصیل ایرانی مشاهده می‌شود اما سازمان‌های دولتی از قبیل کمیته امداد امام خمینی(ره)، با همکاری صدا و سیما و دیگر سازمان‌های مرتبط اقدام به برگزاری مراسم‌هایی از این نوع با عنوان جشن نیکوکاری(اسفند) و جشن عاطفه‌ها (آغاز سال تحصیلی) می‌کنند و یا در آستانه ماه مبارک رمضان اقدام به برگزاری جشن گلریزان برای آزادی زندانیان غیر عمد در بند می‌نمایند. گرچه استفاده از تشکل‌های غیردولتی به منظور

فعالیت‌های عام‌المنفعه‌ای چون حفاظت از محیط زیست، مبارزه با اعتیاد و فقر و... بیش از سی سال است که در ایران مشاهده می‌شود، اما مردم تبریز از سال‌های بسیار دور نیز با تشکیل انجمن‌ها، گروه‌ها و تشکل‌های خاص مردمی در حل و فصل مشکلات جامعه خود پیش‌قدم بوده‌اند. برخی از مردم شناسان، مردم تبریز را پیشگام در انجام امور خیریه می‌دانند، به طوری که هم‌اکنون چند مؤسسه خیریه در این شهر فعالیت می‌کنند که سابقه برخی از آنها حتی به نیم‌قرن می‌رسد. مردمان این شهر به قدری در حل مشکلات اجتماعی شهر خود پیشرو هستند که کلانشهری مهاجرپذیر چون تبریز با وجود ۲ میلیون نفر جمعیت و حدود ۴۰۰ هزار حاشیه‌نشین را طوری مدیریت کرده‌اند که تکدی گری از این شهر رخت بر بسته است. طبق مستندات موجود، اولین و قدیمی‌ترین مؤسسه خیریه غیردولتی در ایران، جمعیت خیریه نوبر تبریز است. این تشکل در سال ۱۳۲۶ توسط عده‌ای از خیرین محله نوبر تبریز با هدف مبارزه با فقر و کمک به مستمندان تأسیس شد و در سال ۱۳۳۱ رسماً به ثبت رسید. این مؤسسه که هم‌اکنون نیز در حال فعالیت است با کمک حدود یک‌هزار و ۶۰۰ نفر از بازاریان، بازرگانان، صاحبان کارخانجات و حتی تبریزیان ساکن اروپا و آمریکا نیازهای مالی خود را برای انجام امور خیریه تأمین می‌کند.

موسسه خیریه علی و حسین همدانیان نیز یکی از قدیمترین موسسات خیریه در ایران است. حسین همدانیان برادر علی همدانیان در سال ۱۳۴۴ مؤسسه خیریه علی و حسین همدانیان را بعنوان بزرگترین بنیاد خیریه و نیکوکاری در ایران تا آن زمان تأسیس و کلیه سهام و اموال منقول و غیر منقول و کارخانه‌های خود را از جمله چهارمین کارخانه سیمان ایران، شرکت سهامی سیمان اصفهان و بخشی از سهام شرکت قند نقش جهان به این مؤسسه واگذار



۱- موسسات و بنیادهای فرهنگی که صرفاً به فعالیت‌های عام‌المنفعه فرهنگی و هنری نظیر نشر معارف اسلامی، برگزاری تورهای رایگان زیارتی، و ... می‌پردازد.

۲- موسسات خیریه حمایتی اقتصادی که صرفاً در زمینه کمک‌های اقتصادی به نیازمندان فعالند که بیشترین تراکم تعداد خیریه‌ها در همین بخش قرار دارد.

۳- موسسات خیریه حمایتی اجتماعی که علاوه بر تأمین نیازهای اقتصادی، محور اصلی کارشان بر خود اتکایی و بازتوانی افراد خانواده‌های نیازمند و ارائه خدمات معنوی و مشاوره‌ای نظیر مشاوره‌های روانی، خانواده و حقوقی است.

۴- مجتمع‌های خیریه که تمامی انواع خدمات خیریه‌ای در بخش‌های مختلف نظیر وام قرض‌الحسنه، خدمات درمانی، مشاوره، حمایت‌های مادی، حمایت‌های اجتماعی، بازتوانی و فعالیت‌های فرهنگی ارائه می‌دهند.

چهارمین نوع طبقه بندی بر اساس گستره پوشش و ارائه خدمات قابل انجام است، بدین ترتیب دونهوع موسسات خیریه از هم متمایز می‌شوند: ۱- موسسات خیریه با پوشش عام و کشوری؛ نظیر کمیته امداد امام خمینی(ره)، ۲- موسسات خیریه با پوشش خرده فرهنگی که در آنها اغلب خدمات به اعضای خرده فرهنگ‌ها ارائه می‌گردد، مانند موسسه خیریه ترکمنهای دانشگاه تهران. در همین طبقه بندی، برخی موسسات وجود دارند که علاوه بر ارائه خدمات به اعضای خرده فرهنگی خاص، نسبت به انجام فعالیت‌های عمرانی و رفاهی در خواستگاه آن خرده فرهنگ اهتمام خاص دارند، مانند موسسه همیاری کندلوس که مهمترین محور فعالیت آن عمران روستای کندلوس در مازندران و مناطق همجوار آن است. موسسه خیریه مولی‌الوحدین کرمان نیز از همین نوع موسسات است که به امر توسعه، کارآفرینی، خلاقیت و ایجاد فرصت‌های شغلی در مناطق محروم توجه دارد و به عنوان اولین موسسه خیریه توسعه‌گرا در کشور محسوب می‌گردد. ■

سری اهداف خاص تأسیس می‌شوند. در ایران در حال حاضر متولی ثبت موسسات خیریه وزارت کشور می‌باشد. این موسسات، بر اساس وضعیت ثبت‌شان، به دو طبقه تقسیم می‌شوند. ثبت شده و ثبت نشده. از آنجا که فعالیت‌های خیر ریشه‌ای دیرینه در فرهنگ و رسوم ایرانی و اسلامی مردم ایران دارد، بسیاری

وقف، در دین اسلام، دستور

نیست بلکه عملی داوطلبانه

است برای برخوردار کردن

بقیه از اموال شخصی، یک نوع

تعدیل ثروت و توزیع درآمد است

از افراد اقدام به تشکیل گروه‌هایی داوطلب در بین دوستان و آشنایان خود می‌کنند. که این گروه‌ها با وجود فعالیت‌های مداوم و اثر گذار، هیچ‌گاه از یک جمع دوستانه خارج نمی‌شود و به ثبت نمی‌شوند. یکی دیگر از دلایل عدم ثبت این موسسات خیریه این است، که بسیاری از خیرین و بانیان امور خیر به تمایلی به شناخته شدن و ابزار هویت خود ندارند، زیرا به این باور هستند که ریا و تزویج اجر فعالیت‌های آنها را که خیرخواهانه و در راه رضای خداوند است، باطل می‌سازد.

سومین طبقه بندی این گونه موسسات بر مبنی خدماتی است که ارائه می‌دهند. فرهاد توماج در پژوهشی که در سال ۱۳۸۱ انجام داده است این تقسیم بندی را برای موسسات خیریه قائل شده است:

کرده و به مدت چند سال امور جاری موسسه را شخصاً و همراه با هیئت امنای خیریه اداره نمود؛ سرمایه ثبت شده و تماماً پرداخت شده این موسسه در سال ۱۳۵۴ معادل هشت میلیارد ریال بوده است. از سال ۱۳۵۰، رژیم پهلوی به بهانه‌های بی اساس و به علت استقلال و عدم وابستگی این موسسه خیریه، شخص حسین همدانیان را در تاریخ ۱۳۵۳/۴/۳۰ دستگیر و روانه زندان شهربانی نمود. وی به مدت ۹ ماه در بیمارستان خورشید بستری و ممنوع الملاقات بود. سپس موسسه خیریه همدانیان فاقد صلاحیت اعلام شد و جهت کسب آزادی و ادامه درمان وی را وادار به تغییر اساسنامه و واگذاری موسسه به سازمان خدمات شاهنشاهی نمودند. حسین همدانیان پس از عزیمت به انگلستان در خرداد ماه ۱۳۵۶ فوت نمود و پیکرش در شهر اصفهان در کنار برادر، به خاک سپرده شد اما نام این دو بزرگوار در شهر اصفهان همواره با خیر و نیکی و نوع دوستی و کار آفرینی همراه بوده و آثار خدمات ارزنده این دو شادروان، همچنان یاد آور فکر و روح و همت پاک و بلند آنان در زمینه‌های علمی، فرهنگی، مذهبی، تولیدی و صنعتی است و در کارنامه خدمات اجتماعی آنان، علاوه بر ایجاد کار و تولید، و مبارزه با فقر، کمک مالی به طلاب حوزه‌های علمیه و دانشجویان دانشگاه‌ها، مساعدت در ساخت و تجهیز و تعمیر مراکز بهداشتی، درمانی، آموزشی، مذهبی، دادن وام و کمک‌های بلا عوض به اقشار مختلف و نیازمندان فراوان دیده می‌شود، این موسسه هم اکنون بیش از ۱۰ شرکت تحت پوشش دارد و سالانه میلیاردها ریال کمک‌عام‌المنفعه ارائه می‌نماید.

طبقه بندی سازمان‌های خیریه

سازمان‌های خیریه را از چند جهت می‌توان طبقه بندی نمود که اولین طبقه بندی، بر اساس ماهیت آنها است. بر این اساس می‌توان سازمان‌های خیریه را به دو دسته تقسیم عمومی و خصوصی تقسیم کرد.

موسسه خیریه عمومی با تصویب قانون و برای رفع یکی از مشکلات کلان کشور به وجود آمده است. این موسسات دولتی هستند و برای انجام فعالیت‌های خود نیاز به تصمیم گیری‌های کلی در سطح کشور و یا تصویب قانون دارند و کمیته امداد امام خمینی(ره) و سازمان بهزیستی از این جمله هستند. موسسه خیریه خصوصی، توسط افراد و با یک

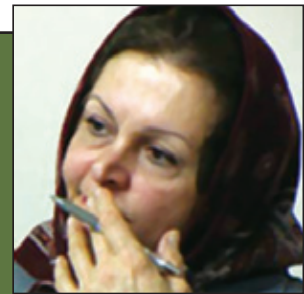


بررسی مفهوم

کارآفرینی اجتماعی

روجر، ال. مارتین و سلی اوزبرگ

مترجم: فاطمه فرهنگ خواه



بررسی مفهوم

کارآفرینی اجتماعی رشد قابل ملاحظه‌ای از نظر دانش، سرمایه و توجه داشته است. اما در کنار این محبوبیت روزافزون، اطمینان کمتری در مورد این که دقیقاً کارآفرینی اجتماعی چیست و چه می‌کند وجود دارد. در نتیجه، هرگونه فعالیتی امروزه کارآفرینی اجتماعی خوانده می‌شود. بعضی‌ها اعتقاد دارند هرچه معنا وسیع‌تر باشد بهتر است اما نویسندگان این مقاله اعتقاد دارند که زمان آن رسیده است تا یک معنای مشخص برای آن ارائه شود.

بررسی مفهوم کارآفرینی اجتماعی

با رشد سریع زمینه‌های کارآفرینی اجتماعی توجه بخش‌های مختلف به آن جلب شده است. این اصطلاح مرتباً توسط رسانه‌ها تکرار می‌شود و افراد دولتی به آن ارجاع می‌دهند و در حال متداول شدن در محیط‌های دانشگاهی است. استراتژی بسیاری از سازمان‌های اجتماعی توسط کارآفرینان اجتماعی شکل می‌گیرد.

دلایل بسیاری پشت محبوبیت کارآفرینی اجتماعی وجود دارد. برای مردم بسیار جالب توجه است که این افراد خاص، ایده‌های جالبی را دنبال می‌کنند و در مقابل همه مشکلات موفق می‌شوند، در خلق محصولات یا سرویس‌های جدیدی که واقعاً در زندگی مردم تغییر اساسی ایجاد می‌کنند. ما امروز باید شفاف بحث کنیم راجع به اینکه کارآفرینی اجتماعی چیست؟ به دلیل این که تعریف کارآفرینی اجتماعی در برگیرنده یک حوزه وسیع است و خیلی شفاف نیست، چون کارآفرینی اجتماعی خیلی وسیع شده در نتیجه بسیاری از رفتارهای اجتماعی را می‌توان به آن مرتبط کرد. نویسندگان این مقاله تلاش کرده‌اند مفهوم کارآفرینی اجتماعی را روشن کنند. آنها دو مفهوم کارآفرین و کارآفرین اجتماعی و انگیزه‌های این دو نوع را به خوبی مورد کندوکاش قرار داده‌اند. هم چنین این مقاله می‌کوشد تا تمایز بین کارآفرین اجتماعی، فعالیت‌های اجتماعی و (خدمات) سرویس‌های اجتماعی را برجسته نموده و هر یک

می‌کند. طبق نظر دراکر، یک کارآفرین همیشه در جستجوی تغییر است، به آن واکنش نشان می‌دهد و از فرصت‌ها استفاده می‌کند. بر اساس این تئوری او باور دارد که کارآفرینی ترکیب مفهومی است که در آن فرصت‌ها نهادینه شده است، مجموعه خصوصیتی در فرد مورد نیاز است تا آن را تشخیص دهد و آن فرصت را به کار بگیرد و یک خروجی مورد استفاده از آن خلق کند.

در ادامه مقاله به زمینه‌های کارآفرینی اشاره دارد و مثال‌هایی از کارآفرینان موفق مانند طراحان سیستم کامپیوتری اپل یا خالق سیستم حمل و نقل فکس و هم چنین کسانی که سیستم حمل و نقل آسان کودکان توسط والدین را طراحی کردند و ... را توضیح داده‌اند.

مقاله هم چنین نگاهی دارد به ویژگی‌های افراد کارآفرین؛ الهام، خلاقیت، عمل مستقیم، جسارت و بردباری را از خصوصیات بارز و منحصر به فرد کارآفرین می‌داند. یک کارآفرین خلاقانه می‌اندیشد و راه‌حل‌های جدید ارائه می‌کند. کارآفرین سیستم قبلی را بهبود نمی‌بخشد، بلکه به جای آن روش یا رویکرد جدیدی برای مشکل پیدا می‌کند. کارآفرین ضمن پیش‌بینی راه کارهای خلاقانه، برای از بین بردن موانع و چالش‌های موجود نیز باید تلاش نماید. سپس مقاله بر برون داد کارآفرینی تمرکز می‌کند. آنها معتقدند که کارآفرین یک ثبات و تعادل جدید خلق می‌کند، که سطح معنا دار بالایی از رضایت

از مفاهیم را با مثال‌های ملموسی قابل درک نماید. این مقاله ابتدا معنایی از کلمه کارآفرین و کارآفرینی همراه با واژه اجتماعی ارائه می‌دهد و آن را تلفیق مناسبی می‌داند، که ترکیب خاصی از مفهوم خارج از چارچوب اندیشیدن یا تلاش برای خلق یا ایجاد چیزهای جدید در این دنیا را به خواننده القاء می‌کند. لذا نویسندگان به دنبال مناسب سازی مفهوم کارآفرینی با توجه به کارآفرینی اجتماعی هستند، تا بتوانند معنای دقیقی از کارآفرینی اجتماعی ارائه دهند. جین باب‌تیست سی، در اوایل قرن نوزدهم، کارآفرین را کسی می‌دانست که منابع اقتصادی را از جایی که بهره‌وری کمتری داشت، به جایی که دارای بهره‌وری بیشتری بود سوق می‌داد. یک قرن بعد اقتصاددان اتریشی به نام جوزف شومپتر در کارآفرینی نیاز به نیروی فشاری را تعریف کرد که محرک پیشرفت اقتصادی است و در غیاب آن اقتصاد ایستا خواهد بود. او معتقد است کارآفرین کسی است که یک فرصت تجاری، مواد اولیه، محصول نهایی، خدمات یا کسب و کار و یا سازمانی را که آن را اجرا می‌کند می‌یابد و یا کارآفرینان دیگر را تشویق می‌کند تا نوآوری‌های خود را که نتیجه یک نگاه خلاقانه است را انتشار دهند. او می‌گوید یک کارآفرین موفق نتیجه مجموعه عملکردها است. بدین ترتیب او کارآفرین را در درون یک اقتصاد کلان، عامل تغییر می‌بیند. اما پیتر دراکر خود کارآفرین را لزوماً عامل تغییر نمی‌بیند، بلکه او را فرد زیرکی می‌داند که از تغییر شرایط بهره برداری

برای مشارکت کنندگان در سیستم را فراهم می‌آورد. به وجود آمدن روش‌های جدید کسب‌وکار و ایجاد مشاغل نوین، جهشی را در ایجاد یک سیستم قدرتمند که به سادگی نمی‌توان آن را به هم ریخت ایجاد می‌کند. در هر یک از موارد کارآفرینی‌ای که در این مقاله به آن اشاره شده است، فاصله کیفیت تعادل شرایط قدیم با جدید بسیار زیاد است.

در ادامه با عنوان تغییر مسیر به کارآفرینی اجتماعی: نویسندگان می‌پرسند چه وجه تمایزی بین کارآفرینی اجتماعی و همتای سود آور آن وجود دارد؟ سپس اضافه می‌کند که مفیدترین راه برای ارائه تعریفی از کارآفرینی اجتماعی این است که تناسب آن را با کارآفرینی مشخص کنیم. برای فهم این که چه چیزهایی دو نوع کارآفرینی را از هم مجزا می‌کند! توجه به عوامل مشوق آن‌ها به ما کمک خواهد کرد. کارآفرینانی که پول مشوق آنهاست و کارآفرینان اجتماعی که نوع دوستی مشوق آن‌هاست. عوامل برانگیزاننده هر دو کارآفرین، فرصتی است که شناسایی می‌شود، پی‌گیری مداوم چشم‌انداز و خشنودی که بعد از به نتیجه رسیدن ایده‌شان احساس می‌کنند. ما باور داریم که تفاوت انتقادی بین کارآفرین و کارآفرین اجتماعی در موضوع ارزش‌های آنها نهفته است. برای یک کارآفرین موضوع، پیش‌بینی‌ها، سازمان‌دهی و خدمت به بازار است که می‌تواند برای ایجاد منافع مادی طراحی شود. در حالی که کارآفرین اجتماعی در راه ایجاد ارزش در مقیاس بزرگتر و منافع انتقالی‌ای که یا در سطح بخش عمده‌ای از جامعه یا کل جامعه صورت می‌گیرد تلاش می‌کند. کارآفرین اجتماعی هدف را سطحی از جامعه و یا بخشی از جمعیت که مورد غفلت قرار گرفته و از نظر مالی یا سیاسی شرایط بسیار نا مساعدی دارند می‌داند، تا بتواند نیازهای آنان را در سطح مناسبی برآورده کند. آن چه کارآفرین اجتماعی را متمایز می‌کند تقدم منافع اجتماعی است که پروفیسور جرج دیز از دانشگاه دوک، آن را به‌عنوان «تاثیرهدف‌مند» یاد کرده است. این نویسندگان، کارآفرین اجتماعی را دارای سه مولفه می‌دانند، شناسایی یک تعادل پایدار اما ذاتاً ناعادلانه، شناسایی یک فرصت که موجب بروز ویژه‌گی‌های او می‌شود و در نهایت ایجاد یک تعادل جدید.

مقاله در این جا به نمونه‌هایی از کارآفرینان اجتماعی تاثیرگذار در حوزه‌های فیلم و سینما، اعتبارات خرد، دارو و... اشاره می‌کند.

آنگاه مقاله به مرزهای کارآفرینی گریزی می‌زند و دو فرم عمده فعالیت‌های اجتماعی با ارزش را از کارآفرینی اجتماعی مجزا می‌کند. اولین نوع این گونه فعالیت‌های اجتماعی ارائه خدمات اجتماعی است: در این نوع، فردی متعهد و شجاع، تعادل پایدار اما همراه با بدبختی را تشخیص می‌دهد و شناسایی می‌کند - برای مثال: یتیمان ایدز - و یک برنامه برای پاسخ به آن شرایط ایجاد می‌کند. این گونه اقدامات اجتماعی هرگز از چارچوب محدودشان خارج نخواهند شد و تاثیرشان محدود باقی خواهد ماند و محدوده ارائه خدمت شان

منحصر به افراد محلی می‌شود و میدان عمل آنها توسط منابعی که بتوانند جذب کنند تعیین می‌شود. تفاوت بین این دو نوع اقدامات - یکی کارآفرینی اجتماعی و دیگری خدمات اجتماعی - از مفهوم اولیه کارآفرینی یا ویژگی‌های شخصیتی موسس آن نیست، بلکه بیشتر در خروجی‌های آن نهفته است. دومین نوع فعالیت‌های اجتماعی اقداماتی است که فعالین اجتماعی انجام می‌دهند. در این مورد محرک فعالیت‌ها مشابه هستند، - یک تعادل پایدار ناخوش‌آیند - و ویژگی‌های ظاهری مشابه بازیگران، مانند: اشتیاق، خلاقیت، تشویق و بردباری، تفاوت بین این دو گرایش، نوع عملکرد بازیگران آن است. به جای این که به عنوان یک کارآفرین مستقیماً وارد عمل شود، یک فعال اجتماعی کوشش می‌کند به طور غیرمستقیم وارد عمل شود و تغییر ایجاد کند. فعالین اجتماعی ممکن است اقدام به تاسیس سازمان‌هایی برای دستیابی به تغییری که در جستجوی آن هستند، بنمایند یا نمایند. بدین ترتیب با توجه به تفاوت‌های این سه عامل اجتماعی، مهم این است که بتوانیم این تفاوت‌ها را درک کنیم. اما در دنیای واقعی گاه مدل مختلفی از ترکیب دو و یا هر سه آنها خلق می‌شود. در مقاله مثال‌هایی از پیوند متوالی بین آنها بیان شده است. مانند: گرامین بانک و یا فعالیت‌های کیلاش سارتی، نامبرده فعالیت‌هایی برای نجات کودکانی که در بازار بافت فرش در هند به بردگی کشیده شده بودند آغاز کرد. وی با تأسیس کارخانه مارک فرش و معرفی آن در سطح عمومی توانست خریداران را مطمئن کند که فرش‌ها بدون استفاده از کودکان بافته شده است. این فعالیت او در اقدام مشترک کارآفرین و فعال اجتماعی نهفته است.

ترکیب فعالیت ارائه‌کنندگان خدمات اجتماعی یا فعال اجتماعی در یک سطح تاکتیکی ترهیم می‌تواند خروجی مشابهی را با کارآفرین اجتماعی ایجاد کند. نویسندگان در انتها با عنوان چرا باید به این موضوع اهمیت دهیم؟ مطلب را به پایان برده‌اند. صاحب نظران اقتصادی، کارآفرینان را مواد اولیه سیستم سرمایه‌گذاری آزاد می‌دانند که بدون شک برای بازار اقتصادی نیز ضروری هستند. همچنین می‌دانیم که متفکران بسیاری به موضوع کارآفرینی اجتماعی نگاه کرده‌اند و نگران از این هستند که عدم تفاوت گذاشتن در کاربرد این لفظ تأثیر بسیار مهم و اهمیت بالقوه آن را در ایجاد تغییرات و تحولات در جوامع پنهان خواهد گذاشت. ما باور داریم که کارآفرینی اجتماعی به همان اندازه در تحولات اجتماعی جوامع موثر است که دیگر انواع کارآفرینی در تحولات اقتصادی.

نگاه این است که تعریف شفاف‌تری از کارآفرینی اجتماعی به توجه به این حوزه کمک می‌کند. کارآفرین اجتماعی باید به عنوان فردی شناخته شود که یک تعادل ناخوشایند اما پایدار را نشانه گرفته و برای حل این شرایط، اشتیاق، عمل مستقیم، خلاقیت، شجاعت و بردباری را به عرصه نمایش می‌گذارد تا یک تعادل پایدار جدید خلق کند که نفع آن برای گروه هدف و یا حتی کل جامعه خواهد بود. این تعریف کمک می‌کند تا بین کارآفرین اجتماعی از ارائه‌کنندگان سرویس‌های اجتماعی و فعالان اجتماعی تفاوت قائل شویم. آن‌ها امیدوارند این جداسازی از دو مفهوم کارآفرین و کارآفرین اجتماعی، نیز توانسته باشد ارزش نهفته در هر کدام از این رویکردها را شفاف کرده و فهم بهتری ایجاد کند و تصمیم‌گیری را که به تغییرات اجتماعی توجه دارند آگاه کرده باشد. ■



انواع کارآفرینی اجتماعی از دیدگاه GEM - ۲۰۰۹



طیف فعالیت‌های کارآفرینانه اجتماعی از نگاه دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM)، ۲۰۰۹ با توجه به تنوع گسترده‌ای از کارآفرینان اجتماعی که در پیمایش امسال به دست آمد، ما نوع شناسی کارآفرینان اجتماعی را در چهار گروه اصلی تدوین کردیم. این نوع شناسی از سه ویژگی متفاوت تشکیلات اقتصادی اجتماعی که توسط کارآفرینان اجتماعی راه اندازی شده‌اند به دست آمده است. این ویژگی‌ها عبارتند از:

- ۱- برتری اهداف اجتماعی (یا محیط زیستی) با توجه داشتن و در نظر گرفتن اهداف اقتصادی
- ۲- تکیه بر روی استراتژی کسب درآمد و توجه به سهم آن در درآمد کل
- ۳- وجود نوآوری و وقوع و تکرار آن در سازمان

کسب درآمد «یکپارچه» یا «مکمل» برای تحقق مأموریت‌شان دارند.

۴- کارآفرینی اجتماعی انتفاعی (اهداف اجتماعی / محیط‌زیستی بالا است اما تنها هدف انحصاری نیست، استراتژی کسب درآمد دارند).

گروه پنجم شامل انجام فعالیت‌های اجتماعی با انگیزه‌های انتفاعی است. این گروه فعالیت‌ها، طوری هستند که سبب همپوشانی یا کدر شدن مرزهای بین فعالیت‌های کارآفرینی نوپا و فعالیت‌های کارآفرینانه اجتماعی نوپا می‌شود. اگر چه ما این قبیل فعالیت‌ها را در کنار سایر فعالیت‌ها در طیف انواع فعالیت‌های کارآفرینانه اجتماعی در نظر می‌گیریم تا بتوانیم همه فعالیت‌ها را در این طیف در نظر بگیریم و چیزی را از دست ندهیم، اما ممکن است چشم‌انداز نظری فعلی درباره کارآفرینی اجتماعی آنها را از قرار گرفتن در این طیف محروم سازد. نمودار زیر قوانین این طبقه‌بندی را به خوبی نشان می‌دهد.

موقعیت کسب سود نیستند.)

۲- کارآفرینان اجتماعی غیر انتفاعی (سطوح اهداف اجتماعی / محیط‌زیستی بالا است، به دنبال موقعیت کسب سود نیستند، نوآوری دارند).

۳- کارآفرینی اجتماعی ترکیبی (سطوح اهداف اجتماعی / محیط‌زیستی بالا است، استراتژی

چهار دسته مشخص شده از انواع کارآفرینی اجتماعی عبارتست از:

- ۱- سازمان‌های غیردولتی سنتی (سطوح اهداف اجتماعی / محیط‌زیستی بالا است؛ به دنبال





گفتگویی با خانم فرشته سلیمانی

دبیر همایش کارآفرینی اجتماعی زنان

به عنوان دبیر همایش کارآفرینی اجتماعی زنان، مایلم خوانندگان ما با شما که کارآفرین موفق هستی بیشتر آشنا شون، بنابراین لطفاً خودتان را بیشتر برای ما معرفی کنید.

من فرشته سلیمانی، رییس هیئت موسس مرکز آموزش عالی علمی - کاربردی واحد ۶ و مدیر مسئول و رییس هیئت مدیره و مدیر عامل موسسه فرهنگی هنری نماکارنگ و دبیر رسمی آموزش و پرورش هستم. حدود پنج سال است که همکاری همه جانبه با انجمن ملی زنان کارآفرین و انجمن صنفی زنان مدیر کارآفرین دارم. در سال ۱۳۸۶ در دانشگاه صنعتی شریف دبیر همایش با موضوع دانش آموختگان دانشگاهی بودم. امسال هم با موضوع کارآفرینی اجتماعی در مجتمع نیکوکاری رعد در خدمت شما هستیم. موضوع کارآفرینی اجتماعی اولین باری است که در ایران به شکل همایش بررسی و در حال ارائه است.

چه شد که بعد از برگزاری پنج دوره همایش موفق در زمینه کارآفرینی زنان به فکر انتخاب این موضوع افتادید؟

همانطور که مستحضر هستید، انجمن زنان کارآفرین در سال ۱۳۸۳ با مجوز از وزارت کار و امور اجتماعی فعالیت رسمی خود را آغاز کرد. البته با توجه به این که موسسین همزمان درخواست اعطای مجوز به وزارت کشور نیز داده بودند، پس از یک سال از این وزارتخانه نیز با عنوان انجمن ملی زنان کارآفرین پروانه فعالیت گرفتند و دو انجمن با اهداف و اکثریت اعضای مشترک به موازات یکدیگر و با همکاری تنگاتنگ به ترویج فرهنگ کارآفرینی پرداختند. انجمن زنان مدیر کارآفرین فعالیت‌هایش را در قالب دو گروه ارتباطات و آموزش، پژوهش و مشاوره دنبال می‌کند که طی سال‌های اخیر فعالیت‌های آموزشی- پژوهشی و مشاوره‌ای انجمن با همکاری مراکز کارآفرینی دانشگاه‌های سراسر کشور، شهرداری تهران و سایر مراکز مرتبط توسعه یافته است. انتخاب این موضوع به هیأت مدیره ما بر می‌گردد. ما همیشه تلاش برای فعالیت‌های و تصمیم‌گیری‌های جمعی داریم. این موضوع هم همچون دیگر همایش‌های سالانه ما مصوبه هیئت مدیره انجمن بود. با توجه به اینکه دغدغه‌ها و نیازهای مبرم فضای اجتماعی ایران همین را می‌طلبد. هیئت مدیره با توجه به سابقه همایش‌هایی که برگزار کرده بود و با توجه به این که اصلاً راجع به کارآفرینی اجتماعی هیچ سازمان دولتی و غیردولتی

درباره کارآفرینان جمع‌آوری کردند، که این داده‌ای جمع‌آوری شده پایه‌ای قوی برای این همایش بود. از برگزاری این همایش چه انتظاری داشتند و آینده کارآفرینی اجتماعی در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

همان‌طور که گفتیم این موضوع برای اولین بار است که در ایران مطرح می‌شود و اقدامی مبتکرانه است، و جای بسیاری برای فعالیت دارد. ما واقف هستیم که این حوزه پتانسیل انجام فعالیت‌های پژوهشی زیادی دارد. تحلیل انجمن و تحلیل شخص من این بود که با توجه به شرایطی که موجود است و نیاز مبرم به این که شخصیت‌های موثر در اجتماع روی ترویج فرهنگ اجتماعی و فعالیت‌های عام‌المنفعه کار کنند بر آن شدیم تا این موضوع را در قالب همایش سالانه کارآفرینی زنان ارائه دهیم.

شاخص‌های شما در انتخاب نمونه‌های کارآفرینی اجتماعی چی بود؟

اولین شاخص داوطلبانه کارکردن بود. دومین شاخص عام‌المنفعه بودن موسسه بود. ما به دنبال موسسات غیردولتی بودیم که استراتژی کسب درآمد داشته باشند و بتوانند از لحاظ درآمدی استقلال و ماندگاری خود را تضمین کند. یکی دیگر از شاخص‌های ما نوآوری بود. موسساتی که در اداره کردن مجموعه‌های خود و یا تأمین منابع، نوآوری داشتند و نیازهای اجتماعی را با روش‌های نوآورانه حل و فصل می‌کردند هم به نوعی کارآفرین اجتماعی محسوب می‌شوند. بنابراین به طور خلاصه می‌توانم بگویم، کارآفرینی اجتماعی عبارتست از:

- ترکیب «شرکت تجاری» و «تأثیر اجتماعی»
- تلاش سازمان‌های غیرانتفاعی که برای پیشبرد اهداف خود، فعالیت‌های سودآور و درآمدزا انجام می‌دهند
- کلیه سازمان‌های غیرانتفاعی
- آن دسته از فعالیت‌های سازمان‌های انتفاعی که اهداف عام‌المنفعه داشته باشند
- گونه‌ای از کارآفرینی با اهداف اجتماعی
- اهداف اجتماعی فعالیت‌های تجاری مانند تأسیس صندوق‌های اعتبارات خرد، و یا یافتن راه‌حلی نو برای پاسخ‌گویی به معضلات اجتماعی در پایان از اعضای کمیته‌های علمی و اجرایی و همچنین کلیه حامیان همایش، و کلیه افرادی که در برگزاری این همایش ما را یاری نمودند، تشکر و قدرانی دارم. ■

برگزار نکرده بود، این موضوع را انتخاب کرد. **لطفاً کمی درباره روند اجرایی همایش توضیح دهید. کمیته‌های علمی و اجرایی چه کارهایی انجام داده‌اند و چگونه مقالات واصله ارزیابی شده و نمونه‌های موفق انتخاب شدند.**

کمیته علمی حدود سه الی چهار جلسه برگزار نمود که با حضور حدود ده نفر از اعضای هیئت علمی از دانشگاه‌ها، سازمان‌ها و موسسات مختلف انجام می‌شد. فراخوانی آماده و در چندین روزنامه و مجله سراسری در کشور چاپ شد. فراخوان آماده شده برای کلیه موسسات و سازمان‌های مرتبط با این حوزه از استانداری‌ها، تا مراکز کارآفرینی دانشگاه‌ها و شهرداری‌ها ارسال شد. طبق این فراخوان، مقالات و رزومه نمونه‌ها و تجارب کارآفرینان اجتماعی به دست ما رسید. طی بررسی که کمیته علمی داشتند، دو مقاله انتخاب شد و حدود شش الی هفت تجربه کارآفرینی اجتماعی انتخاب گردید. ما چون همایش‌های پیشین علاوه بر ارائه مقالات پژوهشی و تخصصی و ارائه مطالعات موردی در میزگردی تخصصی با حضور نمایندگان از سه بخش دولتی، خصوصی و دانشگاهی موضوع کارآفرینی اجتماعی زنان را مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد. و وجه تمایز همایش‌های انجمن با سمینارهای علمی و آکادمیک، استفاده هرچه بیشتر از تجارب کارآفرینی و ایجاد فرصت ارتباط و گفتگوی مردم بویژه جوانان با زنان کارآفرین و آشنایی نزدیک با تجارب آنان است. شایان ذکر است تعداد مقالات ارسالی و نمونه‌های موفق بیش از این مواردی بود که عرض شد، اما از آنجا که ما با محدودیت زمان مواجه بودیم معرفی برخی از آنها را به ویژه‌نامه محدود نمودیم. بی‌شک ویژه‌نامه همایش، فرصتی برای معرفی تجارب ارزشمند در حوزه کارآفرینی اجتماعی و اطلاع‌رسانی در این زمینه است.

برای انتخاب نمونه‌ها و کارآفرینان اجتماعی، فقط به اطلاعاتی که به دست شما رسیده بود اکتفا کردید یا خودتان هم وارد عمل شدید؟

هر دو روش بود. ما هم کیس‌هایی که به دستمان رسید تروق و تعمق کردیم، و هم به سراغ شناخت اعضا و سرمایه‌های اجتماعی خودمان رفتیم. خوشبختانه هیأت موسس و اعضای انجمن ضمن سفرهایی فصلی که داشتند، اطلاعات خوبی



درباره بانوان نیکوکار

آسایشگاه کهریزک

حدیث آسمانیان زمینی

خود به تنهایی مدیریت یک گروه خیریه را بر عهده گرفت و زمانی که کهریزک فقط یک پرسنل داشت و کمتر از ۶ نفر ساکن، همکاری خود را با کهریزک آغاز کرد. آن موقع آسایشگاه یک هزار مترمربع زمین بود و یک بنا و خانم بهادری زاده شاهد بود که چطور پرسنل به یک هزار نفر رسید و مساحت آسایشگاه به ۴۰۰ هزار مترمربع.

خانم بهادری زاده، رئیس هیات مدیره آسایشگاه معلولان و سالمندان کهریزک است و در ضمن، ریاست نهاد غیردولتی گروه بانوان نیکوکار ایران و خارج از کشور را بر عهده دارد. از کودکی در خانواده ای نیکوکار بزرگ شده است. خودش می گوید که خانه ما پایگاه امور خیریه بود. از ۳۰ سالگی

پاسی از شب می گذشت، برف به شدت می بارید و طوفانی شدید به همراه داشت. همه از ترس سرما، از کوچه و خیابان به خانه و کاشانه خود پناه برده بودند. من کنار کرسی نشسته بودم و دخترم کیانوش را در انجام تکالیف مدرسه اش کمک می کردم. زنگ در مظلومانه به صدا درآمد. چه کسی می تواند باشد؟ چه کسی در می زند؟ جواب آمد، در را باز کنید، با شما کار دارم. در این فکر بودم که «همسرم در سفر است و پسرم به منزل آمده و انتظار کسی را نداشتم» پشت در رفتم، صدای مردی بود که التماس می کرد در را باز کنم، و معذرت می خواست که بی موقع مزاحم شده است. پشت سر هم می گفت: اگر جانم به لب نرسیده بود و اگر بیچاره نشده بودم، این موقع شب به شما زحمت نمی دادم. با تعجب و نرمی در را باز کردم و او را به درون خانه دعوت کردم. از سرما می لرزید. وقتی چای گرمی نوشید چنین گفت:

«مردی غریب و فقیرم و پنج فرزند دارم. در یک اتاق کرایه ای در خانه ای کوچک با صاحب خانه زندگی می کنم. همسرم مادری دارد که معلول شده، پیر و زمین گیر است، کنترل ادار و مدفوع ندارد. و به علت کهولت مشاعرش را از دست داده است... او را به هر بیمارستانی بردم نپذیرفتند. شما را به خدا، دستم به دامنتون یک کاری کنید، راهنمایی و هدایتی کنید تا خانواده از پریشانی نجات یابند.

اسم و آدرس او را گرفتم و روزها و هفته ها به هر دری که امید کمکی می رفت کوبیدم، تا شاید او را در بیمارستانی بستری کنم. همه جواب دادند هرگز یک تختخواب فعال در بیمارستان در اختیار یک معلول قرار نمی گیرد، چرا که او نه می میرد و نه درمان می شود. پس از جستجوی بسیار ولی ناموفق، دوستی این نشانی را به من داد: جاده قم، بعد از بهشت زهرا، آسایشگاه معلولان و سالمندان کهریزک (خیریه). آدرس را به آن مرد دادم تا مراجعه کند. بعد از یک روز دوباره همان مرد آمد. تا در را باز کردم مرا آنچنان مورد ستایش قرار داد که شرمنده شدم. دعای خیر می کرد و اشک شادی می ریخت، پس از مدتی برایم تعریف کرد:

او را بدون معرفی نامه از کسی به همان آدرسی که دادی، بردم و در ورودی و در اتاق باز بود. نگاهی گفت مریض را ببر روی آن تشک بخوابان. بدون هیچ تشریفات بستری شد. من اول برای سپاسگزاری آمده ام و بعد تقاضا و استعدایی عاجزانه دارم. شما را به خدا قسم می دهم از من نرنجید و دلگیر نشوید. سالمندم، خودم و خانواده ام از شما ممنونیم. ولی تقاضای من این است، شما که دنبال کار خیر هستید یکبار هم از این مرکز بازدید کنید، ببینید در آنجا چه می گذرد و همین درخواست، آغاز راهی بود در زندگی من...

خاطره

نیمه شب طوفانی

نقل از کتاب

<آشنایان ره عشق>

به قلم

اشرف بهادر زاده



می کردند. آماده حرکت به آسایشگاه شدم. تلفنی با دکتر تماس گرفتم و گفتم: آیا می توانم برای مریض های شما کاری انجام دهم؟ دکتر پاسخ داد: من نیازم را به کسی می گویم که بی نیاز باشد، شما خود نیازمندید. به هر حال از هر دری وارد می شدم، دکتر نمی پذیرفت. بالاخره مجبور شدم همراه با خانم کاتوزیان، مدیر حسینییه و همسرم به منزل دکتر بروم. در آنجا به دکتر گفتم: وجودم، وجودی نیست، من واقعا ناتوانم و قدرت کار بدنی ندارم اگر یک کارگر بفروسم به مراتب بهتر از خودم خواهد بود. دکتر هم در پاسخ گفت: من هیچ کمکی را قبول نمی کنم و هرچه بفروستی پس می فرستم. من فقط نیروی انسانی لازم دارم پس اگر می خواهی کمک کنی باید خودت به آسایشگاه بیایی. بعد از آن دوباره از آسایشگاه دیدن کردم و تازه با دنیای معلولیت و سالمندی آشنا شدم و دیدم چه بحر طولیلی است و من چقدر غافلم... معلولان یکی خواب، یکی بیدار، یکی نالان، یکی گریان و همه به محض اینکه چشمشان به ما می افتاد، فریاد می زدند: آب، آب، آب. نزدیک شدن به بیماران، فوق العاده مشکل بود چون بوی تعفن همه جا را پر کرده بود. وقتی ملاقه ها را کنار می زدیم به کثافت هفتگی و شاید چندهفتگی برمی خوردیم. تمام بدن بیماران آلوده و زخم بود. منظره شپش ها، قابل توصیف نبود و امکانات در آسایشگاه زیرصفر بود. تخت ها مناسب نبودند و انباشت زباله های هفتگی همه جارالوده کرده بود.

خدا می داند که در این مدت با چه مسایلی برخوردیم... اگر بخواهم از مشکلات و مصائب بگویم، فراوان است ولی به هر حال به همت بانوان نیکوکار و مردم خیر تا به این مرحله رسیدیم و من همه جا حضور خدا را احساس کردم می کنم.

خانواده با فعالیت های شما مشکلی نداشت؟
چرا! در ابتدا مادر به من می گفتند: کار تو گناه است چون دایما با مردها سروکار داری تا اینکه

طاقات ندارند دو دقیقه بنشینند و تمام مدت کار می کنند!

چطور شد که به مسایل آدم های آسیب دیده و نیازمند علاقه مند شدید؟

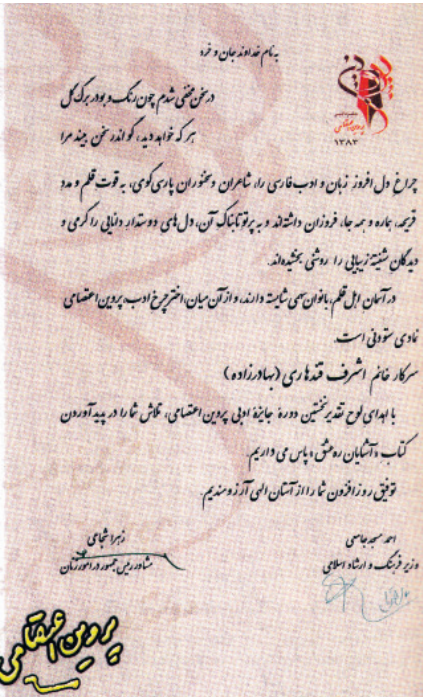
من در سن ۱۴ سالگی نامزد و در ۱۷ سالگی ازدواج کردم و در ۱۸ سالگی هم نخستین فرزندم به دنیا آمد. در آن زمان جذب این مسایل شدم، در پایین خانه مان یک حسینییه وجود داشت که آدم های آنجا فارغ از درد و رنج مردمنه بودند

چه شد که راهی آسایشگاه شدید؟
آخرین روز و ساعات های سال ۱۳۵۱ بود در حالی که دخترم کیانوش و همسرم مرا همراهی

برای شروع، لطفاً اندکی درباره خودتان بگویید؟

من اشرف قندهاری هستم. فامیلی همسرم قندهاری بهادرزاده است. و به هر دو نام مشهور است و در سال ۱۳۰۴ به دنیا آمده ام. هشت ساله بودم که به اتفاق خانواده از مشهد به تهران مهاجرت کردم. فرزند بزرگ خانواده هستم و جمعا پنج خواهر و دو برادر هستیم. در آن زمان که ما وارد تهران شدیم، شهر خیلی کوچک بود و چند خیابان بیشتر نداشت. در یکی از خیابان هایش که «اسماعیل بزاز» نام داشت، پدرم همراه با خانواده ساکن شد. پدرم بازرگان بودند. برای کار صادرات و واردات کالا به هندوستان سفر می کردند.

خانواده به تحصیلات فرزندان اهمیت می داد؟ پدرم بازرگان بود و فرهنگی نبود اما در آن زمان شش کلاس درس خوانده بود. مادرم هم در ابتدا سواد نداشت ولی پدر آنقدر با مادر کار کردند و مادر هم آنقدر باهوش و با استعداد بود که باسواد شد؛ به طوری که، تکالیف دبیرستان ما را تصحیح می کرد. مادرم همیشه در حال یادگیری بود. از طرفی همیشه به فکر بی بضاعت ها و فقرا بود. لباس عید را دو، سه ماه پیش از عید تن ما می کرد و برای بچه های فقیر در همان روز عید، لباس ها را هدیه می داد. وقتی اعتراض می کردیم، می گفتند: عید مال شما نیست، عید برای آنهاست. می گفت بزرگترین اسراف در زندگی این است که وقت را بیهوده تلف کنی! ما همیشه آرزو داشتیم که مادر کمتر کار کند. حتی بعد از ظهرها موقع استراحت و چای خوردن که در قدیم رسم بود که تخت ها را توی حیاط می گذاشتند و قالی و قالیچه پهن می کردند و بعد سماور قل قل می جوشید، ما دور هم می نشستیم و بعد مادر سید به دست وارد می شد. در آن سید وسایل وصله و پینه بود و می گفتند: هم جوراب ها را بدوزید، هم حرف بزیند و هم چای بخورید. به همین خاطر بود که بچه های مادرم اصلا





مختلف و جشن‌های ازدواج مددجویان آسایشگاه و تهیه جهیزیه آنان نیز همیاری دارد.

❗ در حوزه امور عمرانی، نقش گروه بانوان نیکوکار چه بوده است؟

کاروان کوچک گروه بانوان نیکوکار همچنان که در مسیر خدمات انسانی در آسایشگاه خیریه کهریزک به پیش می‌رفت، همواره در سایه عنایت پروردگار سرشار از برکات بود و موفق شد در طول ۳۳ سال یادگارهایی در عمران و آبادی این سرزمین بگذارد. سرزمینی که کویر بود و اینک ساختمانهایش شکوه عشق در کویر. این گروه کارهای عمرانی متنوعی در آسایشگاه کهریزک انجام داده است.

احداث ساختمان توانبخشی و کارگاههای کاردرمانی و فیزیوتراپی، (۱۳۵۸-۶۰)، احداث شهرک امید (۲۰ واحد خانه مسکونی برای زوجهای معلول) (۱۳۵۹-۶۰)، احداث مسجد محراب نور (۶۸-۱۳۶۱)، احداث بخش ۱۰۰ تختخوابی بنفشه یک (خوابگاه زنان سالمند) (۷۲-۱۳۶۷)، احداث شهرک گلها (۵۴ واحد خانه مسکونی جهت اسکان شماری از کارکنان متأهل) (۷۴-۱۳۷۰)، احداث بخش ۱۰۰ تختخوابی ارغوان یک (خوابگاه دختران معلول) (۷۴-۱۳۷۳)، ایجاد گنجینه "یادمان یاران" (مجموعه هدایای نفیس گروه بانوان نیکوکار و نیکوکاران دیگر به آسایشگاه) (۷۷-۱۳۷۴)، احداث شهرک عمید با ۲۵ واحد خانه مسکونی جهت زوجهای معلول (۷۷-۱۳۷۵)، توسعه مسجد محراب نور به ۹۵۰ مترمربع، (۷۷-۱۳۷۶)، احداث ساختمان اداری در ۱۳۰۰ مترمربع (۸۲-۱۳۷۹)، احداث ساختمان مهر، سالنهای غذاخوری پرسنل و معلولان به وسعت ۲۶۰۰ مترمربع و توسعه ساختمان توانبخشی به وسعت ۱۴۰۰ مترمربع (۸۱-۱۳۸۰)، نوسازی مزار مرحوم دکتر حکیمزاده (۸۴-۱۳۸۱)، احداث منبع نیمه مدفون آب به ظرفیت ۳۰۰۰ مترمربع (۸۴-۱۳۸۱)، احداث ساختمان گل

گام‌های مؤثری در تحقق بخشیدن به هدف‌های انسان دوستانه این دو سازمان بردارند

❗ فعالیت‌های گروه بانوان نیکوکار چیست؟

این گروه فعالیت خود را در چهار بخش انجام می‌دهد، ۱- آسایشگاه خیریه کهریزک، ۲- دفتر گروه بانوان نیکوکار در تهران، ۳- شعب خارج از کشور، ۴- مؤسسه خیریه خانه مادر و کودک ما در آسایشگاه خیریه کهریزک، فعالیت‌های خود را در سه حوزه امور اداری، امور خدماتی، و امور هنری، فرهنگی و آموزشی انجام می‌دهیم. در مورد امور اداری، از آنجا که من مؤسس گروه بانوان نیکوکار بودم، ریاست هیات‌مدیره در آسایشگاه خیریه کهریزک از سال ۱۳۵۸ تاکنون به صورت افتخاری بر عهده اینجانب گذاشته‌اند. بانوی دیگری نیز از سال ۱۳۵۸ به نمایندگی از گروه بانوان نیکوکار در نقش مشاور مدیرعامل در آسایشگاه خیریه کهریزک داوطلبانه خدمت می‌کند. در امور خدماتی، همه هفته تعداد ۷۰۰ بانوی نیکوکار با حضور مستمر در آسایشگاه خدمات خود را ایثارگرانه به مددجویان ارائه کنند. بیش از ۵۰ درصد خدمات پرستاری در آسایشگاه توسط بانوان داوطلب انجام می‌شود که این امر علاوه بر کاهش هزینه‌های آسایشگاه نقش عمده‌ای در تغییر روحیه، آرامش خاطر و دلگرمی مددجویان و پرسنل دارد. این امور خدماتی شامل: دلجویی، استحمام، نظافت و بهداشت، خوراندن غذا به بیماران ناتوان و همکاری و تأمین مایحتاج کمینته‌رفاه در آسایشگاه می‌شود.

امور هنری، فرهنگی و آموزشی، شامل اداره و تدریس در کلاس‌های سوادآموزی، قرائت قرآن، زبان انگلیسی، خط بریل، شعرخوانی، گفتاردرمانی، تئاتر درمانی، موسیقی درمانی و آموزش در کلاسهای کاردرمانی و تولیدی در کارگاه‌های خیاطی، بافندگی، قالبیافی، چادرشب‌بافی، گل‌سازی، سرامیک‌سازی، سفالگری، شمع‌سازی، باغبانی و کشاورزی. می‌شود. البته این گروه در برگزاری مراسم

یک روز خدمت «حاج میرزا باقر آشتیانی» رفتیم و کسب تکلیف کردیم. ایشان هم وقت گذاشتند و با من به آسایشگاه آمدند. حتی به حاج آقا گفتم، وقتی خدمت شما می‌روم به احترام شما چادر سر می‌کنم ولی در آسایشگاه با مانتو و روسری هستم چون واقعا با چادر نمی‌توانم کار کنم

خلاصه حاج آقا فضای آنجا را دیدند و بعد گفتند: نه تنها کارت گناه نیست، بلکه بعد از نماز، حتی وقت را برای تعقیبات هم تلف نکن، بلافاصله به سمت آسایشگاه برو و در طول راه ذکر تسبیحات بگو. وقتی مادر، این را شنیدند، خیالشان راحت شد. خدا می‌داند که چه راه پرپیچ و خمی را پشت سر گذاشتم و البته در این راه، بانوان نیکوکار، همراه و همدل بودند.

❗ ممکنه گروه بانوان نیکوکار را برای ما معرفی کنید؟

سال ۱۳۵۲ همزمان با تأسیس آسایشگاه خیریه کهریزک «توسط زنده یاد دکتر محمدرضا حکیمزاده»، به فکر تأسیس این گروه افتادیم. این گروه متشکل از بانوان داوطلب بود که به صورت افتخاری با این مؤسسه خیریه همکاری می‌کردند. هدف این گروه کمک رسانی همه جانبه به دکتر محمد رضا حکیمزاده در راه‌اندازی نخستین آسایشگاه خیریه در تهران برای نگهداری معلولان و سالمندان کم درآمد و نیازمند بود.

با عنایت پروردگار، گروه با دو نفر بانوی نیکوکار خدمات صادقانه خود را آغاز نمود و امروزه با بیش از ۲۰۰۰ بانوی داوطلب فعال در داخل و خارج از کشور حامی آسایشگاه خیریه کهریزک و مؤسسه خیریه خانه مادر و کودک می‌باشند. این گروه در تلاشند تا با ایجاد محیطی گرم و پرمهر، نه تنها خلاء دوری از خانواده را برای مددجویان آسایشگاه کهریزک و فرزندخواندگان بازمانده از زلزله (رودبار و بم) پر کنند بلکه با ارتقای توان جسمی و روحی آنان



راه تحقق مفاد قطعنامه کنفرانس نتایج بسیار مطلوب و قابل توجهی را به دنبال داشت. از آن جمله:

تشکیل شورای سالمندی در مجلس، به وجود آمدن مرکز مطالعات و پژوهش‌های سالمندی، ایجاد رشته طب سالمندی در دانشکده علوم پزشکی به عنوان یک رشته تحصیلی جدید بود.

شما دستاوردهای مادی و معنوی زیادی تا به حال داشته‌اید، ممکنه بخشی از دستاوردهای فرهنگی مجموعه خودتان را بگویید

این گروه توانست در سال ۱۳۷۷ به عنوان بهترین سازمان غیردولتی که توسط بانوان داوطلب تأسیس گردیده و اداره می‌شود موفق به دریافت لوح تقدیر از جناب آقای خاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران شود. انتشار ۳ جلد کتاب مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سالمندی در ایران در سال ۱۳۷۹ و انتشار کتاب «آشنایان ره عشق» در سال ۱۳۸۱، که تاریخچه فعالیت گروه بانوان نیکوکار به قلم خودم است از دیگر فعالیت‌های ما است. این کتاب توانست به عنوان بهترین کتاب ادبی سال ۱۳۸۳ انتخاب شود و جایزه نخستین همایش ادبی پروین اعتصامی از جناب آقای مسجد جامعی، وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و خانم زهرا شجاعی مشاور رئیس‌جمهور در امور زنان دریافت کند. ■

به نفع آسایشگاه خیریه کهریزک، ارتباط با دفاتر گروه در خارج از کشور، برگزاری تورهای ویژه جهت بازدید مردم از آسایشگاه خیریه کهریزک مشغول هستیم. در ضمن بخشی از فعالیت‌های ما خدمات اقتصادی و مالی است که شامل برگزاری بازارهای هفتگی (دریافت، عرضه و فروش اجناس اهدایی نو و دست دوم دو روز در هفته)، برپایی بازارهای فصلی به نفع آسایشگاه خیریه کهریزک، شرکت در تمامی نمایشگاه‌های تخصصی، صادراتی و بین‌المللی به منظور آشناسازی مردم با این مرکز، و مسئولیت تأمین بودجه برنامه‌های عمرانی و تجهیزات بخش‌ها در آسایشگاه است.

آیا فعالیت خاصی در عرصه بین الملل داشته‌اید؟

بله، این گروه در سال ۱۳۷۷ به عنوان یک سازمان غیردولتی (NGO) موفق به کسب مقام مشورتی خاص شورای اقتصادی، اجتماعی سازمان ملل متحد (ECOSOC) شده است. از جمله فعالیت‌های بین‌المللی این گروه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ارتباط با دفاتر سازمان ملل و هیأت‌های دیپلماتیک خارجی در ایران با هدف جمع‌آوری اطلاعات روز.
۲. شرکت در اجلاس و کنفرانس‌های بین‌المللی مربوط به مسائل سالمندی و معلولیت.
۳. برگزاری اولین کنفرانس بین‌المللی سالمندی در ایران (سال ۱۳۷۸) که پیگیری گروه در

یاس (بخش ویژه بیماران ام. اس) با زیربنای ۵۰۰۰ مترمربع (۸۳-۱۳۸۲)، توسعه گنجینه «یادمان یاران» به ۸۰۰ مترمربع زیربنا (۸۳-۱۳۸۲)، توسعه آشپزخانه صنعتی با زیربنای ۱۰۰۰ مترمربع (۸۳-۱۳۸۲)، بازسازی و احداث بخش امور پرستاری و امور اجتماعی به وسعت ۲۵۰ مترمربع (۸۳-۱۳۸۲) و ایجاد پارک‌های کامرانیه، پارک جنگلی، پارک مهر، پارک یاسمن، چهارباغ و باغ شریفه مجهز به سیستم آبیاری بارانی و قطره‌ای به عنوان بخشی از فضای سبز آسایشگاه بوده است.

البته این گروه پروژه‌های جدید عمرانی هم در دست دارد که شامل احداث ساختمان پژوهشی جهت تحقیق و مطالعه در زمینه‌های سالمندی، معلولیت و بیماری ام. اس، احداث ساختمان آملی تأثیر جهت برگزاری مراسم، برنامه‌های هنری و همایش‌های علمی و احداث شهرک سیمرغ در زمینی به مساحت ۴۰,۰۰۰ مترمربع در فاصله یک کیلومتری از آسایشگاه جهت ساخت خانه برای کارگران و کارمندان مرکز به هدف سکونت به شرط تملک با پرداخت اقساط دراز مدت بهای بنا است.

گروه بانوان نیکوکار در دفتر تهران چه فعالیت‌هایی انجام می‌دهند؟

ما در بخش خدمات اداری به شناساندن و ایجاد ارتباط مردم با گروه و آسایشگاه خیریه کهریزک برای جلب و جذب کمک‌های مردمی، دریافت کمک‌های مردمی (نقدی و غیرنقدی)

یک عمر دغدغه طبیعت

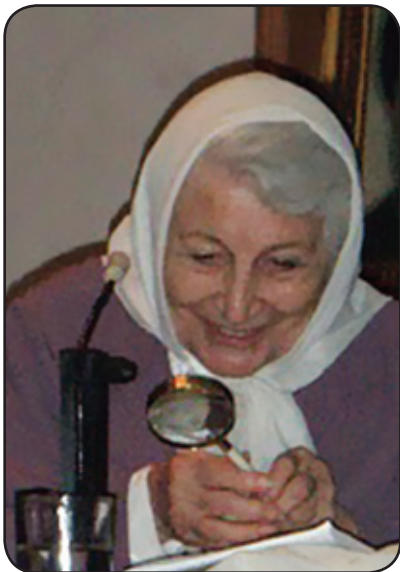
مه‌لقا ملاح متولد ۱۲۹۶ از فعالان محیط زیست و بنیان‌گذار سازمان غیر دولتی زیست‌محیطی «جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط‌زیست» است.



مه‌لقا هنگامی که پدر و مادرش با کاروان برای زیارت به مشهد می‌رفتند در یک کاروانسرای عباسی در میان راه به دنیا آمد. مادرش خدیجه افضل وزیری و مادر بزرگش بی‌بی‌خانم استرآبادی از زنان پیشگام عصر خود بودند. او بعد از تحصیل در فلسفه و علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی در دانشگاه تهران مدرک فوق لیسانس علوم اجتماعی گرفت و برای ادامه تحصیل به پاریس رفت و در سوربن علوم اجتماعی خواند و با مدرک دکترا به ایران بازگشت. ضمناً دوره کتابداری را نیز در کتابخانه ملی فرانسه گذراند. در بازگشت به ایران در کتابخانه دانشگاه تهران مشغول کار شد و بعد از مدتی در سال ۱۳۴۷ به ریاست کتابخانه موسسه تحقیقات روانشناسی برگزیده شد. پس از بازنشستگی تمام وقت خود را در راه مبارزه برای جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست گذاشت. مه‌لقا ملاح در سال ۱۳۷۳ با مشارکت همسرش و چند استاد دانشگاهی علاقه‌مند به محیط زیست سازمان غیردولتی زیست محیطی «جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست» را بنیان گذاشت. این سازمان در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۷۴ رسماً اعلام موجودیت کرد. مه‌لقا هنگامی که پدر و مادرش با کاروان

برای زیارت به مشهد می‌رفتند در یک کاروانسرای عباسی در میان راه به دنیا آمد. مادرش خدیجه افضل وزیری و مادر بزرگش بی‌بی‌خانم استرآبادی از زنان پیشگام عصر خود بودند. پدرش آقابزرگ ملاح به دلیل داشتن منصب دولتی در شهرهای مختلف ساکن می‌شد به همین دلیل مه‌لقا در شهرهای مختلفی مانند مشهد، قوچان، اصفهان، دامغان، همدان و کرمانشاه تحصیل کرد. مه‌لقا ملاح در سال ۱۳۷۳ با مشارکت همسرش، آقای حسین ابوالحسنی و چند استاد دانشگاهی علاقه‌مند به محیط‌زیست سازمان غیردولتی زیست‌محیطی «جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط‌زیست» را بنیان گذاشت. این سازمان در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۷۴ رسماً اعلام موجودیت کرد. از مه‌لقا ملاح مقالات متعددی در باره آلودگی محیط‌زیست و شیوه‌های مبارزه با آن در نشریات گوناگون منتشر شده است. خانم ملاح، مدیر عامل جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط‌زیست، در پاسخ به سوال اینکه چرا محیط زیست را انتخاب کرده است و چرا جمعیت زنان را راه‌اندازی نموده است این چنین می‌گوید «تکوین این پدیده از سال ۱۳۵۲ بوده

است. در آن سال‌ها ریاست کتابخانه مؤسسه روانشناسی دانشگاه تهران به عهده‌ام بود. در فهرست کتاب‌ها نام کتاب‌های علمی جدیدی که برای یک کتابخانه تحقیقاتی لازم بود مشاهده می‌شد. در حین مطالعه کتاب‌ها با کتابی درباره محیط زیست و آلودگی‌های آن، که علمی بسیار نو بود، مواجه شدم. قلم نویسنده آن کتاب اثری عمیق بر ذهنم به‌وجود آورد به‌طوری که پس از مطالعه آن، مسائل محیط زیست پیوسته مرا به فکر فرو برد که راه‌حل مشکلات چیست؟ ابتدا به‌نظرم رسید راه‌حل، آموزش افراد خانواده است که اولویت درجه اول را دارند. پس از بازنشسته شدن در سال ۱۳۵۶ از طرف سازمان بازرسی کل کشور به کار دعوت شدم و در گروه تحقیق آن سازمان شرکت کردم و به تحقیق مشکلات محیط زیست پرداختم. در ابتدا به تحقیق درباره آلودگی هوای تهران پرداخته و نتیجه تحقیقات خود را گزارش دادم و به دنبال آن آلودگی آب‌ها را مورد بررسی قرار دادم. کم‌کم پی به عمق مشکلات زیست‌محیطی بردم به گونه‌ای که دیگر لحظه‌ای از دغدغه چاره‌جویی جدا نبودم. در این میان انقلاب اسلامی و سپس جنگ هشت ساله ایران و عراق به وقوع پیوست که در ضمن تلاش برای کمک به مصیبت زدگان



تشکیل هیات موسس نمودم و سپس با تلاش جمعی و پی گیری های بسیار در مدتی کمتر از دو سال موفق به تاسیس و ثبت جمعیت شدیم. به این ترتیب با گردهم آئی یک گروه ۱۰ نفره و تهیه اساسنامه و خطمشی و پی گیری های مداوم این جمعیت به ثبت رسید.»

اعضای هیات موسس مشتمل بر خانمها مهلقاملاح، پروین معروفی، شهلا فارسی منفرد، ویکتوریا جمالی، زرین احمد زاده، حمیده توسلی، پرپیچهر قاضی، اختر توسلی، ملک زیبا صارمی و آقای دکتر محمدحسن حبیبی بودند. سرانجام جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط



مرحوم ابوالحسنی همسر خانم دکتر مهلقاملاح

زیست تحت شماره ۸۵۱۳ در تاریخ ۱۰ خرداد ۱۳۷۴ در وزارت کشور به ثبت رسید. موسسین این مجموعه اذعان دارند: «انتخاب نام جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست به این معنی نبود که ما زنان می خواهیم به تنهایی کار کنیم، گواه آن همراهی و همگامی آقای دکتر محمدحسن حبیبی استاد محترم دانشکده حقوق دانشگاه تهران از اولین روزها و در ساختار اولیه جمعیت بود. امروز نیز اعضاء این جمعیت را زنان، مردان، دختران و پسران جوانی تشکیل می دهند که با علاقه و صرف وقت و انرژی با جدیت اهداف جمعیت را دنبال می کنند.» این موسسه در حال حاضر حدود ۱۲ شعبه در سراسر کشور دارد.

www.wsaep.ir/.*

وقف، در دین اسلام، دستور نیست بلکه عملی داوطلبانه است برای برخوردار کردن بقیه از اموال شخصی، یک نوع تعدیل ثروت و توزیع درآمد است

جنگ در فکر یافتن راه حل درست برای مسائل محیط زیست بودم و در نهایت به این نتیجه رسیدم که جز از طریق کار جمعی، راه دیگری برای حل مشکلات وجود ندارد، لذا به فکر تشکیل جمعیت افتادم و مدت ها برای یافتن نامی مؤثر برای تشکیل جمعیت جستجو کردم و چون بیش از پنجاه سال روی زنان مطالعه داشتم به این نتیجه رسیدم که نام شکل «جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست» باشد. زیرا خوب می دانستم و باور داشتم که زنان مریبان فطری در جوامع بشری هستند، بسیاری کارها از ایشان ساخته است و غیر از آنان بر نمی آید. به همین دلیل این نام را برای ایجاد شکل محیط زیست برگزیدم. در پی آن تلاش کردم جمعیت ایجاد شود. با یافتن افراد علاقمند و متخصص محیط زیست اقدام به



درختکاری پارک نلو ۱۹.۱۲.۸۴



برگزاری جشن محیط زیست در طالقان



سعیده قدسی بنیانگذار موسسه خیریه حمایت از کودکان سرطانی

خالصانه موسسین متخصص و پاک نیت، موسسه محک توانست ظرف کمتر از یک دهه با بهره‌گیری از اعتماد و حمایت‌های آحاد مردم و سخت کوشی اعضای داوطلب و اعمال روش‌های علمی و تخصصی در مراقبت‌های ویژه از بیماران و خانواده‌های آنان در کنار پیشرفت‌های علم پزشکی آمار مرگ و میر را از ۷۵ درصد در دهه ۶۰ به ۲۵ درصد در دهه ۸۰ برساند. (محک، ۲۰۰۹)

موضوع فعالیت مؤسسه محک، انجام امور خیریه در زمینه‌های پزشکی، پژوهشی، پیشگیری، درمانی، خدماتی، بهداشتی، بیمارستانی، رفاهی و صرفاً در جهت حمایت از کودکان مبتلا به سرطان می‌باشد.

محک تبلوری از ایفای نقش مشارکت مردمی در جامعه است که در بخش اول اساسی ترین شعار محک یعنی «ما را یاری دهید و از ما یاری بخواهید» بر آن تصریح شده است.

زمانی که بنیان‌گذاران محک کار خود را شروع کردند، شاید افراد بسیاری ابا داشتند که تقویم‌های محک را کنار دفتر تلفن یا روی میز آشپزخانه خود بگذارند. و نام سرطان، نوعی تابو بود. اما امروز شرکت‌های زیادی آمادگی دارند تا لوگوی خود را روی تقویم‌های محک قرار دهند و هزینه‌هایی هم برای همین پرداخت کنند. این تغییر در افکار عمومی، نتیجه دو دهه کار مداوم و نگاه مدرن و توسعه‌ای به موضوع بوده است. امروز محک تنها یک موسسه خیریه که اعانه پرداخت می‌کند، نیست، بلکه در کنار حوزه کمک خیریه، حوزه فعالیت درمان را گسترش داده است.

یکی از ویژگی‌های مهم موسسه خیریه محک، سبک مدیریتی و نحوه اداره این موسسه است که از یک نگاه مدرن پیروی می‌کند. با آنکه این موسسه، رویکردی غیرانتفاعی دارد، اما به بهترین شکل ممکن از ابزار و

دوش کشیده و در بیمارستان‌ها به این سو و آن سو می‌دویدند. سعیده قدس، برای مداوای فرزند خود به آلمان می‌رود و آنجا با پدر و مادری آشنا می‌شود که فرزندان بیمار داشتند و تشکلی برای حمایت از کودکان سرطانی تشکیل داده بودند. سعیده قدس در بازگشت، تصمیم می‌گیرد چنین گروهی را در ایران به راه‌اندازد.



سعیده قدس متولد ۱۳۳۰ در تهران

نویسنده و نیکوکار ایرانیست. او از

موسسین مؤسسه خیریه حمایت از

کودکان مبتلا به سرطان است. او

نویسنده چندین کتاب نیز بوده است.

او در فهرستی که روزنامه وال استریت

ژورنال برای ۵۰ زن برتر سال ۲۰۰۸

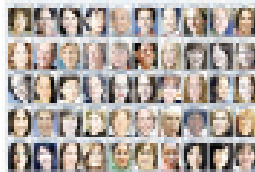
(میلادی) معرفی کرد با رتبه ۴۵ یکی از

معرفی شدگان بود.

موسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان محک به عنوان یک سازمان غیردولتی، غیرانتفاعی و غیرسیاسی در سال ۱۳۷۰ با شماره ۶۵۶۷ به همت خانم سعیده قدس به ثبت رسید و از همان زمان فعالیت رسمی خود را جهت تسکین آلام کودکان مبتلا به سرطان و خانواده‌های آنان آغاز نمود. سعیده قدس متولد ۱۳۳۰ در تهران نویسنده و نیکوکار ایرانی است. او از موسسین مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان است. او نویسنده چندین کتاب نیز بوده است. و در فهرستی که روزنامه وال استریت ژورنال برای ۵۰ زن برتر سال ۲۰۰۸ (میلادی) معرفی کرد با رتبه ۴۵ یکی از معرفی شدگان بود. (Ghods, ۲۰۰۸)

حدود بیست سال قبل، سعید قدس، که کودک مبتلا به سرطان بود، تصمیم گرفت پس از بهبودی فرزند، با کمک کسانی که او را در این مسیر سخت همراهی کرده بودند، مرکزی برای حمایت از کودکان بیمار دایر کند. این موسسه مشارکت افراد داوطلب و هیات امنایی ۱۶ نفره به ثبت رسید. محک، کار خود را نخست به صورت خیریه در بخش اطفال بیمارستان‌های دولتی دانشگاهی آغاز کرد. این موسسه هم اینک دارای ۶۳ کارمند تمام وقت، ۲۰۰ داوطلب فعال و دفاتری در چند نقطه تهران است. حال، ۳۲ بیمارستان دارای بخش خون و اطفال، مورد حمایت این موسسه قرار دارند. منابع مالی محک، تماماً از محل کمک‌های مردم یا شرکت‌های خصوصی تامین می‌شود. این موسسه، در سراسر دنیا، بالغ بر ۲۰ هزار نفر عضو دارد. (مصباح، ۲۰۰۸)

تاسیس محک، نتیجه مواجهه مستقیم یک مادر ایرانی با بیماری سرطان کودک بود. خانم سعیده قدس بنیان‌گذار محک بیاد می‌آورد که در آغاز دهه هفتاد، والدین کودکان بیمار، تنها و بی‌پول، بچه‌های تبار و سرطانی خود را به



گرفته در سال ۱۳۸۸، ۳۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال در روز می‌باشد که یاوران می‌توانند با پرداخت تمام یا قسمتی از هزینه‌های یک روز اداره بیمارستان محک فرصت ارائه خدمات درمانی را به کودکان معصوم مبتلا به سرطان فراهم آورند

بررسی روند تأسیس موسسه خیریه محک توسط خانم قدس، نشان می‌دهد که داشتن الگوی نقش، و تحصیلات، و تجربه قبلی، سه عامل جمعیت شناختی موثر در راه اندازی و توسعه این موسسه بوده است. تشکیل هیات امنای قوی و کارآمد در زمان تأسیس، نشان از برخورداری سرمایه اجتماعی بالای خانم قدس دارد. به نظر می‌رسد، وی به دلیل برخورداری از اعتماد بالا در بین دوستان و آشنایان، برخورداری از اعتبار شخصی قابل توجه، و همچنین داشتن شبکه اجتماعی قوی، توانسته است افراد را کنار هم گردآورد و مأموریت اجتماعی که در ذهن داشته است با آنها در میان بگذارد و با اهداف روشن و آشکار، ایده نوآورانه خود را برای حل مشکل اجتماعی کودکان سرطانی پیش ببرد. رویکرد رهبری مشارکتی و برخورداری از مهارت بالای کار تیمی دو ویژگی رفتاری خانم قدس است که سبب شده تا بهتر بتواند موسسه خود را مدیریت کند. ■

سال فعالیت خود بالغ بر ۱۱۰۰۰ کودک مبتلا به سرطان را تحت حمایت قرار داده و امکان ساخت بیمارستان فوق تخصصی سرطان کودکان محک را فراهم آورد.

در دیدگاه کارآفرینی اجتماعی، محک موسسه ای است که نیاز اجتماعی کودکان مبتلا به سرطان را شناسایی کرده و تشکیلاتی برای رفع این نیاز راه اندازی کرده است. این موسسه در تأمین مالی و نحوه اداره موسسه خود دارای روش‌های نوینی است که به جرأت می‌توان از آن به نوآوری اجتماعی یاد کرد. «قلک»، یکی از منسجم‌ترین و شناخته‌شده ترین روش‌های کمک به موسسه محک است. قلک‌های موسسه در انواع مختلف سفالی، کاوچویی، پلاستیکی و فلزی تولید شده و بر حسب تقاضای خیرین و نیکوکاران در محل کار یا منزل به آنها تحویل داده شده و پس از پر شدن نیز با هماهنگی قبلی از افراد تحویل گرفته می‌شود. جشن قلک شکان نیز یکی دیگر از نوآوری‌های این موسسه است که امسال یازدهمین دوره آن برگزار شد.

«روزیاری»، یکی دیگر از روش‌های جلب کمک‌های مالی موسسه خیریه محک است. هزینه یک روز اداره بیمارستان محک با توجه به محاسبات انجام شده و برآوردهای صورت

رویکردهای مدیریتی نوین حوزه کسب و کار در سازمان خود بهره می‌گیرد. در حال حاضر آقای آراسب احمدیان مدیرعامل این موسسه خیریه موفق است که توانسته است، موسسه خود را به عنوان اولین موسسه خیریه بین المللی در خاورمیانه به ثبت برساند. محک ۴ سال است وارد حوزه تحقیق سرطان اطفال شده و این به عقیده مدیرعامل این موسسه، تداوم همان نگاه مدرنی است که از آغاز در هیات‌امانی محک وجود داشت. آراسب احمدیان می‌گوید: «نگاه توسعه‌ای به این معناست که ما از کسی پول نمی‌گیریم تا به دست دیگری بدهیم. اصولاً بیماران محک، رابطه مالی با آن ندارند. بیمار نسخه یک میلیون تومانی دارد اما از ما فقط یک معرفی نامه می‌گیرد و از داروخانه هلال احمر، دارویش را می‌گیرد. بعد ما با آن داروخانه تسویه حساب می‌کنیم. ما پول به دست بیمار نمی‌دهیم. دانش سازمان در سه فرایند اصلی شکل گرفته است: جلب مشارکت‌های مردمی در همه اشکال آن، تبدیل مشارکت مردم به خدمات حمایتی و ارائه خدمات حمایتی در بالاترین استانداردهای روز دنیا» (مصباح، ۲۰۰۸)

موسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان محک توانسته است در طول ۱۶



سونگ ایل گوک بازیگر نقش جومونگ درافسانه جومونگ از موسسه خیریه محک دیدن کردند



به مردم باید اعتماد کرد

گفتگو با دکتر پروین معروفی

«تعاونی توسعه یاران مهر» موسسه‌ای است که زمینه اصلی فعالیت آن توانمندسازی اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی جوامع محلی - کاهش فقر از طریق بسیج اجتماعی و اعتبارات خرد- آموزش جوامع محلی و پرورش نیروهای توسعه یار (تسهیل گر) در زمینه‌های مرتبط است. گرچه این تعاونی در سال ۱۳۸۴ به ثبت رسیده است، اما گروه شاکله آن فعالیت‌های خود را به صورت متشکل و گرهی از سال ۱۳۷۶ با تشکیل «سازمان غیردولتی صندوق توسعه پایدار و خانواده» آغاز کرد. در ادامه گفتگویی داریم با خانم دکتر پروین معروفی که بحث تعاونی‌های روستایی از سال‌های دهه ۷۰ با تلاش‌هایش او در وزارت کشاورزی پا گرفت. او دفتر تعاونی‌های زنان روستایی را ایجاد کرد و طی ۱۰ سال مدیریت آن، تشکیل صدها تعاونی برای زنان را در همه نقاط ایران دنبال کرد.



ایده اصلی راه‌اندازی این تعاونی روستایی چگونه به ذهن شما رسید، و چه شد که آن را دنبال کردید؟
تعاونی‌های زنان روستایی همیشه بوده است. مثلاً ما در طول تاریخ شامل تعائنی‌های زنان صاحب زمین در روستاها بوده‌ایم. منتها با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی ما معمولاً زن‌ها در تعاونی‌ها نه سمتی داشتند، نه حرفی می‌زدند، و نه حتی در جلسات

شرکت می‌کردند، هیچ وقت عضو تصمیمگیر نبودند. به همین خاطر ما فکر کردیم مکانیزمی پیدا کنیم که زن‌ها بتوانند مشارکت کنند باشند و کاری انجام دهند. برای همین بحث تعاونی‌های روستایی را مطرح کردیم. طبیعی است که در شروع با مخالفت‌های روبرو شدیم ولی نهایتاً زنان روستایی از این طرح استقبال کردند و به عضویت این تعاونی‌ها درآمدند. در آنجا خودشان هم عضو و هم رییس هیأت مدیره بودند.

لطفاً کمی درباره فعالیت و نحوه شکل گیری موسسات محلی CBOها در تعاونی توسعه یاران مهر توضیح بفرمایید.

تشکیل CBOهایی که در تعاونی ما صورت گرفت برای زنانی بود که از طرفی آمادگی رای انجام فعالیت نداشتند و از طرف دیگر مشتاق بودند تا برای بهبود زندگی خود و خانواده‌شان فعالیتی انجام دهند. ما یک روشی به نام توسعه مشارکتی

بود. در منطقه روستای شیب دراز یک نوع لاک‌پشتی وجود دارد که در معرض خطر است و نسل آنها در حال از بین رفتن است. علتش این است که این لاک‌پشت‌ها در ساحل تخم‌گذاری می‌کنند و تخم‌های تا زمانی که بچه درآید در ساحل باقی می‌مانند. مردم محلی برای امرار معاش خود، به ساحل می‌آمدند و این تخم‌ها را جمع کرده یا به جای غذا از آن استفاده

می‌کردند و یا برای تأمین درآمد آنها را می‌فروختند. جف (صندوق تسهیلات محیط زیست) پس از متوجه شدن درباره این اتفاق، به فکر این افتاد تا راه‌کاری برای ایجاد درآمد این خانواده‌ها ارائه کند. از این رو ما با روشی که قبلاً گفتیم، در اینجا یک سازمان محلی درست کردیم. این گروه در حال حاضر خیلی موفق هستند و توانستند در کنار ساحل بازارچه‌ای داشته باشند و زمان حضور توریست‌ها بتوانند محصولات خود را عرضه کنند و بفروشند. به موجب این طرح در حال حاضر هم وضعیت اقتصادی و هم وضعیت اجتماعی روستاییان این منطقه بسیار بهتر شده است.

آیا شما خودتان این فرصت را کشف و بهره‌برداری کردید یا آنکه جف به شما پیشنهاد همکاری در این طرح را داد؟

تعاونی توسعه یاران مهر یک NGO است که تمرکزش روی توسعه مشارکتی، فقرزدایی و

را انتخاب کردیم و آنها را در گروه‌هایی به نام سازمان محلی سازماندهی نمودیم. افراد در ابتدا مقداری از درآمد کار خودشان را پس‌انداز می‌کنند و یک صندوق درست می‌کنند بعد شروع می‌کنند به تأمین سرمایه یا Found rising. و تلاش می‌کنند تا از جاهای مختلف وام بگیرند. یکی از بحث‌هایی دیگر هم، مقوله اعتبارات خرد بود. ما به سازمان‌های محلی آموزش‌های لازم را می‌دادیم. آنها وام را از صندوق‌شان می‌گرفتند، حرفه‌ای را راه‌اندازی می‌کردند و بعد دوباره وام را به صندوق بر می‌گرداندند. در حال حاضر در قشم سه سازمان محلی داریم که دوتای آنها در منطقه برکه خَلَف و یکی هم در روستای شیب دراز است. هدف از شکل‌گیری این تعاونی‌ها ایجاد درآمدی پایدار برای بهبود وضع معیشتی مردم شیب‌دراز بود تعاونی هدف دیگری نیز داشت و آن پشتیبانی مالی برای پروژه حفاظت از لاک‌پشت‌های دریایی



در ایران راهاندازی کسب و کار حتما به آموزش بازاریابی نیاز دارد. اغلب زنان روستایی آموزش ندیده، به‌طور مثال، خانم‌ها در روستاها صنایع دستی تولید می‌کنند ولی نمی‌توانند آن را بفروشند و بعد چون محصول روی دستشان می‌ماند، عملاً دچار دزدگی می‌شوند و کارشان خراب می‌شود و ناچارند حرفه خودشان را کنار بگذارند. یکی دیگر از تفاوت‌های ما با گرامین در میزان اعتبارات است. در ایران تقریباً با آن میزان وام گرامین بانک هیچ کار نمی‌توان کرد. از طرفی میزان بهره وام‌های آنها چیزی حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد است. اما در ایران این میزان بهره اصلاً جواب نمی‌دهد چرا که ما تجاری همچون صندوق‌های قرض‌الحسنه یا کمیته امداد امام خمینی (ره) را داریم، که با بهره‌های خیلی پایین‌تر، وام می‌دهند. در نتیجه ما با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سنتی کشورمان سعی کردیم اینها را تعدیل کنیم و برای هر جامعه مدل خاصی را اجرا کردیم که با شرایط آنجا سازگار شده بود. به‌طور مثال در سیستان و بلوچستان به یک شیوه فعالیت کردیم و در استان سمنان روش دیگری را برگزیدیم.

مشکلات و چالش‌های عمده شما در راهاندازی و توسعه تعاونی‌های زنان روستایی چه بود؟

ما فعالیت‌های مختلفی تا به حال انجام داده‌ایم که هر کدام چالش‌های خودش را داشت. یکی از مشکلاتی که ما بعد از راهاندازی تعاونی‌های داشتیم، دخالت‌های دولت در این موسسات بود. متأسفانه دولت آنقدر دخالت می‌کرد و آنقدر روی زنان اعمال نفوذ می‌کرد که دیگر آن چیزی که مدنظر ما بود، و عبارت بود از توانمندسازی و افزایش قدرت تصمیم‌گیری در آنها از بین می‌رفت. به همین دلیل سعی ما این بود که در ابتدا زنان را توجیه کنیم که تعاونی در واقع نهادی است که شما باید خودتان فکر کنید و تصمیم بگیرید و نباید تحت تأثیر شرایط قرار بگیرید. ولی عملاً چون خیلی از این تعاونی‌ها مجبور بودن تا از دولت وام بگیرند ناچار بودند

به حرف آن گوش دهند. مثلاً اگر دولت بگویند این کار را بکن یا نکن، یا این حرفه را اره بینداز و آن را اره نینداز، آنها مجبورند تا گوش کنند و این خیلی ربطی به جنسیت این افراد نداشت.

یکی دیگر از مشکلات ما در مورد سازمان‌های محلی یا CBO بود. این موسسات اصلاً ثبت نمی‌شوند. در مورد ثبت موسسات مسائلی زیادی وجود داشت. هم فرآیند ثبت طولانی و هزینه‌بر بود و هم بعد از ثبت این موسسات مشمول مالیات می‌شوند. از آن‌جا که این‌ها غالباً نوپا، کم‌درآمد و فقیر هستند توان پرداخت مالیات را ندارند. به همین دلیل وقتی اینها به شکل CBO سازماندهی می‌شوند و روی پای خودشان هستند مشکلات کمتری از سایر موسسات دارند.

آیا در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی هم دچار چالش‌ها و مشکلات بودید؟

بله، قطعاً، مثلاً در قشم، همه اعضای سازمان‌های محلی ما اجازه آمد و رفت و سفر را به تهران ندارند. به همین دلیل در مجموعه خودشان به نحوی برنامه‌ریزی کرده‌اند تا افرادی که توان سفر را دارند، به تهران و سایر شهرهای بیابند و در نمایشگاه‌های که ما سعی می‌کنیم در بخش‌ها و مناطق مختلف برای آنها برگزار کنیم حضور پیدا کنند.

چشم‌انداز آینده شما برای توسعه مجموعه‌تان چیست؟

به هر حال آنچه که مسلم است این است که اگر به مردم اعتماد کنیم و اجازه بدهیم که توانمند شوند و پتانسیل‌های آنها بارور شوند، می‌تواند اثرات خوبی داشته باشد، ولی به هر حال این کار آسانی نیست و، چرا که هم سازماندهی مردم مشکل و هم پایدار ماندن آنها مشکل است. ولی ما تلاش می‌کنیم تا جایی که ممکن است سعی کنیم روشی را توسعه دهیم که مردم روی پای خودشان بایستند و دنبال دولت و کمک‌های آن نروند. ما به دنبال آن هستیم که مسائل و مشکلاتی که در این مسیر و فرآیند وجود دارد تا جایی که می‌شود، تقلیل دهیم.



ایجاد اشتغال است. ما قبلاً در زاهدان با UNDP همکاری‌های داشتیم، جف هم از همان جا با ما آشنا بود و به مراجعه کرد و این پیشنهاد را به ما داد.

از مطالعه فعالیت‌های شما، دریافتم که شباهت زیادی بین فعالیت‌های شما با گرامین بانک است و از همکاران و دست‌اندرکاران این حوزه شنیدم که شما اولین فردی بودید که تجربه گرامین بانک را در ایران مطرح کردید، این آشنایی چقدر بر کار شما موثر بوده و فعالیت شما چه شباهت‌ها یا تفاوت‌هایی با آن دارد؟

ما به سفرهای مختلفی به اندوزی، مالدیو و همچنین بنگلادش داشتیم و آنها را مورد مطالعه قرار دادیم، در این مناطق تجارب مشابه گرامین بانک زیاد به چشم می‌خورد، ما همه آنها را مطالعه کردیم و سعی کردیم تا بهترین روش را با توجه به محیط ایران انتخاب کنیم. ما به مدلی رسیدیم که در حال حاضر به عنوان روش توسعه مشارکتی از آن یاد می‌شود و مشابه آن در خیلی جاها است مثلاً در پاکستان آقای شیخ سلطان کارهایی را در این حوزه انجام می‌دهد. تجربه گرامین بانک ویژگی‌هایی داشت که ممکن بود در ایران جواب ندهد. به یاد دارم در یکی از سفرهایم، به آقای محمد یونس (موسس گرامین بانک) گفتم چطور شما در کنار راهاندازی فعالیت برای زنان فقیر، آموزش بازاریابی ندارید؟ نظر ایشان این بود که وظیفه ما آموزش دادن این نوع مباحث نیست ولی مطالعه و تجربه ما نشان داد که هرچند ممکن است طرح گرامین بانک برای زنان بنگلادشی موفقیت‌آمیز باشد اما



درباره موسسه خیریه مهر آفرین

عهده‌ی که با او داریم

زهره بهروز آذر

امداد امام خمینی (ره) دورمی‌مانند. بنابراین تصمیم گرفت تا اولویت اول جمعیت مددجویان خود را کودکان کار و خانواده‌های بدسرپرست قرار دهد.

رویکرد مدیریتی مدرن در اداره موسسه خیریه طبق اصول پنجگانه نوآوری شومپیری، نحوه جدید ارائه خدمات و یا تولید یک محصول را می‌توان نوآوری دانست. از این منظر موسسه که در اداره سازمان خیریه خود، از اصول و ابزار مدیریت نوین موجود در فضای کسب و کار استفاده می‌کند، نوآوری گسترده‌ای در مجموعه خود داشته است. داشتن اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت سازمان و اعلام آن در سایت رسمی موسسه، دارا بودن از چارت سازمانی مشخص از ویژگی‌های جالب این موسسه است که از دیدگاه مطالعه رفتاری کارآفرینی اجتماعی بخشی از آن تحت تأثیر تحصیلات و تجربیات قبلی شخص ایشان بوده است.

فاطمه دانشور، فردی است که در موسسه خیریه خود، به خوبی رویکرد کارآفرینانه اجتماعی داشته است و توانسته است با بهره‌گیری از آن به توسعه سازمان توجه کند.

نوآوری‌ها، شرط ماندگاری

استفاده از چهره‌های شناخته شده و مشهور ملی، اعم از بازیگران، ورزشکاران و هنرمندان عرصه سینما و تلویزیون، یکی از نوآوری‌هایی است که تا قبل از این هیچگاه به صورت رسمی در موسسات خیریه سنتی استفاده نشده بود. انتساب یک چهره مشهور فرهنگی به عنوان سفیر مهر آفرین، حرکتی شناخته شده در موسسات بین‌المللی غیرانتفاعی همچون یونیسف است، که این موسسه خیریه برای اولین بار در ایران از آن بهره گرفت. بدین ترتیب خانم فاطمه معتمد آریا پذیرفتند تا سفیر

نهاد دیگری به فعالیت‌های خیرخواهانه خود ادامه دادند. بعد از گذشت ۲ سال از فعالیت موسسه به صورت رسمی به دلیل شفافیت در عملکرد و گردش مالی موسسه و همچنین نگاه سیستماتیک به امر نیکوکاری گواهینامه‌ی (NGO) SGS benchmarking به موسسه اعطا شد.

خانم فاطمه دانشور، فردی است که در عهده‌ی که با خدای خود در زمان تشریف به مکه مکرمه می‌بندد، تصمیم می‌گیرد چنانچه مشکلات مالی شدید او در محیط کسب و کارش برطرف شود، بخشی از درآمد خود را به امورات خیر اختصاص دهد. سرانجام پس از بازگشت از این سفر مبارک، بارقه‌های امید در کسب و کار او روشن شده و مشکلات مالی آن حل می‌شود، و وی تصمیم به وفای عهد خود می‌کند. از این رو اقدام به تأسیس موسسه خیریه‌ای می‌نماید تا در لوای آن بتواند به صورت سازماندهی شده و پیوسته بخشی از فعالیت‌های خود را در آن انجام دهد. از آنجا که وی دانش آموخته رشته مدیریت است، دانش و آگاهی خوبی نسبت به انجام تحقیقات بازار و ضرورت مطالعه قبل از انجام فعالیت داشت. از این رو مدتی را به انجام مطالعه و پژوهش گذراند تا بتواند گروهی را به عنوان جامعه هدف خود انتخاب کند، که کمترین توجه اجتماعی به آنها می‌شود و نیاز اجتماعی آنها زیاد باشد. او طی انجام این پژوهش‌ها، به صورت جسسته و گریخته به امر نیکوکاری و کمک به افراد نیازمند به خصوص افراد بدسرپرست و بی سرپرست می‌گذراند که این کار، سبب می‌شد عمق مطالعات او افزایش یابد. در نهایت متوجه شد، که بیشترین جمعیت نیازمند اجتماعی که کمترین توجه به آنها می‌شود، کودکان کار هستند، که اغلب به علت داشتن پدر یا سرپرست از دید حمایتی موسساتی همچون کمیته



موسسه مهر آفرین بعد از دو سال فعالیت پراکنده در سال ۱۳۸۴ به شکل رسمی توسط خانم فاطمه دانشور، دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته مدیریت، فعالیت‌های نیکوکارانه خود را آغاز کرد. از سال ۱۳۸۴ که این موسسه به عنوان یک بنیاد و موسسه خیریه رسماً ثبت شد. خانم فاطمه دانشور به همراه همسر خود آقای مهرداد اکبریان قسمتی از سرمایه خود از شرکت بازرگانی سیاحان سپهر آسیا را و همچنین اموالی از ارثیه پدری خود را در مهر آفرین به جریان انداختند و به این واسطه به مدت ۳ سال بدون کمک هیچ



مهرآفرین باشند و کلیه عواید حاصل از محاصبه‌ها و فروش عکس‌های خود را به این موسسه اختصاص داده‌اند.

یکی دیگر از نوآوری‌های این موسسه خیریه، ایجاد مرکز پژوهش‌ها است. فاطمه دانشور معتقد است که برای شروع، ادامه و حتی پایان دادن به هر کاری، مطالعه کافی و دریافت مشاوره‌های کافی لازم است. از این رو اقدام به راه‌اندازی مرکز پژوهش‌هایی نموده‌است تا دلایل ظهور آسیب‌های اجتماعی و نحوه پیشگیری، کنترل و رفع آن‌ها مورد بررسی و مطالعه قرار دهند. از دیگاه شومپتری به مقوله نوآوری، ایجاد یک تشکیلات جدید در یک سازمان، نوعی نوآوری است.

خانم دانشور، نوآوری‌های متعدد دیگری هم در موسسه خیریه خود داشته است، ایجاد واحد آموزش ویژه مددجویان، ایجاد واحد مددکاری، راه‌اندازی واحد آموزش و انتشار مجله‌ای با نام «همراز»، اولین مجله ویژه مددجویان، از دیگر نوآوری‌های این فرد است.

همانطور که گفته شد، مهرآفرین پس از پژوهش بسیار تمرکز فعالیت‌های خود را براساس نیاز اساسی جامعه به زنان و کودکان نیازمند و بد سرپرست قرار داده است. فعالیت مهرآفرین در این رابطه با ارائه خدمات مطلوب به مددجویانش از کمک به تغذیه این خانواده‌ها آغاز شد و تاکنون ادامه دارد.

پرداخت کمک هزینه تحصیلی برای فرزندان

این خانواده‌ها از ابتدایی تا دانشگاه، کمک به تأمین هزینه ودیعه مسکن یا ایجاد مراکز اسکان موقت برای مددجویان، تأمین بیمه خدمات درمانی برای نیازمندان و تلاش برای برخورداری از مزایای بیمه درمانی آنها، تهیه و ساماندهی جهیزیه و سیسمونی برای مددجویان واجد شرایط، پرداخت وام بدون بهره، انجام مشاوره‌های پزشکی و بهداشتی (جسمی و روانی) مددجویان، رسیدگی به امور حقوقی مبتلایان و گرفتاران در این زمینه، برگزاری اردوهای تفریحی و آموزشی برای خانواده‌های تحت پوشش و فرزندان آنها از جمله فعالیت‌های خدماتی - حمایتی است.

یکی از نوآوری‌های این موسسه خیریه،

ایجاد مرکز پژوهش‌ها است. فاطمه

دانشور معتقد است که برای شروع، ادامه

و حتی پایان دادن به هر کاری، مطالعه

کافی و دریافت مشاوره‌های کافی لازم

است. از این رو اقدام به راه‌اندازی مرکز

پژوهش‌هایی نموده‌است تا دلایل ظهور

آسیب‌های اجتماعی و نحوه پیشگیری،

کنترل و رفع آن‌ها مورد بررسی و مطالعه

قرار دهند

رویکردهای نوین جذب منابع مالی مهرآفرین

موسسه مهرآفرین برای تأمین منابع مالی خود ۵

راه را برگزیده است

۱- یکی از راه‌های آسان کمک‌رسانی، فلک‌ها

یا صندوق‌هایی است که به افراد خیر تحویل

می‌شود. این صندوق‌ها پس از ثبت مشخصات در بانک اطلاعاتی موسسه، تحویل ادارات، شرکت‌ها، کارخانه‌ها، فروشگاه‌ها و سایر اماکن عمومی یا افراد خاصی در برج‌ها، ساختمان‌های چند طبقه و ... خواهد شد.

۲- کمک‌های نقدی و غیرنقدی خیرین، چه به صورت دائمی و چه مقطعی، جمع‌آوری شده و در صورت انتخاب موسسه مهرآفرین، طی وکالتی و براساس برنامه‌ریزی‌های از پیش تعیین شده توسط مدیریت و تیم شناسایی مددکاری، در اختیار نیازمندان یا نیازمند تحت پوشش شما، قرار می‌گیرد.

۳- طبیعی است که نیازهای افراد، فقط پوشاک

و خوراک نیست. آنها نیازمند کمک‌های معنوی

و خدماتی نیز هستند. آموزشی، پزشکی، فرهنگی،

بهداشتی و تفریحی و... افرادی که مایل هستند تا

چنین کمک‌هایی به موسسه کنند و یا بخشی از

اموال خود را در اختیار خانواده‌ای قرار دهند، فقط

کافیست تا تماس گرفته و هماهنگی‌های لازم را

انجام دهند.

۴- یکی دیگر از روش‌های نوین تأمین مالی

این مجموعه، سپردن سرپرستی مددجویان به

خیرین است. بدین طریق، خیرین با روش و نظارت

خود، آزادانه می‌توانند حمایت‌های خود را از افراد یا

خانواده‌های تحت سرپرستی خود به انجام رسانند.

۵- یکی دیگر از روش‌های تأمین مالی، پذیرفتن

عضویت افراد به خانواده نیکوکاران موسسه است.

افراد می‌توانند با عضویت در تیم نیکوکاران، ماهانه

یا سالانه مبلغی را تحت عنوان حق عضویت به

قصد کمک‌رسانی به نیازمندان پرداخت کنند، در

امر کمک‌رسانی به مددجویان مهرآفرینان را یاری

کنند.

* <http://mehrafarinorg.ir>



موسسه خیریه صدیقین

خانم بنیان‌گذار دانش آموخته رشته روانشناسی بالینی در مقطع کارشناسی و حقوق بین‌الملل در مقطع کارشناسی ارشد است، معتقد است زنان سرپرست خانواده افزون بر آن که به دلیل مشکلات و شرایط دشوار از نظر روانی آسیب دیده‌اند، متأسفانه محدودیت‌ها و کاستی‌های قانونی و حقوقی نیز باعث شده که بر مشکلات آنان افزوده شود.

او که مدیرعامل مؤسسه خیریه صدیقین است با تأکید بر این که مردم کشور ما با ایمان و نوع دوست هستند، معتقد است آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی درست از مشکلات زنان سرپرست خانواده می‌تواند انگیزه خیرین را برای حل مشکلات این قشر جامعه برانگیزد و مؤسسه خیریه صدیقین وظیفه دارد که هم به‌درستی و واقع‌بینانه مشکلات و کاستی‌های آنان را بشناساند و این شناخت را به خیرین و مسوولان دولتی و اجرایی منتقل کند. هر چند بار زیادی از مسوولیت‌ها مؤسسه بر دوش خانم بنیان‌گذار است اما او متواضعانه اعتقاد دارد که هر چه توفیق بوده با کمک خداوند و همت یاوران و خیرین بوده و مسوولیت کاستی‌ها و ناکامی‌ها بر عهده اوست.



جهت فرزندان مددجویان نمود. سپس در صد راه‌اندازی پروژه‌های مختلف در جهت ایجاد اشتغال و ارتقاء وضعیت روانی زنان سرپرست خانوار و همچنین تأمین منابع مالی مؤسسه، برآمد که در این راستا مجموعه‌هایی را پایه‌گذاری کرد. با راه‌اندازی این مجموعه‌ها تاکنون بیش از ۱۳۰ نفر از زنان سرپرست خانوار از طریق این مؤسسه مشغول به کار گردیده‌اند و تمامی آنان نیز از پوشش تأمین اجتماعی بهره‌مند می‌باشند.

مؤسسه خیریه صدیقین تعداد ۲۵۰ خانوار را تحت پوشش خود دارد که با احتساب میانگین هر خانواده ۳ نفر، تعداد نفرات تحت پوشش ۷۵۰ نفر می‌باشد. این مؤسسه با توجه به غیرانتفاعی - غیر سیاسی و غیر دولتی بودن کلیه فعالیت‌های خود، در جهت تحقق اهداف در حوزه‌های زیر فعالیت می‌نماید:

- ارتقای سطح کیفیت زندگی (مادی و معنوی) زنان سرپرست خانوار و افراد تحت تکفل آنها.
- یاری رساندن به مددجویان در حل معضلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی آنها.
- گسترش و ارتقای فرهنگ صحیح یاری رساندن به مددجویان.
- ایجاد رضایت پایدار در زنان سرپرست خانوار از طریق توانمندسازی آنها.

کارآفرینان اجتماعی، چاره‌گشایان اجتماعی

از آنجا که گروه‌های غیردولتی برخاسته از متن مردم هستند، با دغدغه‌ها و نیازهای جدی مردم آشنا‌ترند و می‌توانند ضمن جلب اعتماد آنان، علایق، مطالبات و نیازهای آنها را که از دید

با نهادهای داخلی، خارجی به منظور بهره‌گیری از تجارب مفید و مؤثر آنها.

این مؤسسه معتقد است تحقق این اهداف بدون مشارکت با نهادهای دولتی و نیز سازمانهای عمومی مقدور نیست. اما مهم‌تر از همه جلب توجه خیرین و کسانانی است که همواره آماده در اختیار نهادن امکانات خود برای امور خیریه هستند و مسأله زنان سرپرست خانوار، توانمندسازی، مهارت آموزی و کارآفرینی آنها در اولویت است.

این مؤسسه حرکت و تحول جدیدی را در حوزه موسسات خیریه ایجاد کرده است که در واقع یک تغییر نگرش در کارکرد مؤسسات خیریه سنتی است که نحوه ارائه خدمات از حالت بلاعوض و مقطعی خارج و با بستر سازی مناسب در جهت ایجاد انگیزه و امید به زندگی و تقویت خودباوری و اعتماد به نفس در افراد نیازمند بالاخص زنان سرپرست خانوار، با استفاده از استعدادهای درونی و توانمندی‌های آنان، گامی نو برداشته شود، به صورتی که مراکز مشابه با الگوبرداری از این حرکت تأثیرگذار بر انسان‌های نیازمند، ایجاد کننده روحیه استقلال و خودباوری زمینه‌های خود اشتغالی و خودکفایی مددجویان خود شده‌اند.

این مؤسسه در ابتدا از طریق انتشار قبوض - صندوق‌های کمک به مؤسسه - تهیه بروشور برای شناخت و معرفی مؤسسه به سازمان‌ها و افراد - دعوت از متخصصین و خیرین و ... برای گرفتن ایده و کمک، شروع به فعالیت نمود. و با شناسایی خانوارهای نیازمند اقدام به پرداخت کمک‌های نقدی و غیر نقدی و انجام مشاوره‌های حقوقی و خانوادگی توسط مددکاران مؤسسه و برگزاری دوره‌های آموزشی رایانه و نقاشی و خوشنویسی

مؤسسه خیریه صدیقین با هدف حمایت و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و به دنبال اخذ مجوز از وزارت کشور به شماره ۴۳/۷۶۹۹۳ تأسیس، و در آذر ماه ۱۳۸۰ با شماره ۱۳۵۰۸ در اداره ثبت‌شرکتها به ثبت رسید. هیأت مدیره مؤسسه خیریه صدیقین که بیشتر اعضای آن را بانوان فرهیخته و دانش‌پژوه و کارآموخته کشور تشکیل می‌دهد، در طول سال‌های گذشته سعی داشته است با برگزاری جلسات و نشست‌های متعدد، تبلیغات و انتشار نشریه، شرکت مؤثر در همایش‌ها و کمک به برگزاری همایش‌های تخصصی با موضوع بررسی مسائل زنان سرپرست خانوار، توجه و نگاه عمومی را در بعد دولتی و غیردولتی به این مسأله برانگیزاند.

انگیزه شکل‌گیری و تأسیس مؤسسه خیریه صدیقین در سال ۱۳۸۰، وجود معضلات و مشکلاتی بود که گریبانگیر زنان سرپرست خانوار در کشور بوده است. مؤسسه خیریه صدیقین از آغاز تأسیس تا کنون چند هدف عمده را مورد تأکید قرار داده است. این اهداف عبارتند از: شناسایی خانواده‌های زن سرپرست، حمایت و توانمندسازی این خانواده‌ها ارائه کمک‌های مالی و غیرمالی و مشاوره‌های مختلف حقوقی، خانوادگی و اقتصادی به خانواده‌های برای خانواده زن سرپرست، بدسرپرست و ... و با ایجاد فرصت‌های اشتغال برای خانواده‌های زن سرپرست، ارتقای سطح فرهنگی و تحصیلات آنان به منظور پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی خاص، پاسخ به نیازهای روحی، روانی، و فرهنگی فرزندان خانواده‌های زن سرپرست از طریق برنامه‌های فرهنگی و تفریحی، تقویت بنیه ایمان، و مذهبی خانواده‌های زن سرپرست، ارتباط

کلان نگر دولت‌ها پنهان مانده است، منعکس کنند و در جهت پاسخ و یا کمک به حل این نیازها اقدام مؤثری صورت دهند. مؤسسه خیریه صدیقین در راستای اهداف خود در خصوص اشتغال‌زایی، گسترش و توسعه خدمات‌رسانی به زنان خود سرپرست، ایجاد امنیت اقتصادی در خانواده‌های زن سرپرست و همچنین تأمین منابع مالی جهت دستیابی به اهداف مذکور، اقدام به راه‌اندازی مجتمع پذیرایی تالار ابریشم نمود. در دی‌ماه ۱۳۸۵ با انعقاد قراردادی مابین مؤسسه خیریه صدیقین از یک سو و از سوی دیگر شهرک شهید محلاتی، مجتمع پذیرایی تالار ابریشم با مساحت ۱۲۵۵ متر مربع زیر بنا واقع در فاز ۲ شهرک شهید محلاتی به صورت اجاره در اختیار مؤسسه قرار گرفت. مؤسسه پس از تحویل سالن با برنامه‌ریزی مطلوب و با توجه به این مهم که هر چه اطلاعات ما درباره مشتری‌ها و گروه هدف دقیق‌تر باشد، مشتری‌ها بهتر می‌توانند انتخاب نمایند، جهت برگزاری مراسم‌ها با کیفیت بالاتر، اقدام به زیباسازی و تمییرات سالن نمود.

استراتژی کسب درآمد

همانطور که پیشتر گفته شده است، یکی از ویژگی‌های مهم موسسات اجتماعی که توسط کارآفرینان اجتماعی راه‌اندازی می‌شوند، استراتژی کسب درآمد آنها است. این نوع موسسات صرفاً متکی به دریافت اعانه و کمک‌های مردمی نیستند و تلاش می‌کنند تا با راه‌اندازی واحدهای اقتصادی جداگانه، نه تنها منبع درآمد موزی برای مجموعه خود داشته باشند، بلکه فضایی برای توانمندسازی مددجویان خود ایجاد کنند. در این راستا مؤسسه خیریه صدیقین در سال ۱۳۸۱ در جهت ایجاد اشتغال برای زنان سرپرست خانواده اقدام به تأسیس یک شرکت خدماتی به صورت یک بازوی اجرایی مستقل به نام شرکت پژوهش گستر صدیقین نمود.

این شرکت در قالب سهامی خاص با شماره ثبت ۱۸۸۱۷ می‌باشد که تأیید صلاحیت اداره کار و امور اجتماعی را احراز نموده است. و تمامی سود حاصله به حساب مؤسسه خیریه صدیقین واریز می‌گردد. کسانی که در این شرکت مشغول به کار می‌باشند از حقوق وزارت کار بهره‌مند و همگی از پوشش بیمه تأمین اجتماعی نیز برخوردار گردیده‌اند. موضوع فعالیت شرکت مزبور عبارت است از:

- انجام کلیه امور خدماتی از قبیل طبخ و آشپزی، بوفه‌داری، نظافتی، پرستاری، آموزشی، تفریحی و ...
- انجام کلیه فعالیت‌های علمی، پژوهشی و مطالعاتی، فنی و مهندسی، مشاوره و مدیریتی.
- انجام کلیه عملیات مجاز بازرگانی، توزیع و پخش.
- سرمایه‌گذاری و مشارکت در طرحها، پروژه‌ها و شرکت‌ها.
- سایر فعالیت‌های مجاز مرتبط با اهداف مؤسسه

نوآوری، شرط ماندگاری کارآفرینی اجتماعی مؤسسه صدیقین به منظور دستیابی به خودکفایی و استقلال اقتصادی و زندگی بهتر جهت زنان سرپرست خانوار و در ادامه فعالیت‌های خود اقدام به تأسیس یک تولیدی پوشاک، یک کارگاه تهیه و طبخ غذا نمود.

تولیدی پیرانت با توجه به وضعیت معیشتی زنان سرپرست خانوار و اقدام در زمینه خودکفایی و بهبود زندگی آنان از یک طرف و از طرف دیگر تمایل داشتن این زنان به کار کردن در مکان‌های امنی که توسط خانها اداره شود و آموزش هم ببینند، مسئولین مؤسسه خیریه صدیقین را بر آن داشت یک خط زنجیره‌ای تولید پوشاک را راه‌اندازی نمایند. در سال ۱۳۸۲ یک خط تولید زنجیره‌ای به روش صنعتی با ظرفیت دوخت ماهانه ۴۰۰۰ هزار ثوب ماتو شلوار و لباس کار، به نام پیرانت یک به بهره‌برداری رسید و محیطی سالم برای زنان جویای کار فراهم آمد. در این کارگاه پوشاک ابتدا مددجویان آموزش دیده و پس از یادگیری مهارت‌های لازم و مورد نیاز وارد چرخه کار شده که این امر موجب خودکفایی و تقویت اعتماد به نفس و خودباوری در زنان سرپرست خانوار می‌شود. در سال ۱۳۸۵ مؤسسه خیریه صدیقین با تغییراتی در بدنه مدیریت و افزایش ظرفیت کارگاه وارد عرصه جدیدی گردید. در سال مزبور مقدمات راه‌اندازی خط دوم پیرانت در شهر ری واقع در مرکز کارآفرینی کوثر آغاز شد. با گذشت چند ماه و انجام پروژه‌های موفق، مدیریت مؤسسه تصمیم به ادغام پیرانت (۱) نمود که در این واحد ۵۸ نفر مشغول به کار می‌باشند و همگی از حقوق وزارت کار و پوشش بیمه تأمین اجتماعی برخوردار می‌باشند. از طرفی این مؤسسه اقدام به تأسیس یک کارگاه تهیه و طبخ غذا نمود. این مؤسسه با این انگیزه که صنعت طبخ غذا ضمن ایجاد فرصت شغلی برای زنان سرپرست خانوار و مردان وابسته به آنها (پسران مجرد و بیکار آنها که جویای کار می‌باشند) یک منبع تأمین سرمایه برای هزینه‌های خیریه و در ادامه کمک به خانواده‌هایی که توان کار

کردن ندارند و یا منتظر ایجاد یک موقعیت شغلی می‌باشند، در سال ۸۴ اقدام به تأسیس آشپزخانه‌ای جهت طبخ غذا با نام تجاری سورچین نمود. این کارگاه که با گرفتن سفارش غذای نیمروزی شرکت‌ها، سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی (شرکت لیزینگ حمایت گستر، شرکت لیزینگ خودرو غدیر، بنیاد مستضعفان، عمران مارون، سازمان صنایع دستی، شرکت لیزینگ ایران خودرو و ...) نسبت به پخت، بسته‌بندی و توزیع غذا وارد صنعت طبخ غذا گردید. سود خالص این مجموعه، برای خدمات سایر بخش‌ها و کمک‌رسانی به مددجویان تحت پوشش هزینه می‌گردد.

آشپزخانه سورچین با ظرفیت پخت ۱۲۰۰ پرس در یک وعده و یا به عبارتی ۲۴۰۰ پرس در روز در مکانی به وسعت ۱۴۰ مترمربع واقع در بهزیستی ۱۷ شهریور به آدرس میدان شهید محلاتی- خیابان شهید تکیه اکبرآبادی و در پی عقد قرارداد با بهزیستی شهرستان تهران، فعالیت خود را آغاز نمود. شایان ذکر است همگی کادر مشغول به کار در این واحد سازمانی از پوشش بیمه تأمین اجتماعی و حقوق اداره کار برخوردار می‌باشند.

مشکلات و تنگناها

مهمترین عامل محدودیت‌ها و معذوریت‌های مؤسسه در رفع مشکل کارکنان و نیز ارائه خدمات مطلوبتر در زمینه‌های کاری مؤسسه، تنگناهای مالی، محدودیت فضای فیزیکی و کمبود امکانات سخت افزاری نظیر لوازم و تجهیزات مورد نیاز برای آموزش و تولید است. در حال حاضر کلیه فضاهای این مؤسسه، استیجاری یا موقتی است و این امر موجب می‌شود تا مدیران این مؤسسه نتوانند دست به اقدامات اساسی در این فضاها بزنند. زیرا اولاً استیجاری بودن سبب ممانعت قانونی برای اعمال هر گونه تغییر و دخل و تصرف در فضای ساختمان می‌شود و ثانیاً موقتی بودن موجب می‌شود تا هرگونه سرمایه‌گذاری مقرون به صرفه نباشد. ■

* www.seddighin.com

* نخل‌های استوار، ویژه نامه مؤسسه خیریه صدیقین





گفتگویی با خانم دکتر جمالی، مدیر عامل موسس خیریه روزبه

به گرسنه ماهی ندهیم ماهی گیری بیاموزیم



جامعه مخاطب ما زنان و دختران خود سرپرست و سرپرست خانوار هستند که به دلیل نداشتن مهارت‌های لازم فاقد شغل بوده و دچار فقر فرهنگی و مالی بوده و در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند.

طرح شما چه نیاز اجتماعی را در جامعه مخاطبان پاسخ می‌دهد؟

جامعه هدف ما می‌آموزد که کار عار نیست. اگر کسی برای تامین معیشت از راه حلال مصمم باشد نباید از سختی‌ها بپراسد. او باید وظیفه شناس باشد، آموزش‌ها را جدی بگیرد تا به هدف برسد. با جدیت و سخت کوشی مادر خانواده، فرزندان نیز از انحراف و آسیب‌های ناشی از فقر در امان خواهند بود.

چه موانعی در راه‌اندازی و توسعه این موسسه سر راه شما بود؟

مهندسی فرهنگ در کارآفرینی اجتماعی نقش انکارناپذیر دارد. وقتی یک فکر جدید اجتماعی مطرح می‌شود، مقاومت‌ها، انکارها و اشکال تراشی‌ها هم به‌وجود می‌آیند. اگر اندیشه خلاق جامعه عمل به خود ببوشد و در عمل اثرات مثبت خود را نشان دهد (البته به فرصت کافی نیاز دارد). حتی مخالفین سرسخت هم تغییر موضع می‌دهند در مورد طرح «روزبه» نتیجه برخورد اندیشه‌های موافق و مخالف منجر به صیقل خوردن فکر اولیه و تقویت نقاط قوت و تعدیل نقاط ضعف شد.

مشکلات اقتصادی اداره کردن موسسه خود را چگونه بر طرف می‌کنید؟

یکی از مهمترین نکاتی که باید در مدیریت هر تشکل مردم نهاد باید مد نظر باشد، شفاف‌سازی و گزارش دهی به مردم است. برجسته‌ترین دستاورد عملکرد شفاف، اعتماد متقابل است و مردم همواره

رایگان است که توسط نیروهای داوطلب انجام می‌گیرد. تغییرات چشمگیری که در شخصیت و روحیه مددجویان پس از بازتوانی پدید می‌آید، بهترین پاداش و مهمترین انگیزه ادامه خدمت برای نیروهای داوطلبی است که با خلوص نیت گران‌ترین سرمایه یعنی وقت خود را ایثار می‌کنند و از هیچ تلاشی برای پیشبرد برنامه‌ها فروگذار نیستند.

چشم انداز، ماموریت و اهداف شما در این طرح چیست؟

استفاده بهینه و مدیریت صحیح منابع مالی و انسانی و ایجاد موسسات مشابه روزبه مهمترین چشم انداز این طرح است. با توجه به فرهنگ اصیل اسلامی و وجوه حاصل از نذر و احسان و مدیریت نیروهای خیر به‌راحتی می‌توان موسسات مشابه را در شهرهای مختلف متناسب با نیازهای منطقه ایجاد نمود و به ریشه‌کن نمودن فقر که مهمترین عامل آسیب‌های اجتماعی است همت گماشت. ماموریت ما توانمندسازی افراد است نه جمع آوری اعانه. هرگونه حمایت مالی از مددجو در ازاء کار انجام می‌پذیرد زیرا هدف حفظ حرمت انسانی و پرورش و شکوفایی استعدادهاست نه صدقه‌دادن و گدا پروری. تاکید به امر آموزش، برای حفظ و تقویت عزت نفس مددجویان و مصونیت ایشان در مقابل فقر، تکدی‌گری و آسیب‌های روانی و اجتماعی صورت می‌گیرد. موسسه قصد ندارد که گروه هدف را به خود وابسته نماید بلکه سعی می‌کند با ایجاد بسترهای لازم معیشت مناسبی را با حاصل دسترنج خودشان برای آنها تامین کند تا بتوانند بطور مستقل و بدون نیاز به کمک دیگران امرار معاش کنند.

جامعه مخاطب شما چه کسانی هستند؟

لطفاً به طور مختصر خودتان را معرفی نمایید. فرح جمالی هستم دکترای داروسازی از دانشگاه تهران، عضو هیئت مدیره و مدیر عامل موسسه خیریه استاد روزبه زنجان، رییس هیئت مدیره انجمن بیماران مبتلا به سرطان زنجان، رییس هیئت مدیره انجمن نابینایان زنجان، عضو هیئت مدیره مجمع خیرین سلامت استان و عضو کار گروه اشتغال بانوان استانداری زنجان

در خانواده‌ای نسبتاً مرفه پای بند به اصول دینی و اخلاقی که احترام و محبت در آن حکم‌فرما بود رشد کردم. پدر مردی ادیب بود و فرهنگ دوست و بسیار فعال در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی و ورزشی و مادر مانند بسیاری از زنان خانه‌دار ایرانی مدیر خانه و بسیار مهربان و صبور بودند.

طرح خود را به طور خلاصه معرفی کنید
منشور موسسه خیریه روزبه زنجان با این جمله طلایی آغاز می‌شود: به گرسنه ماهی ندهیم ماهی‌گیری بیاموزیم

زنان سرپرست خانوار (بی سرپرست و بد سرپرست) که تحت پوشش این طرح قرار می‌گیرند پس از گذراندن دوره‌های آموزشی و کسب مهارت‌های لازم فرصت شغلی مناسبی را بدست می‌آورند. مشارکت در تولید کالا و خدمات و احساس توانایی و مفید بودن به حال خود و دیگران به آنها اعتماد به نفس می‌بخشد و باعث شکوفایی استعدادهایی که در خاکستر فقر و حقارت پنهان بود، می‌گردد. باز توانی، بی‌نیازی از کمک دیگران و رسیدن به خود باوری، مرحله‌ای است که آنها می‌توانند از پوشش حمایتی موسسه خارج شده و به‌طور مستقل به زندگی سالم و پویا ادامه دهند. کلیه فعالیت‌ها از مدیریت مجموعه تا تحقیق، مشاوره، مددکاری، آموزش و... فی سبیل الله و

آماده کمک‌رسانی به این گونه تشکل‌ها می‌باشند و حتی بیش از حد انتظار از آنها پشتیبانی می‌کنند. آیا در مجموعه خود نوآوری یا نوآوری‌های خاصی دارید لطفاً با ذکر موارد و مصادیق کامل توضیح دهید.

نوآوری در ساماندهی نیروهای داوطلب، تاثیر مثبت در بهره‌وری منابع انسانی داشته است به طوری که عضویت در موسسه به پرداخت حق عضویت محدود نمی‌شود بلکه دانش و تخصص متخصصین در رشته‌های مختلف نیز به اندازه مبالغ مشارکت‌های مالی ارزشمند است. در حال حاضر ۷۴ نفر از پزشکان زنجان با اعلام آمادگی قبلی ارایه خدمات درمانی رایگان به مددجویان را به عهده دارند. بیش از ۳۷ نفر از فرهنگیان و دانشجویان در مقاطع مختلف تحصیلی کلاس‌های سواد آموزی تا تقویتی و جبرانی را اداره می‌کنند. کتابخانه موسسه بدست خیرین تجهیز شده است. برای فرهنگ‌سازی در جهت حذف تشریفات زاید و همچنین تقویت منابع مالی موسسه لوح‌های مخصوص به‌جای تاج گل در مراسم یادبود و دسته گل و کادوی حجاج تهیه شده است که هزینه آنها به حساب موسسه واریز می‌شود. موسسه برای کودکان تحت پوشش نیز طرح‌هایی با هدف ایجاد روحیه شاد و با نشاط در ایشان به اجرا در می‌آورد. دانش‌آموزان ممتاز در مراسم ویژه پایان سال تحصیلی جوایز خود را دریافت می‌کنند. در جشن روز جهانی کودک که با هدف ایجاد محیطی شاد و سرگرم کننده برپا می‌شود کودکان تحت پوشش سایر خیریه‌ها نیز دعوت میشوند تا در کنار کودکان «روزبه» ساعات خوش و خاطره‌انگیزی را، فارغ از همه محرومیت‌ها بگذرانند. برگزاری اردوهای مسافرتی به شهرهای مقدس قم و مشهد به سرپرستی نیروهای داوطلب (خیر) نیز از جمله برنامه‌های تشویقی و مفید موسسه برای مددجویان ممتاز است که مطابق ضوابط خاصی ارزیابی و انتخاب می‌شوند. فرم ارزیابی در پرونده مددجو نگهداری می‌شود.

برای توسعه مجموعه خود چه برنامه‌هایی دارید؟

جمعیت حمایت از زنان و کودکان آسیب پذیر (بی سرپرست و بد سرپرست) استاد روزبه زنجان

موسسه خیریه استاد روزبه در سال ۱۳۷۸ با اخذ مجوز رسمی از سازمان بهزیستی به شماره ۸۰ به ثبت رسید و فعالیت خود را از همان تاریخ آغاز کرد. مقابله با آسیب‌های اجتماعی ناشی از فقر زنان و کودکان بی سرپرست و بد سرپرست با یاری رساندن به آنان از طریق آموزش، ارتقاء مهارت‌ها و ایجاد اشتغال و تقویت خودباوری ایشان تا نایل به خودکفایی این قشر مظلوم و آسیب پذیر هدف اصلی این مجموعه است. این تشکل خیریه وظیفه خود را توانمندسازی افراد می‌داند، نه جمع آوری اعانه. در این مجموعه هرگونه حمایت مالی در ازا کار انجام می‌پذیرد زیرا هدف، پرورش و شکوفایی استعدادها و حفظ حرمت انسانی افراد است و نه دادن صدقه.

توسعه در همه ابعاد، علاوه بر استفاده از ظرفیت‌های موجود، نیازمند ظرفیت‌سازی است. ظرفیت‌سازی با آموزش نیروهای داوطلب زنده و کارآمد محقق می‌شود تنها در این صورت است که تشکل وابسته به فرد و گروه خاصی نبوده و می‌تواند طرح‌های توسعه دراز مدت را در یک سیستم مستحکم و پایدار به اجرا در آورد. واحد برنامه‌ریزی با بهره‌گیری از همکاری افراد صاحب نظر و اعضای اتاق فکر موسسه تدوین برنامه پنج ساله آینده را در دست اجرا دارد. در این برنامه نقش موثرتری برای مددجویان در روند تصمیم سازی پیش بینی می‌شود.

آینده پیش روی مجموعه خود را چگونه می‌بینید؟ چالش‌های پیش روی شما چیست؟
آینده بسیار روشن است زیرا با اتکالی به نیروی لایزال خداوند و در سایه کار و تلاش و توانایی‌های شگرف انسان به همه چیز می‌توان رسید مهمترین چالش پیش روی ما ایجاد تعامل اصولی، مثبت و سازنده با همه نهادهای فقرستیز است. خوشبختانه امروزه سازمان‌های حمایتی به خوبی به تاثیر

مثبت توانمندسازی بجای حمایت واقف شده‌اند و در مسیر ایجاد اشتغال گام بر میدارند. اما اجرای طرح‌هایی مانند بیمه زنان سرپرست خانوار هنوز کامل نشده است اجرای این طرح‌ها می‌تواند مکمل خدمات موسسات کار آفرین باشند.

به نظر شما کار آفرین اجتماعی چه کسی است؟

کار آفرین اجتماعی درک صحیح و واقعی از شرایط زمانی و مکانی دارد، نیازهای حقیقی و فرصت‌های موجود جامعه را می‌شناسد. و متناسب با نیازها به سرمایه‌گذاری اجتماعی می‌پردازد. نوآور خلاق، مسولیت‌پذیر و مخاطره‌پذیر است. اراده راسخ دارد به هدف فکر می‌کند و به حاشیه نمی‌پردازد. به چالش‌ها پاسخ مثبت می‌دهد. از مشکلات و موانع نمی‌هراسد. با بصیرت و دوراندیشی تصمیم خود را عملی می‌سازد نتایج آن را آگاهانه به جامعه هدیه می‌کند.

آیا خود را کار آفرین اجتماعی می‌دانید؟

موسسه خیریه استاد روزبه زنجان مجموعه کار آفرین موفقی است که من هم جزئی از آن هستم. در روزبه فرد معنی ندارد در روزبه، همه چیز در جمع معنی می‌شود.





گفتگویی با فخرالسادات محتشمی‌پور مدیر اجرایی انجمن زنان کارآفرین

در آستانه ششمین همایش کارآفرینی زنان هستیم، دوست داریم بدانیم حال که انجمن توانسته در سال‌های پیشین با موفقیت پنج همایش را برگزار کند، برنامه‌های آتی خود را چگونه می‌بیند و چه فعالیت‌های را در پیش خواهد داشت و بعد از شش سال تجربه چه آینده‌ای را پیش‌روی خودش در حوزه کارآفرینی زنان می‌بیند.

اختصاص می‌داند و در این روز، هم پژوهش‌هایی که توسط زنان انجام شده بود و زنان پژوهشگر مورد تقدیر و سپاس قرار می‌گرفتند و هم پژوهش‌هایی که در ارتباط با موضوع زنان انجام می‌شد مورد توجه و تحسین قرار می‌گرفتند که این اقدام مثبت انگیزه‌ای شده بود تا پژوهش‌ها رویکرد جنسیتی پیدا کنند و مسائل و مشکلات و فرصت‌ها را که در حیطه زنان است مورد توجه قرار دهند. بنابراین ما از هر جایی که این رسالت را برای خودش قائل باشد و آماده همکاری باشد، با توجه به شرایط جامعه ما که بحران‌های اجتماعی سختی را به تبع بحران‌های اقتصادی پیش‌رو داریم، استقبال می‌کنیم

فعالیت‌های انجمن در سال آینده در حوزه ترویج چه خواهد بود؟

طبیعی است که این پژوهش‌هایی که در انجمن انجام خواهد شد، به ما راه‌کارهایی را نشان خواهد داد که ما چگونه می‌توانیم خلأهای موجود در جامعه در حوزه کسب و کار زنان و مسائل و مشکلات آنان را برطرف سازیم. و سازماندهی کنیم. همه کارهایی که تا به امروز انجام دادیم بر اساس یک طرح اولیه پژوهشی، آموزشی و ترویجی بود که در سال ۱۳۸۱ با موضوع «طرح ملی ترویج فرهنگ کارآفرینی و توان‌افزایی زنان کارآفرین» در وزارت کشور، با همکاری خانه پژوهش نوآندیش

حتی تعدادی از کارآفرینان ایرانی را که در خارج کشور هستند، شناسایی کنند. جمع‌آوری این اطلاعات در این سطح گسترده کمک می‌کند که ما به یک حوزه تحقیقاتی به‌صورت آماده دسترسی داشته باشیم و یک سری از تحقیقاتی را که تا به امروز در ایران انجام نشده انجام دهیم. یکی از مشکلاتی که ما داریم محدودیت منابع مالی است و اگر منابع و امکانات مالی بیشتری داشتیم، قطعاً به دلیل قابلیت‌های انجمن و حضور زنان کارآفرین در عرصه‌های مختلف کسب و کار، امکان پژوهش بهتر از این برای ما میسر می‌شد. اما به هر حال ما امیدواریم با کمک مراکز پژوهشی به خصوص دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، که در این زمینه توانستیم قول‌هایی را از رییس محترم آن بگیریم و نیز با همکاری سایر حوزه‌هایی که در این زمینه ابراز علاقه‌مندی می‌کنند، بتوانیم این نوع فعالیت‌ها را بیش‌تر از پیش در انجمن گسترش دهیم.

البته در کشور ما متأسفانه توجه کافی به مقوله پژوهش صورت نمی‌گیرد. که این اتفاق در سال‌های اخیر بیشتر به‌چشم می‌خورد. در دولت اصلاحات ما شاهد آن بودیم که مراکز دولتی و سیاست‌گذاران برای پژوهش‌های حوزه زنان ارج و اهمیت بیشتری قائل می‌شدند. به نحوی که در هفته پژوهش روزی را به پژوهش‌های زنان

همانطور که می‌دانید یکی از بزرگترین رسالت‌های ما در انجمن، ترویج فرهنگ کارآفرینی است. طبیعی است که ما برنامه‌های مان را در این راستا در قالب همان فعالیت‌های پیشین که آموزش، ترویج و پژوهش بود، ادامه خواهیم داد. در بخش آموزش، اقدام به انجام یک سری نیازسنجی‌های آموزشی در بین اعضای مان نموده و بر اساس آن یک سری برنامه‌های آموزشی جدید طراحی کرده ایم و نیز با مراکز آموزشی مرتبط برای برگزاری دوره‌های آموزشی مورد نظر توافقاتی انجام داده‌ایم. همچنین یک سری آموزش‌های جدید برای نو کارآفرینان و فارغ‌التحصیلان دختر دانشگاه‌ها داریم که ترجیح‌مان این است این برنامه‌ها هماهنگ با برنامه‌های آموزشی مراکز کارآفرینی دانشگاه‌ها باشد و البته نهادهای عمومی مانند شهرداری هم می‌توانند همکاران خوبی برای ما در این بخش باشند.

در بخش پژوهش، به نظر می‌رسد پس از شش سال تجربه، زمان آن رسیده باشد که انجمن در این عرصه فعال‌تر باشد. از آنجا که این انجمن تنها انجمن تخصصی کارآفرینی در حوزه زنان است، طبیعی است که شناخت بیشتری را نسبت به زنان کارآفرین، فعالیت‌های آنان و حوزه‌های کسب و کارشان پیدا کند و خوشبختانه موفق شده تا شبکه‌ای از زنان کارآفرین را در سطح ملی و



توسط موسسات آکادمیک انجام می‌شود، متفاوت بوده است. ما بیشتر تلاش می‌کنیم تا از کیس‌های کارآفرین استفاده کنیم تا فراگیران بیشتر از تجارب اینها استفاده کنند. و سعی‌مان بر آن بوده که به نحوی در امر انتقال دانش و تجربه موثر باشیم. و فکر می‌کنیم از طریق مشاوره بیشتر می‌توانیم کمک کنیم به این که دانشجویان و فارغ‌التحصیلان کسب و کاری را ایجاد کنند و نوکارآفرینان بتوانند کسب و کارشان را توسعه دهند. به جز بحث آموزش چه فعالیت دیگری در زمینه انتقال تجربیات زنان کارآفرین انجام داده‌اید.

بحث مستندسازی تجربیات زنان کارآفرین یکی از بحث‌هایی بود که مدت زمان زیادی به دنبال آن

تهیه اطلس کارآفرینی زنان یک نیاز جدی در کشور است اما در حال حاضر به دلیل اقبالی که شهرداری تهران نشان داده علاقه‌مندیم که این کار را در سطح تهران شروع کنیم و بعد انشاءالله آن را در سطح ملی ارتقاء دهیم.

بودیم. خوشبختانه در حوزه‌های مختلف، کیس‌های موفق و بی نظیری را در کشور خودمان داریم. که به دلیل آن که یا شناخته شده نبودند یا اطلاعات فعالیت‌هایشان استخراج نشده و منتشر نگردیده بود، متأسفانه بی استفاده مانده بود به طوری که ما شاهد بودیم با وجود آنکه حدود ۱۰ سال است بحث کارآفرینی وارد جامعه دانشگاهی ایران و حتی نهادهای عمومی شده است، اما هنوز از تجارب و نمونه‌های خارجی و بین‌المللی به عنوان مصادیق کارآفرینی در کلاس‌ها و آموزش‌ها استفاده می‌شد.

این بحث از اولت‌های ما در حوزه پژوهش است و خوشبختانه کاری مقدماتی را امسال

شروع کردیم که امیدواریم در سال آینده بتوانیم آن را توسعه دهیم. یکی دیگر از اولویت‌های پژوهشی که در حال حاضر مشغول به اجرای آن هستیم بررسی فاکتور جنسیت و نیز تأهل در کارآفرینی است. این مسأله‌ای است که با وجود اهمیت زیادی که دارد اما تا به حال کسی روی آن مطالعه نکرده و ما با برگزاری کارگاه‌های کوچکی که از خود اعضا تشکیل و توسط خودشان مدیریت می‌شود، تلاش می‌کنیم تا چالش‌های پیش روی زنان متأهل را در کارآفرینی مورد بررسی قرار دهیم. قطعاً نتایج این پژوهش هم می‌تواند به بحث توسعه کارآفرینی زنان منجر شود و هم می‌تواند راه‌کاری برای حل مسائل و چالش‌های زنان متأهل ارائه دهد.

چشم انداز شما از برگزاری همایش کارآفرینی اجتماعی در ایران چیست؟

همانطور که مستحضر هستید انجمن زنان کارآفرین این افتخار را دارد که مباحث کارآفرینی در حوزه زنان را به طور خاص بررسی کند بلکه به ارائه موضوعاتی در حوزه کارآفرینی بپردازد که تا زمان تأسیس هیچ نهاد یا موسسه دیگری به آن توجه نکرده است. به طور مثال برای اولین بار مقوله کارآفرینی فرهنگی را از طریق برگزاری همایشی با این موضوع، مطرح کردیم و تلاش کردیم تا ادبیات این حوزه در ایران ترویج و گسترش پیدا کند. امسال هم برای اولین بار است که موضوع کارآفرینی اجتماعی در قالب یک همایش در ایران مطرح می‌شود. ما امیدواریم با طرح مسأله‌ای که از طریق برگزاری این همایش‌ها انجام می‌دهیم مسئولان و سیاست‌گذاران مرتبط با این حوزه‌ها را حساس کنیم و آنها بتوانند از این تجربیات استفاده کنند و دانش در این حوزه‌ها گسترش پیدا کند. تا جامعه بتواند از آن بهره‌مندی لازم را داشته باشد. قطعاً در این همایش یک روزه نمی‌توانیم تمام ابعاد علمی، پژوهشی، ساختاری و کاربردی کارآفرینی اجتماعی را بررسی کنیم بلکه همایش صرفاً تلنگری به جامعه کارآفرین و پژوهشگران این حوزه خواهد بود تا بحث کارآفرینی اجتماعی را مورد توجه قرار دهند و قابلیت‌ها و ظرفیت‌های این حوزه را بشناسند و کمک کنند تا این ظرفیت‌ها استفاده شود و به هرز نرود.

آیا موضوع همایش سال آینده مشخص شده است؟

موضوعات زیادی وجود دارد که قابلیت ارائه و بحث و تبادل نظر را دارد. اما هنوز تصمیم قطعی با انتخاب موضوع از میان پیشنهادات موجود گرفته نشده است، و انشاءالله در اولین جلسه هیأت مدیره که پس از همایش برگزار خواهد شد، این موضوع را به بحث خواهیم گذاشت و نتایج آن را اعلام خواهیم نمود. ■

انجام شد. که مستندات ما و اطلاعات جمع آوری شده، دست‌مایه‌ای برای ادامه فعالیت‌های این طرح و زیرساختی برای شروع کار انجمن زنان کارآفرین شد. بدیهی است که این اطلاعات باید به روز شوند و نیاز است تا ما تحقیقات جدیدی را انجام دهیم تا برنامه‌ریزی‌هایمان مبتنی بر این تحقیقات جدید انجام شود و نیازهای موجود شناسایی شوند و راه‌کارهایی که متناسب با آنها است ارائه شود. زمانی که اخبار پاییز انجمن را در سایت مرور می‌کردم، متوجه شدم شما رابطه خوبی با شهرداری تهران دارید و توافقاتی برای انجام یک سری فعالیت‌های جدید با هم داشته‌اید. ممکن است بخشی از این فعالیت‌ها را ذکر کنید.

بله، خوشبختانه ما با شهرداری تهران تعاملات خوبی داشته‌ایم و توافق جدیدی که در بدو امر به آن رسیده‌ایم، تهیه اطلس کارآفرینی زنان در شهر تهران است. این یک نیاز جدی است. باید اطلس کارآفرینی در کل کشور تهیه شود اما در حال حاضر به دلیل اقبالی که شهرداری تهران نشان داده علاقه‌مندیم که این کار را در سطح تهران شروع کنیم و بعد انشاءالله آن را در سطح ملی ارتقاء دهیم که پایه کلیه اقدامات ترویجی از جمله مشاوره‌های کارآفرینی خواهد بود و از موازی کاری و انجام کارهای مشابه با نتیجه یکسان که متأسفانه در کشور ما مرسوم است، جلوگیری خواهد کرد.

آیا در حوزه آموزش برنامه جدیدی پیش رو دارید؟ مثلاً آیا در صدد هستید با موسساتی همچون دانشکده کارآفرینی یا موسساتی از این دست برنامه‌های مشترک داشته باشید؟

برنامه‌های آموزشی که ما تا امروز انجام داده‌ایم خیلی از برنامه‌های آموزشی که به شکل معمول



درباره محمد یونس؛ بنیانگذار گرامین بانک

فقر را به موزه می برم

وام‌های کوچکی در اختیار ۴۲ خانواده بنگلادشی گذاشت تا بتوانند چیزهای کوچکی بسازند و به فروش برسانند. این ایده را در کنار پروژه اقتصاد روستایی دانشگاه چیتاگونگ بنگلادش پی گرفت. بانک در ۱۹۷۶ فعالیت محدود خود را آغاز کرد و در ۱۹۸۳ به بانکی مستقل تبدیل شد.

مهم‌تر از مسئله اعطای وام نظامی است که برای آن در نظر گرفته شده. شرایط دشوار اعطای وام از سوی بانک‌های تجاری و لزوم داشتن اعتبار و یا ارائه وثیقه اغلب سبب می‌شود که فقرا از دریافت وام برای راهاندازی کسب و کار باز بمانند. شرایط اعطای وام از سوی گرامین بانک با تمام نهادهای مشابه در کشورهای جهان متفاوت است. نخست، اولویت با کسانی است که نظام‌هایی برای کسب و کار طراحی کنند که بتوان بازپرداخت به موقع وام را داشته باشد. دوم، فقیرترین روستاییان فاقد زمین در اولویت قرار می‌گیرند و سوم، بانک تلاش می‌کند ابتدا به زن‌ها وام بدهد، زیرا نه تنها از نظر اقتصادی، بلکه از نظر اجتماعی نیز ناتوانند. سه شرط اولیه بانک به خوبی نشان‌دهنده نگاه توانمندسازی فقرا از سوی طراحان آن است، به خصوص که ایده اولویت دادن به زن‌ها سبب شده است ۹۷ درصد از هفت میلیون وام‌گیرنده این بانک را زن‌ها تشکیل دهند.

نوآوری دیگر این بانک به نظام بررسی درخواست وام‌گیرندگان و تضمین آن مربوط می‌شود. روستایی دریافت‌کننده وام باید اظهار کند که میزان دارایی‌اش از آستانه مشخصی پایین‌تر است. سپس، باید در گروهی پنج نفره عضو شود که دیگر اعضای گروه نیز همچون او، از درخواست‌کنندگان وام باشند. طرح کسب و کار هر درخواست‌کننده را اعضای دیگر بررسی می‌کنند

می‌خوانید، به مدل جدیدی از نظام اعطای وام به اقشار کم‌درآمد و فقرا روی آورد. نوآوری کرد و فرصت نادیده‌ای را شناخت. فراتر از اینها، توانست برای جامعه پیرامونش ارزش آفرینی کند. اینها ویژگی‌هایی هستند که به ما اجازه می‌دهند با جسارت او را کارآفرین اجتماعی بنامیم، کسی که از فرصت‌های موجود و ظرفیت‌های مغفول جامعه فقیر و روستایی بنگلادش تغییر و جهش ملی به وجود آورد و حالا مدعی است که حرکت او تا سال ۲۰۳۰ جهان را درخواهد نوردید، سالی که قرار است موزه فقر ساخته شود.

محمد یونس همواره مدعی بوده است که فقرا مهارت‌هایی دارند که بی‌استفاده نشده یا کم استفاده می‌ماند. ایده اولیه گرامین بانک پس از قحطی شدید ۱۹۷۴ در بنگلادش، به فکر یونس رسید. او

«در سال ۲۰۳۰ موزه فقر را می‌سازیم.» محمد یونس وعده می‌دهد در سال ۲۰۳۰ موزه‌ای بسازد و در آن از فقر بگوید، برای کودکانی که سن‌شان قد نمی‌دهد درک درستی از این پدیده داشته باشند، موزه‌ای که احتمالاً باید آخرین گام او در توانمندسازی فقرا باشد، پروژه‌ای عظیم که از بنگلادش شروع شده است.

در سال ۲۰۰۶ نام یک مرد بنگلادشی که دکترای اقتصاد داشت، به عنوان برنده جایزه نوبل در صلح اعلام شد. او اقتصاددان و بانکدار بنگلادشی بود که نامش در میان انبوهی از سیاست‌پیشگان و چهره‌های جهانی به عنوان پیشگام صلح اعلام شد. ویژگی متفاوت یونس این بود که برای بانکداری سراغ مشتریان متداول بانک‌ها نرفت. کسانی مشتریان او بودند که شاید هیچ‌گاه فرصت این را که حساب بانکی داشته باشند پیدا نکرده بودند. او کسب و کارش را روی روستاییان فقیر بنگلادشی و به خصوص زنان متمرکز کرد، کسب و کاری که بیش از هر چیز، در جامعه بنگلادش بازده معنوی داشت. او با ابداع الگوهای جدیدی از سازوکار ارائه وام و بازپرداخت آن، فرصت ایجاد و رشد کسب و کارهای کوچک و خانگی را فراهم ساخت. کار خود را بر پایه سرمایه‌های اجتماعی استوار ساخت. «اعتماد» رکن مهمی بود که او از پس ذهن فراموشکار مردم بیرون آورد و بر پایه آن مویی نو در اقتصاد اعتباری خرد پدید آورد. شعب بانک او حالا در بیش از ۶۵ کشور دنیا گسترده شده‌اند.

محمد یونس به دلایل متعددی کارآفرین اجتماعی است. شاید بهتر است وی را بهترین و برجسته‌ترین کارآفرین اجتماعی سال‌های اخیر بدانیم. او خطر کرد و همان‌طور که در ادامه

محمد یونس کسب و کارش

را روی روستاییان فقیر

بنگلادشی و به خصوص زنان

متمرکز کرده است. کسب

و کاری که بیش از هر چیز

در جامعه بنگلادش بازگشت

معنوی داشت



Grameen Trust است، سازمانی غیردولتی و غیرانتفاعی که برای برآوردن هدف اصلی گرامین بانک در محو فقر در ۱۹۸۹ ایجاد شد و با تکیه بر مبانی عملکرد این بانک، در سراسر دنیا فعال است. سازمان دیگر زیر مجموعه گرامین بانک Grameen Fund است که تأمین سرمایه‌های مخاطره‌آمیز را برای بنگاه‌های متوسط و کوچک متعلق به فقرا بر عهده دارد. در کنار این، Grameen Byabosa Bikash یا بنیاد خدمات و ارتقای کسب‌وکار گرامین نیز با هدف آموزش و افزودن مهارت‌های صاحبان بنگاه‌های برتر به راه افتاد.

بنیاد آموزش گرامین نیز یکی دیگر از زیرمجموعه‌های این بانک بود که با هدف آموزش جمعی روستاییان بنگلادشی، به خصوص روستاهای دورافتاده، به راه افتاد. این بنیاد فناوری اطلاعات را برای افزایش سواد و توسعه آموزش به کار برد، فناوری‌های جدید را ارتقا داد و ایده‌ها و روش‌های جدید را برای توسعه آموزش روستاییان به کار برد. بنیاد غیرانتفاعی ماهی‌گیری و کشاورزی گرامین در ۱۹۹۴ راه افتاد. با توجه به رواج این پیشه‌ها در بنگلادش، هدف از راه‌اندازی چنین بنیادی جان‌داندن و مهارت‌آموزی و حمایت از کشاورزان و ماهی‌گیران بود تا گامی دیگر برای کاستن از بار فقر روستاییان بنگلادشی برداشته شود.

Danone Foods Grameen بنیاد دیگری است که گرامین بانک با مشارکت کمپانی فرانسوی تغذیه Danone به راه انداخت تا با تولید مواد غذایی غنی‌شده و مقوی به کمک کودکانی بشتابند که بسیاری از مواد غذایی اصلی دوران رشد در تغذیه روزانه‌شان وجود ندارد.

با مروری ساده می‌بینیم که گرامین بانک و پروژه‌های جنبی آن مجموعه‌ای از نیازهای جامعه بنگلادش را به خوبی پوشش می‌دهند. مدیران این مجموعه به مثابه کارآفرین اجتماعی، بسیاری از شکاف‌های موجود در جامعه بنگلادش را رصد کرده‌اند و برای آن چاره اندیشیده‌اند. هر کسی، از گدایی بی‌خانمان تا صاحب کسب‌وکاری متوسط، می‌تواند از مجموعه گرامین بانک بهره‌بردار. این بانک به معنای واقعی کلمه دست فقرا را گرفته است و کمک کرده تا مهارت بیاموزند، مورد اطمینان واقع‌شوند و از تقدیری که تاکنون برایشان رقم خورده بود بگریزند؛ عملی که اگر جهانی شود، شعار ساخت موزه فقر در سال ۲۰۳۰ دور از دسترس نیست. ■

مجبور نمی‌کند دست از گدایی بردارند، اما آنها را تشویق می‌کند به جای گدایی به فروش اجناس خرد بپردازند. در سال ۲۰۰۵، ۴۵ هزار گدا حدود ۲۹ میلیون تاکا وام دریافت کردند.

تلفن روستایی
پروژه مهم دیگر گرامین بانک پروژه تلفن روستایی بنگلادش (Polli Phone) است. با

یکی از پروژه‌های گرامین بانک اعطای وام‌های خرد به گدایان است، این پروژه با قوانین جاری بانکداری مناسبی ندارد و بیشتر برای محو گدایی طراحی شده است.

توجه به عدم دسترسی بخش عمده‌ای از مناطق روستایی بنگلادش به زیرساخت تلفن ثابت، گرامین بانک با تأسیس دو شرکت گرامین فون و گرامین تله‌کام، اکنون به بزرگ‌ترین پوشش دهنده تلفن همراه تبدیل شده است. زنان روستایی با دریافت وام از گرامین بانک تلفن همراه می‌خرند و با اجاره آن به دیگر زنان روستایی، اقساط آن را به بانک می‌پردازند. بسیاری از این خطوط تلفن برای تماس زنان با شوهران‌شان که در مناطق دور دست به کار مشغولند، کاربرد دارد.

پروژه‌های خواهر گرامین بانک به عنوان یک ایده اجتماعی و اقتصادی پروژه‌های مکمل دیگری نیز با خود به همراه داشته است. یکی از این پروژه‌ها سازمان

و در صورت تشخیص گروه مبنی بر اینکه این طرح درآمدزاست و قابلیت بازپرداخت وام را دارد، بانک وام را پرداخت می‌کند. در مقابل، اعضای گروه ضامن بازگشت وام خواهند بود و اگر یکی از اعضای گروه در بازپرداخت وام ناتوان شد، دیگر اعضا از دریافت تسهیلات محروم می‌شوند. این گروه‌های پنج نفره به مراکز ۴۰ عضوی می‌پیوندند و در نشست‌های هفتگی شرکت می‌کنند. گروه‌های عضو هر مرکز چهل نفری وظیفه حمایت از یکدیگر را بر عهده دارند. شاید باورش مشکل باشد، اما به طرز حیرت‌انگیزی میزان بازگشت کامل وام‌ها به بانک حدود ۹۸ درصد است. این در حالی است که نیمی از وام‌گیرندگان (یعنی حدود ۵۰ میلیون نفر) از فقیرترین زنان بنگلادشی هستند و در حقیقت، از فقیرترین زنان بنگلادشی هستند که با وام‌های گرامین بانک توان ایجاد کسب و کار پیدا کرده‌اند. به قول ضرب‌المثل قدیمی گرامین بانک، به جای آنکه به فقرای جهان ماهی بدهد به آنها ماهی‌گیری یاد می‌دهد و برای همیشه آنها را از کمک‌های بنگاه‌های خیریه سنتی بی‌نیاز می‌سازد، فقرایی که علاوه بر بهره‌مندی از وام‌های این بانک، ۹۴ درصد مالکیت آن را در اختیار دارند و ۶ درصد باقی‌مانده را نیز در اختیار دولت این کشور است. این بانک تاکنون به ۷ میلیون و ۸۴۰ هزار نفر وام داده است و ۲۵۵۴ شعبه دارد و تمام ۸۲ هزار و ۲۳۷ روستاهای بنگلادش را پوشش می‌دهد.

علاوه بر اینها، گرامین بانک چند پروژه توانمندسازی اجتماعی نیز در دست دارد. یکی از این پروژه‌ها اعطای وام‌های کوچک به گدایان است. این پروژه با قوانین جاری بانکداری تناسبی ندارد و بیشتر برای محو گدایی طراحی شده است. در این طرح، به افراد گدا وام‌های بدون بهره، یا دوره بازپرداخت بسیار طولانی داده می‌شود. مثلاً برای وامی معادل صد تاکا (یک و نیم دلار آمریکا) دوره پرداخت هفت‌ماهه دو تاکا (سه و نیم سنت) در نظر گرفته می‌شود. از سوی دیگر، وام‌گیرنده تحت بیمه عمر رایگان قرار می‌گیرد. بانک این افراد را



افزایش سلامت و کاهش فقر در دنیا، دغدغه‌های جدید خانواده‌گیتس

هر سال مبلغی به اندازه حجم اهدایی سال قبل برکشایر بعلوه پنج درصد از دارایی‌های خالص از بنیاد خارج شود.

بافت فرصتی دو ساله را به بنیاد برای اجرایی شدن شرط سوم داده‌است. بنیاد گیتس ۵ درصد از سهام (۵۰۰,۵۰۰ سهم) را در ژوئیه سال ۲۰۰۶ میلادی دریافت کرده‌است و ۵ درصد باقیمانده را در ژوئیه سال‌های ۲۰۰۷ میلادی (۴۷۵,۰۰۰ سهم)، ۲۰۰۸ میلادی (۴۵۲,۲۵۰ سهم) و الی آخر در بافت ۲۰۰۸ میلادی (۳۳,۷ میلیارد دلار را اهدا کرده‌است. برای اینکه این بنیاد فعالیت خود را به‌عنوان خیریه ادامه دهد می‌بایست هر ساله ۵ درصد از دارایی‌های خود را وقف کند. بدینگونه حجم اهدایی بنیاد هر ساله حداقل مبلغی برابر ۵,۱ میلیارد دلار خواهد بود.

فعالیت‌ها

از سال ۲۰۰۶ میلادی، بنیاد به چهار بخش شامل فعالیت‌هایی اصلی (ارتباطات عمومی، اعتبارات، منابع انسانی) تحت مدیریت شریل اسکات و سه برنامه اهدایی زیر سازمان‌بندی شد:

۱. برنامه سلامت جهانی
 ۲. برنامه توسعه جهانی
 ۳. برنامه‌های مرتبط با ایالات متحده آمریکا
- طبق گزارش روزنامه وال استریت ژورنال در جدیدترین برنامه، بنیاد بیل و ملیندا گیتس صدها میلیون دلار در زمینه تشویق فقرا به پس‌انداز در سراسر جهان هزینه خواهد کرد.
- به علاوه، بر طبق گزارش منتشر شده توسط بنیاد بیل کلینتون در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۸، بنیاد بیل و ملیندا گیتس بین ۱۰ تا ۲۵ میلیون دلار به این بنیاد کمک کرده است. ■

* منبع: <http://www.gatesfoundation.org>

هدیه وارن بافت

در ۲۵ ژوئن سال ۲۰۰۶ میلادی، وارن بافت (ثروتمندترین مرد جهان در سال ۲۰۰۸ میلادی به نقل از مجله فوربس) قول داد ۱۰ میلیون سهم از سهام کلاس «ب» شرکت برکشایر هاتاوی به ارزش ۷,۳۰ میلیارد دلار را طی چندین سال به بنیاد اهدا کند.

وارن ادوارد بافت (Warren Buffett) غالباً با لقب باهوش اوماها یا دانشمند اوماها نامیده می‌شود. او یک آمریکایی سرمایه‌گذار، تاجر و یک انسان خیرخواه و بشردوست می‌باشد. او مدیر عامل و بیشترین سهام‌دار شرکت برکشایر هاتاوی می‌باشد. دارایی خالص او در حال حاضر ۵۲ میلیارد دلار برآورد شده‌است و در رتبه‌بندی فوربس در سپتامبر سال ۲۰۰۸ میلادی، به عنوان ثروتمندترین مرد جهان شناخته شده‌است. در ماه ژوئن سال ۲۰۰۶، او ۸۳ درصد از دارایی خود را به بنیاد بیل و ملیندا گیتس اهدا کرد. حجم دلاری اهدایی او تقریباً ۳۰ میلیارد دلار است. اهدای دارایی در این سطح در تاریخ آمریکا بی‌نظیر بوده‌است. در آن زمان اعلام‌شد که این سطح کمک کافی است تا اندازه این بنیاد را به بیش از دو برابر افزایش داد.

بافت شرایطی را تعیین کرد تا این اهدای بزرگ به بنیاد حجم کمک‌ها را به آسانی افزایش ندهد ولی به‌عنوان یک همکاری سازنده حجم کمک‌ها و بخشش‌های سالیانه بنیاد را به دو برابر افزایش دهد.

شرایط وارن بافت برای اهداء این کمک به بنیاد بیل و ملیندا گیتس شامل موارد زیر است: بیل یا ملیندا باید در زمان مدیریت زنده باشند. این بنیاد فعالیت خود را به‌صورت خیریه ادامه دهد.

بنیاد بیل و ملیندا گیتس بزرگ‌ترین موسسه خیریه در دنیا است. این بنیاد در سال ۲۰۰۰ میلادی ۱۰۶ میلیون دلار توسط بیل و ملیندا گیتس تأسیس شد و در طول دو سال فعالیت این موسسه، سرمایه آن به ۲ میلیارد دلار افزایش یافت. و در سال ۲۰۰۶ میلادی توسط وارن بافت به دو برابر توسعه یافت.

اهداف اصلی تأسیس این بنیاد افزایش سلامت و کاهش فقر شدید در سطح دنیا و در آمریکا گسترش دادن فرصت‌های آموزشی و دسترسی به تکنولوژی اطلاعات می‌باشند. مرکز این بنیاد در شهر سیاتل در ایالت واشنگتن در آمریکا قرار دارد و توسط سه نفر اعضای هیأت مدیره به نام‌های بیل گیتس و همسرش ملیندا گیتس و وارن بافت اداره می‌شود. سایر مدیران بنیاد ویلیام اچ گیتس و پتی استونسیر (CEO) می‌باشند. حجم کمک‌های اهدایی این موسسه تقریباً ۳۳ میلیارد دلار است.

بنیاد بیل و ملیندا گیتس به‌وسیله بیل گیتس و همسرش ملیندا در ژانویه سال ۲۰۰۰ میلادی از تلفیق دو بنیاد آموزش گیتس و ویلیام اچ گیتس به‌وجود آمد. بنیاد آموزش گیتس از بنیاد کتابخانه گیتس که در سال ۱۹۹۶ میلادی افتتاح شده بود شکل گرفت. در ماه ژوئن سال ۲۰۰۶ میلادی گیتس تصمیم خود را برای خروج از مشاغل روزمره مایکروسافت و اختصاص کامل وقت خود همراه با بونو، خواننده گروه ایرلندی یوتو، که نامش در مجله تایم برای کارهای خیرخواهانه در سال ۲۰۰۵ میلادی آورده شده‌است تا ماه جولای سال ۲۰۰۸ میلادی اعلام کرد. در ماه مه ۲۰۰۶ میلادی بنیاد بیل و ملیندا گیتس جایزه اسپانیایی شاهزاده استوریاس را برای همکاری‌های بین‌المللی بدست آورد.

آشوکا بنیاد حمایت از کارآفرینان اجتماعی



معرفی

آشوکا، یک سازمان غیر انتفاعی جهانی است که روی کارآفرینان اجتماعی و یا کارگشایان اجتماعی در گوشه و کنار جهان سرمایه‌گذاری می‌کند. آشوکا پیشگام رهیافت «سرمایه پرمخاطره اجتماعی» (social venture capital) در توسعه بین‌المللی است.

آشوکا از طریق کارگشایی اجتماعی به مشکلات رسیدگی می‌کند، کارگشایی اجتماعی یک رهیافت موثر است که مبتنی بر الگوی سرمایه پرمخاطره می‌باشد. او کارگشایان اجتماعی برجسته را شناسایی کرده، آنها را به عنوان همکار آشوکا برگزیده و به صورت مالی و حرفه‌ای روی آنها سرمایه‌گذاری می‌کند.

کارگشایان اجتماعی که همکار آشوکا می‌شوند، افراد عمل‌گرای هستند که از ویژگی‌هایی نظیر بصیرت، نوآوری، اراده و تعهد دراز مدت که به نوعی ویژگی‌های کارفرمایان برجسته تجاری محسوب می‌شوند، برخوردارند. اما تفاوت کارگشایان اجتماعی با کارگشایان تجاری در این است که به تغییر نظام‌مند اجتماعی در حوزه خود متعهد هستند.

از حیث مالی، آشوکا معمولاً دستمزدی را به مدت سه سال به آنها پرداخت می‌کند که میزان آن به نیاز شخصی و میزان دستمزد در کشور مورد نظر بستگی دارد. این دستمزدها همکاران آشوکا را قادر می‌سازد تا به صورت تمام وقت، توانایی خود را روی اجرای ایده‌های جدید خویش متمرکز کنند. از حیث حرفه‌ای، آشوکا با برگزیدن کارگشایان اجتماعی برجسته به عنوان همکاران آشوکا که بعدها به همکاری جهانی می‌پیوندند، روی آنها سرمایه‌گذاری می‌کند. این سرمایه‌گذاری موجب شکوفایی شدن همکاری آنها به صورت ملی و بین‌المللی می‌شود و اطلاعات، فرصت‌ها و تماس‌های ارزشمندی برای آنان فراهم می‌کند تا به اشاعه نوآوری‌های خود پرداخته و دوام دراز مدت حاصل کنند.

تاریخچه

آشوکا در ۱۹۸۰ توسط بیل درایتون (Bill Drayton) مشاور سابق شرکت مک‌کنزی و شرکا (McKinsey & Co.) و دستیار اجرایی «آژانس محافظت از محیط زیست» تأسیس شد. درایتون، آشوکا را بر پایه این بنا نهاد که کارگشایی یا کارآفرینی اجتماعی اهرمی نیرومند است که می‌تواند تأثیری شگرف برای رسیدگی به مشکلات اجتماعی در گستره جامعه داشته باشد. از این رو، وی آشوکا را بنا نهاد تا با پشتیبانی مالی و فراهم آوردن یک چارچوب حرفه‌ای، از کارگشایان اجتماعی حمایت کند و به آنان در اشاعه دیدگاه‌ها و راهکارهای ابتکاری‌شان به‌صورت فردی و گروهی کمک نماید. درایتون به عنوان یکی از اولین رهبرانی که به قدرت نوآوری فردی در حل مشکلات اجتماعی پی بردند، آشوکا را با بودجه‌ای کمتر از پنجاه هزار دلار در هند در معرض آزمایش قرار داد. امروز، آشوکا بیش از هفده میلیون دلار در سال برای تأمین مالی فعالیت همکارانش هزینه می‌کند.

بیل درایتون خود را از دوران مدرسه ابتدایی یک کارگشای اجتماعی می‌پنداشته است. چهار عامل در مراحل اولیه زندگی بر وی تأثیر گذاشت و وی را به سمت تأسیس آشوکا هدایت کرد:

۱. علاقه به تاریخ، که در آن رهبرانی نظیر ماهاتما گاندی در هند، ژان مونه در فرانسه و مارتین لوتر کینگ در آمریکا، قدرت فرد و تأثیر ایده‌های تازه را بر مبنای ابتکار، پرهیز از خشونت و استناداردهای رفیع اخلاقی به نمایش گذاشته‌اند؛
۲. علاقه به جغرافیا، به ویژه آسیا، جایی که وی در آن شاهد پدیده فزاینده‌ای بود که طی آن ایده‌های قدرتمند تحول اجتماعی به نیروی محرکه انقلاب‌های مردمی و ظهوربخش شهروندی در کشورهای در حال توسعه مبدل شد؛
۳. مشاهده نهضت حقوق شهروندی که همراه با بزرگ شدن درایتون شکل می‌گرفت و مشارکت فعال در آن، (و زندگی در آمریکا به عنوان یک جامعه مبتنی بر حقوق)؛ و

۴. اعتقاد به افراد کارآفرین یا کارگشا به عنوان

قویترین نیروی تحول اجتماعی. درایتون در دهه ۱۹۶۰ ابتدا «جامعه آسیا» را در دبیرستانش یعنی آکادمی فیلیپ اندرو تأسیس کرد و بعدها «میز آشوکا» را در دانشکده‌هاوارارد و نیز در دانشگاه آکسفورد دایر کرد. در مدرسه حقوق بیل، وی «خدمات حقوقی بیل» را بنا نهاد که برای شش ایالت شمال شرقی آمریکا خدمات حقوقی رایگان در جهت تمرکز بر تحولات اجتماعی - اقتصادی کلان فراهم می‌کرد.

سرانجام درایتون در زمان جوانی و در حال سفر به آسیا از خود پرسید که چگونه می‌تواند شکاف اقتصادی و اجتماعی میان نیم کره‌های شمالی و جنوبی زمین (یعنی میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه) را پر کند و در عین حال انقلاب مردم‌سالاری را از طریق بخش شهروندی در کشورهای در حال توسعه تسریع کند.

آشوکا برای درایتون، نشانگر بانفوذترین رهیافت به سرمایه‌گذاری روی قدرت افراد و ایده‌هایشان درون کشور مورد نظر برای ایجاد تحولات نظام‌مند اجتماعی و اشاعه آن ابداعات در سطح ملی و بین‌المللی بود.

مأموریت آشوکا

مأموریت آشوکا سامان بخشیدن به یک بخش شهروندی کارگشایانه، پربر و دارای انسجام جهانی، و نیز گسترش حرفه کارگشایی (کارآفرینی) اجتماعی در گوشه و کنار جهان است. آشوکا کارگشایان اجتماعی برجسته - یعنی افراد ویژه‌ای که دارای ایده‌هایی چشمگیر برای ایجاد تغییر در جامعه خود هستند - را شناسایی کرده، روی آنان سرمایه‌گذاری می‌کند، و از آنان، ایده‌ها و مؤسسانشان در تمامی طول فعالیت حرفه ایشان حمایت می‌نماید. همکاران آشوکا از این مزیت برخوردار هستند که بخشی از «همکاری جهانی برای زندگی» باشند.

روبای آشوکا، شکل‌گیری یک جامعه جهانی است که از توانایی پاسخگویی سریع و موثر به



چالش‌های اجتماعی در هر کجا بر خوردار باشد. آشوکا از منابع مالی دولتی استفاده نمی‌کند، بلکه منابع مالی آن توسط کارفرمایان تجاری و بنیادهای آنان، افراد و شعبه‌های داوطلب تامین می‌شود.

حقایق درباره آشوکا

- آشوکا از ۱۹۸۱ تا کنون بیش از ۱۷۰۰ همکار در ۶۰ کشور برگزیده است.
- همکاران آشوکا در شش حوزه گسترده زیر فعالیت می‌کنند.

- O آموزش و یادگیری
- O محیط زیست
- O بهداشت
- O حقوق بشر
- O مشارکت مدنی
- O توسعه اقتصادی

- آشوکا تقریباً هر سال ۱۵۰ همکار جدید انتخاب می‌کند.

- آشوکا نه یک بنیاد است و نه یک کارگزار دولتی؛ از دولت بودجه نمی‌گیرد. (بلکه تنها کمک‌های مالی اشخاص و نهادهای خصوصی را می‌پذیرد).

آنچه آشوکا انجام می‌دهد

آشوکا در سه سطح مختلف فعالیت می‌کند. ابتدا، به صورت مالی و حرفه‌ای از کارگشایان اجتماعی در طول چرخه زندگیشان به صورت انفرادی حمایت می‌کند. دوم اینکه جوامع متشکل از کارگشایان اجتماعی را گرد هم می‌آورد تا تأثیر آنان را افزایش داده و به اشاعه ایده‌ها و عملکردهای آنان کمک کند. در نهایت به ایجاد زیرساخت و سیستم‌های مالی لازم برای حمایت از رشد بخش شهروندی و تسهیل گسترش نوآوری اجتماعی به صورت جهانی کمک می‌کند.

تمام برنامه‌های آشوکا در این سه سطح در راستای هدف و مأموریت آن هستند. همگی مبتنی بر درک این نکته هستند که تحول تاریخی بخش شهروندی در حال وقوع است و در همین راستا نیز عمل می‌کنند و هیچ یک از برنامه‌های آن صرفاً برای ارائه خدمات نیست.

سه سطح عملکرد آشوکا یکدیگر را به صورت متقابل تقویت می‌کنند و همگی به همراه هم رویای آشوکا که دنیایی است که در آن هر کس یک تحول ساز است را به واقعیت نزدیک تر می‌نمایند.

ارتقا کارگشایی گروهی

- ساخت زیرساخت اجتماعی
 - حمایت از کارگشایان اجتماعی
- آشوکا به دنبال چه نوع ایده‌هایی است؟
آشوکا به دنبال کارگشایان اجتماعی برجسته‌ای

است که دارای ایده‌های تازه و راهکارهای ابتکاری گسترده، موثر و بسیار کاربردی هستند. آشوکا می‌داند که مشکلات اجتماعی به فرهنگ‌ها یا جوامع خاصی محدود نمی‌شوند. هر چند برخی الگوها را نمی‌توان در تمام فرهنگ‌ها به کار گرفت، با این حال آشوکا به دنبال راه‌حل‌های ابتکاریست که از اهمیت ملی، منطقه‌ای یا جهانی برخوردار باشند و امکان به‌کارگیری آنها توسط سایر نهادها نیز وجود داشته باشد.

شیوه‌های کمک مالی به آشوکا

اگر مایل به کمک مالی به آشوکا هستید می‌توانید از راه‌های مختلف زیر این کار را انجام دهید.

- اعانه از طریق پست: در این روش علاقه‌مندان می‌توانند مبلغ مورد نظر خود را به صورت چک بانکی قابل پرداخت در داخل پاکت پستی قرارداد و به دفتر اصلی آنها واقع در آمریکا ارسال نمایند.

- پرداخت اعانه برای ادای احترام یا بزرگداشت یاد یک عزیز: در این روش که یکی از روش‌های مرسوم و متداول در آشوکا است، افراد جهت قدرانی، اهدای هدیه به مناسبت‌های مختلف از قبلی مراسم ازدواج، فارغ‌التحصیلی و ... و یا تکریم و بزرگداشت یاد عزیزان از دست رفته شان، به جای خرید هدیه و بر پایی مراسم یادبود مبلغی را به این مؤسسه اهدا می‌کنند. در این مسیر، آشوکا متن نامه زیبایی آماده کرده و به فرد هدیه گیرنده و یا خانواده تکریم شده ارسال می‌کند.

در ضمن افراد می‌توانند با ثبت نام کردن در سایت www.IDoFoundation.org از آشوکا حمایت کنند. این سایت به زوج‌های جوان و میهمانان شان اجازه می‌دهد تا مهیا سازی مراسم عروسی شان را با خرید هر آنچه که برای برپایی یک مراسم نیاز است و اهدا سود آن به مؤسسه خیریه پیش برند.

- وقف: وقف، یک پایه و مبنای حمایتی و پشتیبانی قابل اعتماد و پایدار برای کارهای آشوکا در سراسر جهان است. رشد وقف به آشوکا کمک می‌کند تا توانایی طولانی مدتی برای ارائه خدماتی که نیاز به زمان بیشتری برای سازگاری و ایجاد تغییرات اجتماعی دارد فراهم کند. میزان وقف برای آشوکا در سال ۲۰۰۶ به ارزشی بالغ بر ۲۰ میلیون دلار رسید. در این مدل افراد می‌توانند به صورت فردی یا سازمانی وقفی را انجام داده و یا در منابع وقف شده موجود با پرداخت مبلغی شریک شوند و آنرا افزایش دهند.

- پرداخت در درازمدت: این مدل یکی از بهترین راه‌های است که افراد می‌توانند اهداف مالی شخصی خود را با آرمان‌های خیریه‌ای ترکیب کنند. این هدایا چندین بار ساخته می‌شوند و منافع

متنوعی دارند که میراث آن ایجاد تغییرات اجتماعی قطعی است.

این هدیه دراز مدت به آشوکا کمک می‌کند تا از آینده خدمات و برنامه‌ها اطمینان حاصل کند. هدایای دراز مدت شامل مشارکت افراد است که می‌توانند از طریق وصیت‌نامه، اعتماد به مؤسسه، سیاست‌های بیمه‌ای و یا برنامه بازنشتگی اعمال شود. بسیاری از حامیان هدایای مؤسسه خیریه را با نام آشوکا می‌سازند: نوآرانی که عموم مردم را ذینفعان و وارثان وصیت‌نامه خود می‌دانند. دولت فدرال آمریکا، مردم را به اهدای این نوع هدایا و ارثیه‌های خیریه تشویق می‌کند و به آنها در مالیات بر دارایی‌ها تخفیف‌های نامحدودی می‌دهد. سه راه وجود دارد که افراد می‌توانند به این گونه وصیت کنند.

۱- ارثیه ویژه: افراد مبلغ مشخص، درصد مشخص و یا دارایی مشخصی را به آشوکا می‌دهند.
۲- ارثیه باقیمانده: افراد می‌توانند همه بدهی‌ها، مالیات‌ها، هزینه‌ها، و ارثیه‌های ویژه را پرداخت کنند و در پایان باقیمانده را به آشوکا منتقل سازند.

۳- ارثیه مشروط: افراد می‌توانند همه یا بخشی از ارث خود را به آشوکا بسپارند مگر طبق وقوع شرایطی خاص. برای مثال، افراد می‌توانند مبلغی را به آشوکا اختصاص دهند: نوآرانی که عموم مردم را ذینفعان و وارثان وصیت‌نامه خود می‌دانند مگر آنه هیچ عضوی از افراد نزدیک خانواده باقی نمانده باشد. بعضی از مواقع زوج‌هایی بی اولاد تمام ثروت خود را تا زمان حیات همسرشان در اختیار او می‌گذارند و وصیت می‌کنند تا پس از مرگ به آشوکا منتقل شود.

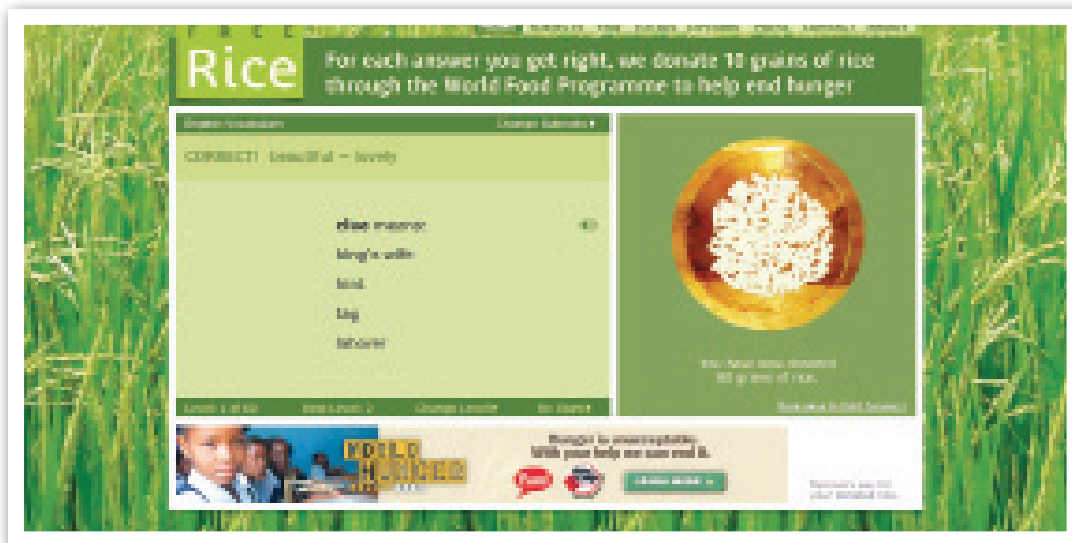
- اعطای سهام یا پرداخت از طریق بانک: در این مدل یا افراد سهامی را از مجموعه دارایی خود به آشوکا منتقل می‌کنند و یا مبالغی را از طریق بانک به این مؤسسه حواله می‌کنند.

- اعطا در قالب برنامه طرح‌های مخاطره‌آمیز: آشوکا در بیست و پنجمین سالگرد تأسیس خود، فرصت جدیدی را فراهم کرده است تا حامیانی که تمایل دارند تا مستقیماً در هسته فعالیت‌های آشوکا وارد شوند و برای هدایت کارآفرینان اجتماعی سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز کنند از این طریق اقدام نمایند.

سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز نخستین بار با هدیه‌ای از بنیاد خانواده Oswald آغاز شد. آشوکا اقدام به سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز کرده است تا به طور چشمگیری سبب افزایش تعداد رهبران کارآفرین اجتماعی شود. آشوکا سرمایه‌گذاران را دعوت به تفکری آینده‌نگر می‌کند تا پایه‌ای پایدار برای مدل سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز منحصر به فردی برای ۲۵ سال آینده و بعد از آن خلق کنند.

بشر دوستی به روایت اینترنت

محیا برکت



شرکت مذکور به برنامه جهانی غذا (wfp) و کمک به گرسنگی جهان است. برنامه جهانی غذا بزرگترین نمایندگی کمک‌های غذایی به مردم جهان است، که ضمن کمک به فقرا وظیفه حمایت از کشاورزان را بر عهده دارد و با بیش از ۱۰۰۰ زیر مجموعه در ۷۵ کشور فعالیت می‌کند. این برنامه از بستری جهانی برای دسترسی به طیف گسترده‌تری از مخاطبان بهره‌جسته‌است. با طراحی سایتی زیبا و فراهم کردن فضایی سرگرم‌کننده ضمن آموزش و تقویت زبان انگلیسی و جذب آگهی شرکت‌ها و کمپانی‌های بزرگ، مخاطب خود را به سوی مشارکت در عملی خیرخواهانه تشویق می‌کند. در این فضا هر سه قطب کاربر، سازمان و شرکت آگهی‌دهنده برنده هستند. البته لینکی نیز برای کسانی که می‌خواهند بدون واسطه در این برنامه مشارکت کنند فراهم آمده‌است که به سایت‌های وابسته هدایت می‌شوند و از طریق پرداخت آنلاین کمک‌های آنها به دست نیازمندان جهان می‌رسد. ■

کارکرد سرگرمی و کارکرد مشارکت در عمل خیرخواهانه‌ای چون کمک به گرسنگان جهان از بارزترین ویژگی‌های این سایت است.

در این سایت سوالاتی ۴ گزینه‌ای در رابطه با مترادف کلمات انگلیسی پرسیده می‌شود که با پاسخ درست کاربر به هر سوال ۲۰ دانه برنج به مردم فقیر دنیا کمک می‌شود. در ازای ۵ پاسخ صحیح ۱۰۰ دانه برنج کمک می‌شود و این روند تا ۵۰ سوال و ۵۰ پاسخ صحیح ادامه می‌یابد. یعنی در کمتر از یک ساعت هر نفر می‌تواند ۱۰۰۰ دانه برنج کمک کند.

روند پاسخ به سوالات به گونه‌ای است که اگر پرسشی اشتباه پاسخ داد شود سوال بعدی آسانتر خواهد بود و چنانچه پاسخ صحیح باشد سوال بعدی سخت‌تر می‌شود. تا پایان این مسابقه کاربر با ۲۵۰ واژه سروکار خواهد داشت. با ظاهر شدن هر پرسش بنر تبلیغاتی یک شرکت به نمایش درمی‌آید. در حقیقت پاسخ درست کاربر به هر پرسش به معنای پرداخت هزینه تبلیغاتی

مشارکت در فضای اینترنت به حدی گسترش یافته که ردپای مشارکت‌های اینترنتی در امور بشر دوستانه نیز قابل مشاهده است. اینکه کاربران چگونه آموختند از این فضای مجازی برای اینگونه مشارکت‌جویی‌ها استفاده کنند و یا اینکه چه کسانی زمینه مشارکت‌جویی را فراهم کردند و به روشنی قابل تفکیک و تشخیص نیست، اما می‌توان سال ۲۰۰۴ را سال شکوفایی اینترنت و وب دانست. این شکوفایی از آن جهت که اینترنت از آن زمان به بعد راه همواری را برای مشارکت بیشتر مردم در امور خیریه فراهم کرده‌است.

نمونه جالبی از این به کارگیری فضای مجازی در امور خیریه را می‌توان در سایت اینترنتی <http://www.freerice.com> مشاهده کرد. نمود مشارکت مجازی در مثلث آموزش، تبلیغات و نیکوکاری در سایت مشهود است. سازمان برنامه جهانی غذا وابسته به سازمان ملل، به راه‌اندازی پایگاه اینترنتی، خدمات چند جانبه‌ای ارائه می‌دهد. کارکرد آموزشی و افزایش سواد اطلاعاتی،



مهربانی ربوده شده

کارآفرینی اجتماعی در سیره امام موسی صدر

غذایی مناسب نیز برای مدارس مناطق مرزی که دانش‌آموزان آن از سوء تغذیه و فقر رنج می‌برند به عهده دارد.

ج- واحد تولید شیرینی جات محل مناسبی برای کارآموزی و گذراندن دوره‌های عملی هنرجویان مرکز آموزش هتل‌داری به شمار می‌آید و درآمد حاصل از فعالیت آن در جبران بخشی از کمبودهای مالی موسسات صرف می‌گردد.

خدمات درمانی

در مراکز بهداشتی و درمانی ثابت و بسیار تحت پوشش این مؤسسات، خدمات درمانی و اجتماعی مختلف به مراجعین ارائه می‌گردد. در این بخش باید به ۸ درمانگاه ثابت در کفرحتی، دردغیا، صدیقن‌الشهبایه، حل‌البحر، دیرسریان عبدالشعب و یک درمانگاه داخل مجتمع موسسات و یک درمانگاه سیار برای ارائه خدمات مستمر به روستاهای مرزی و نیز امدادسانی هنگام بحران اشاره کرد.

فعالیت‌های آموزشی

۱- مهد کودک: این مراکز با پذیرش دختران و پسران خردسال یتیم و آنان را برای ورود به مراحل آموزشی ابتدایی آماده می‌کند. ظرفیت کنونی آن ۴۰۰ نفر است.

۲- مرکز آموزش ابتدایی دختران یتیم و آسیب‌دیدگان اجتماعی، دوره دبستان را در این مراکز می‌گذرانند. این مرکز با هدف شکوفا کردن استعدادها و نونهالان در تاسیس شده‌است. بهره‌گیری از جدیدترین روش‌ها و امکانات آموزشی و فراهم آوردن زمینه‌های بروز خلاقیت و نوآوری؛ از ویژگی‌های این مدرسه است.

۳- مرکز آموزش استثنایی این مرکز در سال ۱۹۷۷ به منظور آموزش مهارت‌های ساده و ابتدایی به خردسالان و کودکان استثنایی که از معلولیت جسمی یا ذهنی رنج می‌برند، تأسیس شده‌است. هدف آن پرورش استعدادها و توانایی آنها برای رسیدن به استقلال شخصی

خلاصه فعالیت‌های موسسات

امام موسی صدر

فعالیت مراکز متعددی به همت مؤسسات امام موسی صدر تأسیس شده، در سالیان اخیر بنا به ضرورت با توسعه روزافزون همراه بوده‌است. علاوه بر صدها نیروی داوطلب، در حال حاضر حدود ۱۹۵ نیروی تمام وقت و بیش از ۲۰۰ نیروی پاره‌وقت، با اخلاص و یقین بی‌مانند و تلاش بی‌وقفه، خدمت در این مؤسسات را برگزیده‌اند، تا ارائه خدمات بهداشتی، آموزشی و پرورشی به بیش از ۱۱۰۰ دانش‌آموز یتیم - که بیشتر آنان در مجتمع آموزشی شهر صور اقامت دارند - ممکن گردد. موسسات به شماره ۵۲۷۶ در لبنان به ثبت رسیده و در سال به عضویت سازمان ملل متحد درآمده‌است. برخی از فعالیت‌های خدماتی، درمانی، آموزشی و فرهنگی این مرکز را می‌خوانید.

مدرسه رحاب‌الزهراء (ع) و سرپرستی ایتم و آسیب‌دیدگان اجتماعی

در مدرسه رحاب‌الزهراء دختران یتیم و محروم از سن پنج سالگی تا مرحله ازدواج تحت پوشش کامل شامل تأمین خوراک، پوشاک، هزینه‌های آموزشی، بهداشتی و حمل‌ونقل، قرار می‌گیرند و اکثر آنها مراحل آموزش عالی را با حمایت این مدرسه طی می‌کنند، خدمات واحد مذکور همچنین تهیه امکانات ضروری زندگی پس از ازدواج را نیز شامل می‌شود.

واحدهای تهیه و تولید مواد غذایی الف- کارخانه تولید فرآورده‌های لبنی که با هدف بالا بردن سطح علمی و حمایت از دامداران جزء و به منظور تأمین شیر و لبنیات تازه برای کودکان تحت پوشش مؤسسات، تأسیس شده‌است. درآمد حاصل از فروش مازاد محصولات نیز به صندوق موسسه واریز می‌گردد.

ب- واحد تغذیه مدارس، که وعده‌های غذایی افراد تحت پوشش مجتمع صور را تأمین می‌کند و افزون بر آن هر هفته تأمین و توزیع ۶۳۰۰ وعده

امام موسی صدر از زمستان سال ۱۳۳۸ و همزمان با آغاز فعالیت‌های گسترده دینی و فرهنگی خود در مناطق شیعه نشین لبنان، مطالعات عمیقی را به منظور ریشه یابی عوامل عقب ماندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شیعیان لبنان به اجرا گذارد. حاصل این مطالعات، برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدتی بود که از اواسط سال ۱۳۳۹ و در راستای سیاست محرومیت‌زدایی، طراحی و اجرا گردید. امام موسی صدر در زمستان سال ۱۳۳۹ و پس از تجدید سازمان جمعیت خیریه «البر و الاحسان»، با تنظیم برنامه‌ای ضربتی جهت تأمین نیازهای مالی خانواده‌های بی بضاعت، ناهنجاری تکدی را به کلی از سطح شهر صور و اطراف آن برانداخت. وی در فاصله سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۸ و در چارچوب برنامه‌های میان‌مدت، با طی سالانه صد هزار کیلومتر در میان شهرها و روستاهای سراسر لبنان، ده‌ها جمعیت خیریه و مؤسسات فرهنگی و آموزش حرفه‌ای را راه اندازی نمود، که حاصل آن کسب اشتغال و خودکفایی اقتصادی هزاران خانواده بی بضاعت، کاهش درصد بی‌سوادی، رشد فرهنگ عمومی، و به اجرا در آمدن صدها پروژه کوچک و بزرگ عمرانی در مناطق محروم آن کشور بود. امام موسی صدر در تابستان سال ۱۳۴۵ و پس از اجتماعات عظیم و چند روزه شیعیان لبنان در بیعت با ایشان، رسماً از حکومت وقت درخواست نمود تا همانند دیگر طوایف آن کشور، مجلسی برای سازماندهی طایفه شیعه و پیگیری مسائل آن تأسیس گردد. مجلس اعلای اسلامی شیعیان که اولین بخش از برنامه درازمدت امام صدر به شمار می‌رفت، در اول خرداد سال ۱۳۴۸ تأسیس، و خود آن بزرگوار با اجماع آراء به ریاست آن انتخاب گردید. او تا زمانی که در لبنان بود، تلاش‌های زیادی کرد تا آرامش را به این کشور بازگرداند. در ادامه خلاصه‌ای از فعالیت‌های مؤسسات امام موسی صدر را که به همت موسسه امام موسی صدر در تهران آماده شده است، ارائه می‌نماییم.

گفتگویی با خانم رباب صدر مدیر موسسات امام موسی صدر در لبنان



به درمان‌های کلی است. این درمانگاه‌های بسیار به روستاهای دور دست می‌روند و به مردمی که نمی‌توانند به کلینیک‌های ما بیایند خدمت‌رسانی می‌کنند. این درمانگاه‌های بسیار به افراد کم‌بضاعت و پیر که امکانات ندارند سر می‌زنند و آنها را درمان می‌کنند.

امسال انتظار داریم که درمانگاه‌های ما بتوانند حدود شصت و پنج هزار نفر را در طول یک سال بپذیرند. درمانگاه‌ها خیلی فعال هستند و خیلی خوب کار می‌کنند. تخصص‌های زیادی هم داریم برای کودکان، زنان، عمومی، دندانپزشکی، فیزیوتراپی، چشم‌پزشکی و در هر کلینیکی آزمایشگاه هم هست. این برنامه‌ها هست و همه فعالیت کنند.

یکی دیگر از فعالیت مؤسسه رسیدگی به خانم‌هایی است که شوهران‌شان را در جنگ‌های اسرائیلی از دست داده‌اند از این‌ها که دام یعنی گاو و گوسفند دارند شیر می‌خریم و به اینجا می‌آوریم و با دستگاه‌های خاص آنها را آزمایش می‌کنیم و استرلیزه می‌کنیم بعد به ماست چکیده و دوغ و یا شیرینی تبدیل می‌کنیم و بسته‌بندی می‌کنیم و در جایی دیگری می‌فروشیم و درآمد این فروش‌ها به همین خانم‌ها برمی‌گردد تا این خانم‌ها بتوانند زندگی‌شان را اداره کنند.

رستورانی داریم به نام شواطینا که این هم از کارهای مؤسسه است که درآمد آن هم برای مؤسسه است و دخترهایی که اینجا هتل‌داری می‌خوانند، آنجا کار می‌کنند و دوره می‌بینند یعنی هم دوره می‌بینند و هم کارمند می‌شوند. در اینجا کارهای زیادی می‌شود که نمی‌شود همه آنها را گفت و باید با مراجعه حضوری و بازدید از مجموعه آنها را درک کرد. شاید هر روز ده‌ها نفر به ما مراجعه می‌کنند و مشکلات دارند ما این مشکلات را بررسی می‌کنیم و به آنها کمک می‌کنیم.

* این مصاحبه به زبان عربی انجام شده و توسط موسسه امام موسی صدر در تهران ترجمه شده است.

۱. در مورد فعالیت‌های مؤسسه در لبنان توضیح دهید.

خدمات اجتماعی که من دارم همه مربوط به مؤسسات امام موسی صدر است و به همت و با اقدام ایشان آغاز شد البته شاید در ابتدا بزرگ نبود و قدم به قدم شکل گرفت اما شکی نیست که این مؤسسات توانست کمک بسیار وسیعی به جامعه شیعیان بکند. من افتخار داشتم بخشی که به خانم‌ها و دخترها اختصاص دارد را اداره کنم. شاید نزدیک به چهل سال است که این برنامه اداره می‌شود هزاران دختر یتیم و فقیر از مدرسه ما فارغ‌التحصیل شدند و به دانشگاه رفتند و فعال شدند و الان در جامعه حضور دارند، شاید بتوانم بگویم بهترین پرستارهای بیمارستان‌های لبنان فارغ‌التحصیل مدرسه ما هستند. آموزشگاه حرفه‌ای ما بسیار مهم است کسانی که از این آموزشگاه‌ها فارغ‌التحصیل می‌شوند یا در مؤسسه خود ما کار می‌کنند و یا در خارج از مؤسسه با استقبال اینها را می‌پذیرند.

در مؤسسه ما چندین مدرسه است که همه فعال هستند و کار می‌کنند کودکان و مدرسه داریم، مرکزی هست به نام Special Education که مخصوص بچه‌هایی است که مشکل آموزشی دارند، یک آموزشگاه عالی پرستاری چندین سال است که فعال است. در بخش‌های حرفه‌ای آموزش آشپزی، خیاطی، گلسازی کودک‌یاری ارائه می‌دهیم. بخشی داریم به نام Social Work یعنی مددکاری اجتماعی که بخش بسیار فعالی است و خیلی از این بخش استقبال شده است.

ما هم دوره راهنمایی داریم و هم دوره نظری و همه اینها مدارک‌شان را از دولت می‌گیرند و اگر خواسته باشند می‌توانند به دانشگاه بروند و اگر نخواسته باشند می‌توانند با همین مدارک کار کنند. ده درمانگاه وابسته به مؤسسه در کل جنوب لبنان داریم. هشت درمانگاه ثابت و دو درمانگاه سیار است. یکی از آنها چشم‌پزشکی است و دیگری General Health که مربوط

و گاه مشارکت در فعالیت‌ها اقتصادی خرد اما مفید است.

مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای

هدف این مرکز ارتقاء سطح دانش فنی و آموزش مهارت‌های حرفه‌ای و عمومی به شیعیان است تا بتوانند در حوزه‌های کاری مختلف جامعه حضور فعالانه و مفید داشته‌باشند و عقب‌ماندگی تحمیل شده را جبران کنند و اعتمادبه‌نفس بیابند.

آموزش‌شکده پرستاری

هنرجویان این مراکز پس از پایان دوره تحصیلی، به اخذ دیپلم فنی پرستاری (BT و یا مدرک عالی پرستاری (TS) نایل می‌گردند که اعتبار جهانی دارد. تاکنون ۶۸۱ پرستار از آن فارغ‌التحصیل شده و به سرعت در مناطق مختلف جذب بازار کار شده‌اند. اکنون این مرکز با نسبت قبولی ۱۰۰ درصد موفق به کسب دیپلم افتخار از سازمان فنی و حرفه‌ای لبنان گردیده‌است.

آموزش مهارت‌های اجتماعی (مددکاری)

اعطای دیپلم فنی بهیاری (TS) و مدرک عالی حرفه‌ای (BT) بر اساس برنامه آموزشی ویژه مرکز که مبتنی بر علم و ایمان و توأمان است.

دوره‌های فشرده آموزش مهارت‌های شغلی در این دوره فشرده ۹ ماهه که از سال ۱۹۷۷ شروع شده، و به آموزش دختران بالای ۱۶ سال اختصاص دارد، مهارت‌های مختلفی همچون منشی‌گری، آرایش‌گری، کودک‌یاری، گلکاری و باغبانی، هتل‌داری، ... آموزش داده می‌شود. دختران آموزش دیده از این طریق می‌توانند در بازار کار اشتغال یابند و با کسب درآمد به سید هزینه‌های خانواده خود کمک کنند و از فشار محرومیت خود و خانواده خویش بکاهد.

برنامه‌های آینده

شورای مرکزی موسسات امام صدر در نظر دارد در آینده نزدیک، علاوه بر پیگیری و گسترش برنامه‌های پیشین، طرح‌های جدیدی را آغاز کند که مهمترین آنها عبارتند از:

طرح توسعه اقتصادی و شغلی مراکز کشاورزی جنوب

طرح ارتقاء سطح بهداشت و درمان در مناطق جنوبی از طریق ایجاد سامانه اطلاعاتی پیشرفته طرح رسیدگی به وضعیت زنان در مناطق جنوبی طرح «راهنمای خانواده» و آموزش همه

جانبه به خانواده‌های نوپا طرح گسترش مددکاری اجتماعی و آموزش مددکاران زن

انجمن خیریه موسسات امام موسی صدر - تهران این انجمن با هدف اعتلای سطح فرهنگی اجتماعی جامعه و همکاری و همفکری با موسسات لبنان و مراکز مشابه تأسیس شد و در حال حاضر هم خود را صرف توسعه تفاهم اجتماعی و ترویج فرهنگ گفتگو در جامعه ایران کرده. این انجمن، به همین منظور اقدام به طراحی، برنامه‌ریزی و اجرای کارگاه‌های «آشنایی با گفتگو» و «توانمندسازی والدین با تکیه بر قواعد گفتگو» کرده‌است. ■



مدرسه عشق درباره جامعه فرهنگی یابری



جامعه یابری فرهنگی، موسسه خیریه‌ای است که سنگ بنای آن در سال ۱۳۶۵ توسط گروهی متشکل از افراد مختلف از ادیان و مذاهب متنوع شکل گرفت. جرقه تأسیس این موسسه در سال ۱۳۶۲، زمانی که محروم مجتبی کاشانی سراینده‌ی شعر «هم‌شاگردی سلام»، از سر اتفاق به جنوب خراسان سفر می‌کند تا در همایشی مدیریتی در بیرجند سخنرانی کند، زده می‌شود. او طی بازدیدی که به همراه همایون حاجی‌خانی و نیکول فریدینی (عکاس مشهور ایرانی)، عثمان محمد پرست (دوتار زن مشهور و نوازنده قطعه نوایی) از منطقه خراسان جنوبی داشت، تحت تأثیر فقری که به چشم می‌بیند شعری به نام «سفرنامه‌ی خوف» می‌سراید. شنیدن این شعر عده‌ی زیادی از مهندسان همکار را در سمینار به گریه می‌اندازد. پس شاعر، که خود بیش از همه متأثر شده، تصمیم می‌گیرد به مناطق محروم‌تر سفر کند. در این سفرها، صحنه‌هایی می‌بیند که برای مسافران روستاهای جنوب خراسان دور از ذهن نیست: خانه‌های بدون برق، کودکان بدون کفش، بزرگسالان معتاد، مردمی که بر اثر زخم معده یا حتی آب مروارید می‌مردند. دیدن این وقایع تلخ موجب می‌شود، این گروه همسفر تصمیم بگیرند «کاری بکنند». جماعتی که راه را با شعر کاشانی و دوتار عثمان محمدپرست طی کرده بودند، برای جمع‌آوری پول به قصد انجام دادن کاری در جنوب خراسان صندوق خیریه‌ای تأسیس می‌کنند. مشکلات منطقه به حدی زیاد بود، که این گروه تصمیم می‌گیرد، فقط روی یکی یا دو موضوع خاص تمرکز کند و توافق می‌کنند تا به سراغ نیازهای آموزشی، و در درجه اول به سراغ مدرسه‌سازی می‌روند. نکته جالب توجه این است که بنیان‌گذاران موسسه خیریه یابری، هیچ یک دارای سرمایه مالی زیاد و ثروت فراوان نبودند، اما آنچه در بین آنها شاخص و ممتاز بود، سرمایه اجتماعی فوق‌العاده قوی بود، که هر یک از افراد حاضر در گروه به نحوی بر تقویت آن می‌افزود. حلقه جامعه یابری توانست از این ثروت اجتماعی خود استفاده نماید و یاوران بیشتری را به جمع خود اضافه نماید و حلقه یابری را بگستراند، به حدی که بعدتر، افرادی همچون سیاوش کسرابی (نقاش)، محمدرضا شجریان، پرویز کلانتری، رسام عرب‌زاده، غلامحسین امیرخانی، یدالله کابلی، و بسیاری دیگر به این جمع پیوستند. در حال حاضر مهندس حسن ماهوتچیان مدیر عامل این مجموعه هستند و در کنار سایر اعضای هیأت مدیره، برای بقا، و توسعه جامعه فرهنگی یابری تلاش می‌کنند.

از اولین نوآوری‌های حلقه یابری، تأمین منابع مالی این موسسه بوده است. سیاوش کسرابی، هنرمندی بود که بخشی از تابلوهایش را به انجمن بخشید تا با فروش آنها مدرسه‌ای ساخته شود. جالب آن که خود چنان در مضیقه بود که به خاطر خانه به دوشی‌های مکرر حتی مجبور شد سبک هنری‌اش را به آبرنگ تغییر دهد؛ چون که نقاشی رنگ و روغن فضای مناسب‌تری نسبت به آبرنگ احتیاج دارد. چنانچه به فرایند تأسیس و راه‌اندازی موسسه خیریه جامعه یابری

با دقت بیشتری بنگریم، متوجه می‌شویم که شاید یکی از مهمترین عوامل موثر در این فرآیند حضور مرحوم مجتبی کاشانی بوده است. او مدیری توانمند بود که در شرکت سایپا به فعالیت مشغول بود و در نوشته‌هایش برای بیان مفاهیم موردنظر خود از جمله مدیر فیلسوف گاهی از ابزار طنز و کنایه استفاده می‌کرد. به عقیده او اگرچه موسسات اقتصادی و صنعتی برای مقاصد مادی تشکیل می‌شوند و نباید آنها را با موسسات خیریه اشتباه گرفت اما در صورت اولویت دادن سود شخصی بر منافع جامعه، نتیجه عملکرد آنها سود سوزآور خواهد بود. در حالی که حاصل کار مدیر فیلسوفان به علت داشتن رسالت‌های انسانی و اجتماعی نظیر رفاه جامعه، محیط زیست و تأمین عدالت سوز سودآور است. تولید گروه اول از نظر او تولید اندوه به جای تولید انبوه است. مجتبی کاشانی در سمینارهایش نیز حال و هوای دیگری را خلق می‌کرد. سمینار نقش دل در مدیریت برای هر شرکت‌کننده‌ای در بادی امر تا حدودی متفاوت و غیرمنتظره می‌نمود. او در سال ۱۳۲۷ در مشهد متولد شد. سال‌ها مدیر مجموعه‌های تولیدی و صنعتی بود. علاقه‌اش به مردم شوق هم‌آوایی و همدردی با مردم خوف را در او شعله‌ور کرد. در سال ۱۳۶۵ در سمینار بررسی عوامل محرومیت‌های جنوب خراسان شرکت کرد و در آنجا تصمیم مهمی گرفت. آستین همت را بالا زد و جامعه یابری را بنا نهاد. طرح‌های عمرانی و خدمات پزشکی زیادی را اجرا کرد و در سال ۱۳۷۳ تعبیر رویاهایش را در شعری به همین نام به شوق ایجاد یکصد و دهمین مدرسه در روستاهای جنوب خراسان سرود. بعد از تأسیس این موسسه، به صورت افتخاری مشاور سازمان‌های عصای سفید، ناشنوایان، محک و خانه سالمندان کهریزک بود.



مجال

در مجالی که برایم باقی ست، باز همراه شما مدرسه‌ای می‌سازم
 که در آن همواره اول صبح به زبانی ساده مهر تدریس کنند
 و بگویند خدا خالق زیبایی و سراینده عشق و آفریننده ماست
 مهربانی است که ما را به نکویی، دانایی، زیبایی و به خود فرامی‌خواند
 جنتی دارد نزدیک، زیبا و بزرگ
 دوزخی دارد به گمانم کوچک و بعید
 در پی سود نیست که ببخشد ما را
 در مجالی که برایم باقی است باز همراه شما مدرسه‌ای می‌سازم
 که خرد را با عشق، علم را با احساس، ریاضی را با شعر و هین را با عرفان
 همه را با تشویق تدریس کنند
 لای انگشت کسی قلمی نگذارند و نخوانند کسی را حیوان و نگویند کسی را کودن
 و معلم هر روز روح را حاضر و غایب بکند
 و به جز نمایش هیچ کس چیزی را حفظ نباید بکند
 مغزها پر نشود، انبار قلب خالی نشود از احساس
 درس‌هایی بدهند که به جای مغز، دل‌ها را تسخیر کنند
 از کتاب تاریخ، جنگ را بردارند و در کلاس انشاء هر کسی حرف دلش را بزنند
 غیر ممکن را از خاطره‌ها محو کنند تا کسی بعد از این همواره باز نگوید «شیرکزی»
 و به آسانی هم‌رنگ جماعت شود
 زنگ نقاشی تکرار شود، رنگ را در پاییز تعلیم دهند
 قطره را در باران، موج را در ساحل، زندگی را در رفتن و برگشتن از قله کوه
 و عبادت را در خدمت خلق، خار را در کنده و طبیعت را در چنگل سیخ
 مشق شب این باشد که شبی چندین بار با هم تکرار کنیم:
 عدل، آزادی، قانون، شادی

«زننده یاد مجتبی کاشانی»

www.yavari.ir *



موسسه رحمان رشد، حمایت، اندیشه

و پیشنهادات اجرایی از پشتوانه مطالعاتی و تحلیلی مناسبی برخوردار است.

این موسسه گروه‌های آسیب‌پذیر و آسیب دیده اجتماعی با الویت کودکان و نوجوانان، جوانان و زنان را مورد هدف قرار داده است. رویکردهای موسسه در تمامی فعالیت‌ها عبارتست از:

- زمینه‌سازی، ترویج، حمایت
 - نگاه علمی، محققانه و کارشناسانه
 - پیشگیری و آینده‌نگری
 - بومی کردن دستاوردها و تجربیات جهانی
 - مشارکت جویی با تکیه بر همیاری‌های مردمی و تعاون همگانی
 - تأکید بر دستاوردها و توانمندی‌های داخلی و خارجی
 - فراگیری و آموزش
 - اصلاح همزمان نگرش‌ها، ساختارها و رفتارها
- موسسه رحمان راهبردهای اصلی خود را در ده سال آینده، شبکه‌سازی متناسب با ظرفیت‌های موجود، ظرفیت‌سازی جدید و تکمیل حلقه‌های مفقوده، همکاری و مشارکت در ارتقای مدیریت ملی و نقش مؤثر نهادهای مدنی، حمایت از آسیب‌دیدگان با تأکید بر مشارکت بخش غیردولتی، توانمندسازی کاربران و مخاطبان و تجهیز موسسه تعیین کرده است.
- منابع و درآمدهای موسسه از طریق کمک‌ها، موقوفات، وجوه نقدی و اموال منقول و غیرمنقولی است که از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی به موسسه اهدا می‌شود. ■

www.rahman.org.ir

رحمان، موسسه‌ای غیر دولتی و غیرانتفاعی است که برای انجام فعالیت‌های خیرخواهانه اجتماعی با رویکردی علمی و فرهنگی آغاز به کار کرده است. مؤسسه علمی، اجتماعی، فرهنگی «رحمان»، بر پایه احساس مسئولیت انسانی - اسلامی تنی چند از اساتید متعهد دانشگاهی و همچنین متخصصین و پژوهشگران جامعه‌شناس و با هدف کمک به «رشد» انسان‌ها و «حمایت» از آسیب‌دیدگان و نیز ارتقاء «اندیشه» جامعه شکل گرفته است. در این موسسه دکتر مصطفی معین رئیس هیأت مدیره، و مهندس محمدتقی صالحی به سمت مدیرعامل مؤسسه هستند.

دفتر اصلی این موسسه در تهران است و در اساسنامه و آیین‌نامه‌های ظرفیت مناسبی برای ایجاد شعب و یا نمایندگی‌های آن در داخل و خارج از کشور دیده شده است.

اهداف مؤسسه رحمان عبارتند از: کمک به ارتقای اخلاق در جامعه، کمک به گسترش عدالت اجتماعی، شناسایی و رفع موانع پیش‌روی عزت و کرامت انسانی، کمک به ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی و اعتلای اعتماد میان دولت، مردم و نهادهای مدنی، کمک به تقویت انسجام ملی، فرهنگی و اسلامی، مبارزه با فقر و محرومیت، تبعیض و بی‌عدالتی، خشونت و تجاوزه، بزهکاری و فساد، قانون‌گریزی و مسئولیت‌ناپذیری، کمک به کنترل آسیب‌ها و سالم‌سازی محیط اجتماعی

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد رحمان، نسبت به سایر موسسات غیرانتفاعی مشابه خود، برخورداری از برنامه استراتژیک و چشم‌انداز واضح و روشن این موسسه است. از آن‌جا که این موسسه توسط افرادی راه‌اندازی شده که عموماً دارای رویکردی علمی هستند، کلیه برنامه‌ها

از این ره ارزش والا گرفتم

بستری برای تسهیل حرکت فرهنگ سازان جامعه می‌دانند. و به گسترش فعالیت‌های کانون در زمینه‌های فرهنگ‌سازی دینی، اجتماعی، صنعتی، اقتصادی و... می‌پردازند. آنان با دعوت از مراکز آموزشی، متولیان صنعت و بازار، انجمن‌های صنعتی و صنفی، دانشگاهیان و استادان برای استفاده از امکانات کانون می‌کوشند تا درآمدهای کانون را افزایش دهند و آن را صرف توسعه و تجهیز بیشتر امکانات آن نمایند، تا راه پدر بزرگوارشان را همچنان ادامه دهند. ■

ز دنیا جستم و عقبی گرفتم
در این کهنه سرا ماوا گرفتم
بساط عیش برچیدم از این دیر
بساط عیش آن دنیا گرفتم
شدم آسوده از فکر زمانه
حقیقت راه آن مولا گرفتم
نیستم دل در این چرخ و بساطش
شدم خالص ره بالا گرفتم
به امید خلائق پشت کردم
همه از خالق یکتا گرفتم
گدایی کرده از دریای جودش
از این ره ارزش والا گرفتم
بدادم آن دل شاد دل افروز
یکی دادم ولی صدها گرفتم
بود انصاری اندر راه خالق
که هر چه هست از او تنها گرفتم
حاج محمد حسین جابر انصاری،
موسس کانون اسلامی انصار

۱۳۵۷ مرحوم انصاری فعالیت‌های اجتماعی خود را گسترش داده مبادرت به تأسیس کانون اسلامی انصار نمود. وی بر این باور بود که انسان و به تبع آن جامعه، برای رشد و تکامل خود باید حول سه محور علم، تلاش و معنویت کوشا باشد. از این رو مأموریت کانون را فعالیت در امور عام‌المنفعه با هدف ساخت و ساز و تجهیز کتابخانه‌های عمومی و تخصصی، مراکز فرهنگی و نشر فرهنگ و معارف اسلامی برشمرد. تأسیس اماکن فرهنگی، آموزشی، مذهبی، درمانی و خیریه عام‌المنفعه از جمله تأسیس چهار واحد کتابخانه عمومی در تهران و اصفهان، ۱۳۴ باب کتابخانه مسجدی در روستاهای کشور، چندین باب دبستان، مدرسه راهنمایی و دبیرستان، همچنین مشارکت در ساخت مسجد امیر (ع)، حسینیه دماوند، صندوق قرض الحسنه و کتابخانه عمومی بنی فاطمه (س) و چندین مرکز خیریه عمومی از دستاوردهای این کانون است.

اولین کتابخانه کانون در سال ۱۳۶۰ در خیابان پیروزی تهران به بهره‌برداری رسید، این کتابخانه که مورد استقبال دانش‌آموزان و دانشجویان واقع شده است دارای امکاناتی چون سالن‌های چندمنظوره و تالار اجتماعات است و کلاس‌های آموزشی متنوعی در آن برگزار می‌شود.

در آخرین ماه سال ۱۳۸۰، مرحوم جابر انصاری به دیار باقی شتافت، اما خانواده آن مرحوم همچنان فعالیت‌های صنعتی و اجتماعی وی را زنده و پویا نگه داشته‌اند در تداوم راه وی می‌کوشند، آنان در کانون اسلامی انصار خود را به مثابه واسطه، کارگزار و

بیش از ۳۰ سال است که کانون اسلامی انصار به عنوان موسسه خیریه خصوصی (NGO) در ایران فعالیت می‌کند. حاج محمد حسین جابر انصاری موسس این کانون در سال ۱۳۰۳ در خانواده‌ای متدین در تهران متولد شد، او که در سنین نوجوانی پدرش را از دست داد، همدوش برادران و به موازات تحصیل وارد عرصه کار و تلاش شد. او در دوران نوجوانی در زمینه صنایع کوچک و متنوعی چون نشان‌سازی، ورشوسازی، لوسترسازی، تولید سمپاش، قطعات موتورسیکلت، قفسه پیچ و مهره، سماور، پروفیل در و پنجره، لوله و... وارد شده و به موفقیت رسید. رفته‌رفته و با گذر از صنایع تولیدی کوچک، افکار پویا و ذهن جستجوگر او انگیزه پایه ریزی صنایع بزرگ‌تر را در وی ایجاد کرد و در همین راستا در سال ۱۳۳۷ شمسی مبادرت به تأسیس شرکت صنعتی دژباد با زیرمجموعه‌های صنایع فلزی سبک با تولید انبوه نمود. تأسیس شرکت گروه صنعتی سپاهان با زیرمجموعه‌های تولیدی آن نیز برخاسته از تفکر، تلاش و همت این مرد بزرگ است که دستاوردهای ارزشمندی را در فناوری و خلاقیت به ارمغان آورده و زمینه اشتغال هزاران نفر را فراهم ساخته است. وی در شکل‌گیری اتحادیه‌ها، سندیکاها، انجمن مدیران صنایع و تشکل‌های صنعتی نیز حضوری سازنده داشت و برای اعتلا و احیای صنعت نوین کشور و صعود به جایگاه واقعی آن همواره در تلاش بود. پس از کسب موفقیت‌های درخشان در حوزه صنعت و کارآفرینی اقتصادی، در خردادماه سال



مدیر عامل موسسه اجتماعی فرهنگی یاس

گفتگو با خانم فریده فضل



موسسه اجتماعی فرهنگی یاس، ۱۰ سال است که تلاش خود را برای بهبود وضعیت فرهنگی و معیشتی دختران جوان آغاز کرده است. این موسسه که به همت جمعی از زنان پر انگیزه و نیکوکار فعالیت خود را آغاز نمود، تاکنون توانسته است بیش از ۱۵۰ خانوار را از خدمات خود بهره‌مند سازد. گفتگویی با خانم فریده فضل مدیرعامل این موسسه صورت گرفته که در ادامه آمده است:

زهرا عمرانی

با سلام و تشکر از قبول زحمت، لطفاً خودتان را معرفی کنید.

کسب و کار اصلی من اداره شرکت کارتون سازی تجارت شایان است، پدرم موسس شعبه مرکزی این شرکت در مشهد بود و من نیز شعبه تهران این مجموعه را اداره می‌کنم. از آنجا که در کنار کار اقتصادی فعالیت اجتماعی و فرهنگی نیز لازمه حیات هر فرد است، از ابتدای تاسیس به عنوان مددکار اجتماعی با موسسه یاس همکاری می‌کردم و اکنون بیش از یک سال است که در سمت مدیریت عامل در این موسسه فعالیت می‌کنم.

موسسه یاس با چه هدفی تاسیس شد و مخاطبان شما در این موسسه چه کسانی هستند؟
این موسسه در سال ۱۳۷۸، با هدف توانمندسازی دختران و زنان بی سرپرست و یا فاقد سرپرست موثر شکل گرفت. انگیزه اصلی هفت نفر موسس اولیه این بنیاد، انجام فعالیت‌های عام‌المنفعه برای ارتقاء سطح فرهنگی و آموزشی دختران بوده است. جامعه مخاطب ما دختران ۱۵ تا ۲۵ سالگی هستند که در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که پدر از عهده سرپرستی خانوار بر نمی‌آید و سرپرستی خانواده با مادر است. در حال حاضر ۱۵۳ خانواده که در کل شامل ۲۶۳ نفر می‌شوند تحت پوشش موسسه ما هستند.

فعالیت‌های شما در موسسه یاس چیست؟
کار اصلی ما در این موسسه ارائه مشاوره‌های تحصیلی به دختران و زنان است. در واقع تکیه اصلی ما بر ارتقاء وضعیت تحصیلی دختران مان است و سعی می‌کنیم ضمن حفظ احترام بچه‌ها، با مدارس‌شان در تماس بوده و از وضعیت درسی آن‌ها مطلع شویم. چراکه در شرایط خاصی که مددجویان ما دارند، اغلب خانواده‌ها پیگیر امور

کمک‌مالی می‌کند

مددجوها چگونه از فعالیت‌های شما باخبر می‌شوند؟

در ابتدای فعالیت، خودمان به مدارس جنوب شهر مراجعه می‌کردیم و از اولیاء مدرسه می‌خواستیم افرادی را که واجد شرایط هستند به ما معرفی کنند. اکنون تا حدودی شناخته شده‌ایم و دختران و زنان متعددی به ما معرفی می‌شوند. به عنوان مثال چند سال پیش با خانواده‌های آشنا شدیم که پدر خانواده معتاد بود و مادر را هم به اعتیاد کشانده و قصد داشت تا دو دخترش را نیز به مسیر غیر اخلاقی وارد کند. با تلاش‌های وکیل ما مادر توانست از پدر جدا شده و اعتیادش را ترک کند، دخترها نیز وارد دانشگاه شده و لیسانس گرفتند و هم اکنون به عنوان همکاران قابل اعتمادی با ما همکاری می‌کنند. چنین مواردی که از خیرین به ما معرفی می‌شوند زیاد است.

برای آینده چه برنامه‌هایی دارید؟

همانطور که اشاره کردم، هدف اولیه ما کمک به رشد آموزشی دختران بود، اما رفته‌رفته متوجه شدیم بدون توجه به شرایط اقتصادی خانواده و به خصوص مادران نمی‌توانیم به اهداف خود دست یابیم. از این رو در حال حاضر فعالیت‌های بخش پزشکی را به دو حوزه پیشگیری و درمان توسعه داده‌ایم و در بخش پیشگیری قصد داریم فعالیت‌هایمان را بر روی مادران متمرکز کنیم و دوره‌های آموزشی گروهی برای آنان برگزار نماییم. در این زمینه گروهی از روانپزشکان سرشناس با ما همکاری می‌کنند و تا کنون سه دوره برگزار کرده‌ایم که به شدت مورد استقبال مادران واقع شده است و امیدواریم بتوانیم این دوره‌ها را افزایش دهیم.

با تشکر و به امید موفقیت روزافزون

تحصیلی دختران‌شان نیستند. از آنجا که برای پیشبرد امور تحصیلی نمی‌توان به امور دیگری از جمله وضعیت اقتصادی خانواده بی توجه بود، کمک به وضع معیشتی خانواده‌ها نیز از دیگر فعالیت‌های این موسسه است. در کنار امور تحصیلی و آموزشی، موسسه ما در حوزه‌های دیگری چون مددکاری و مشاوره خانوادگی، مشاوره حقوقی، مشاوره‌های پزشکی و روانپزشکی و درمان پزشکی نیز فعالیت می‌کند. در چند مورد هم با همکاری کمیته امداد برای مددجوها خانه خریدیم.

استراتژی‌های درآمدزایی شما در این موسسه چگونه است؟

در واقع تنها منبع درآمد این موسسه حامیان خیر هستند. موسسه یاس درآمدی ندارد، اما تمام تلاش‌ش را می‌کند تا امکانات را به صورت رایگان برای مددجویان فراهم کند. در این راستا با برخی موسسات آموزشی بیرونی تفاهم نامه‌هایی داریم که بر مبنای آن از افرادی که ما به آن‌ها معرفی می‌کنیم رایگان و یا با نصف قیمت ثبت نام می‌کنند. به عنوان مثال موسسه زبان کیش برای ثبت نام از بچه‌های ما سهمیه ویژه‌ای در نظر گرفته، موسسه آموزشی قلمچی نیز امکانات بسیاری در اختیار ما می‌گذارد. پزشکان بسیاری هستند که به صورت داوطلبانه با ما همکاری می‌کنند و حتی در مواردی بچه‌های ما را رایگان تحت عمل جراحی قرار داده‌اند. و یا روانپزشکان متبحری که دوره‌های رایگان آموزشی برای مددجویان برگزار می‌کنند. در واقع قریب به ۲۰ نفری که در موسسه فعالیت می‌کنند به طور داوطلبانه با ما همکاری دارند. از طرفی موسسه با بخشی از کمک‌های خیرین، مقداری اوراق بهادار خریداری کرده، که از سود آن هزینه دو کارمند تمام وقت خود را می‌پردازد، و در موقع نیاز به خانواده‌های

بنیاد نیکوکاری مهر تهران

روحیه‌ای را که موسسه بر مبنای آن شکل گرفته تبیین نماید. امیدبخشی به زنان و ایجاد عزت نفس در آنان از طریق فراهم آوردن امکان استقلال اقتصادی و مالی برای آنان مأموریت اصلی این بنیاد است و در این زمینه تاکنون فعالیت‌های متعددی انجام داده است. ارائه وام‌های خرد برای راهاندازی کسب‌وکارهای کوچک، برگزاری دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای و مهارت‌آموزی، اعطای وام‌های تحصیلی و ... از جمله فعالیت‌های این موسسه است. این موسسه در راستای اهداف و فعالیت‌های خود توانسته است تا با به‌کارگیری نیروهای متخصص و داوطلب به روش‌های مختلف، امکان زندگی بهتر را برای صدها زن سرپرست خانوار فراهم آورد. منصوره خلیلی در این زمینه می‌گوید: «ما به زنان وام‌های کوچک می‌دهیم که به آن‌ها کمک می‌کند در زمینه‌ی مهارت‌ها و قابلیت‌های خود شروع به کار کنند، مثل نانواپی، دوخت مکتعه، آرایشگری و نظایر آن. برای مثال، «خورشید خانم» از روستایی در منطقه‌ی دماوند در شمال تهران، از بدرفتاری‌های خشونت‌بار شوهر خود گریخت و به سازمان ما برای دریافت کمک مراجعه کرد. من از او پرسیدم چه کاری بلد است بکند، او گفت در خیاطی و بافتنی و آرایشگری مهارتی ندارد اما می‌تواند نان بپزد. ما برای او تنوری تهیه کردیم، و حالا او نان تمام روستا را تامین می‌کند و به شوهرش وابسته نیست.» ارائه مشاوره‌های خانوادگی، تحصیلی و کاریابی همچنین از دیگر فعالیت‌های این بنیاد است. علاوه بر خیرین فردی و برگزاری بازارهای خیریه سالانه و ... گروه صنعتی بوتان از جمله حمایت‌کنندگان مالی و خدماتی این مجموعه است که از طریق اعطای وام به زنان سرپرست خانواده و تهیه ابزار کار برای آنان به گسترش فعالیت‌های این موسسه کمک کرده است.

بنیاد نیکوکاری مهر تهران ده سال پیش تاسیس شد. موسس این بنیاد خانم منصوره خلیلی در اسفندماه سال ۱۳۰۲ متولد شد. وی که اولین فرزند شیخ محمود خلیلی موسس شرکت گاز بوتان است در سال‌های پایانی حیات پدر به جمع دست‌اندرکاران شرکت بوتان پیوست و هم‌اینک عضو هیات مدیره این شرکت است. منصوره که از دوران کودکی به فعالیت‌های بشردوستانه و عام‌المنفعه علاقمند بود به زودی دریافت که در قالب فردی قادر نخواهد بود تا منابع و امکانات لازم برای پیش برد اهداف بلندپروازانه اجتماعی‌اش را فراهم کند. او از همان دوران از دغدغه‌های اجتماعی‌اش با دوستان و اطرافیان سخن می‌گفت و می‌کوشید تا با تشکیل جمع‌های چند نفره امکانات و منابع لازم برای اجرای ایده‌هایش را مهیا نماید. رفته‌رفته کلیه زمینه اصلی فعالیت او در حوزه زنان و مسائل مربوط به آنان متمرکز شد و وی در صدد تاسیس نهادهی منظور برآمد. بنیاد نیکوکاری مهر تهران در سال ۱۳۷۸ و با هدف رشد اقتصادی زنان، به همت منصوره خلیلی تأسیس شد. بنیان‌گذاران این موسسه بر این باورند که نام این بنیاد با تکیه بر دو معنای کهن «مهر» در تاریخ ادبیات ایران به معنای آفتاب و مهربانی به بهترین نحو می‌تواند

مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد



دریافت زمین آغاز گردید و با آماده شدن سقف اولین طبقه در سال ۱۳۷۲، مجتمع به ساختمان فعلی نقل مکان کرد و با پنج کار آموز شروع به کار نمود. امروز پس از طی ربع قرن بیش از پنج هزار نفر در آموزش های رعد شرکت کرده و تعداد زیادی از آنان در تهران و یا سایر شهرستان ها مشغول به کار هستند. ساختمان فعلی

مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد در سال ۱۳۶۳ با هدف ارائه خدمات آموزشی و حمایتی به معلولین جسمی - حرکتی جهت اتکاء بیشتر به خویشتن و حضور موثر و فعال در اجتماع به عنوان یک سازمان غیر دولتی (NGO) تاسیس شد.

مجتمع رعد آموزش را به عنوان ابزاری موثر و مفید سرلوحه فعالیت های خویش قرار داده و معتقد است، برای ارتقاء توانائی های توان یابان هیچ راه کاری بهتر از آموزش نمی باشد. در بیش از دو دهه فعالیت مستمر در مجتمع رعد، بیشترین بودجه، وقت و انرژی صرف ارائه آموزش با کیفیت و کمیت مناسب به توان یابان شده است. در کنار آموزش و مشاوره شغلی و کاربایی، خدمات توان بخشی شامل فیزیوتراپی، کاردرمانی، گفتاردرمانی و مشاوره نیز به کارآموزان ارائه می شود. همچنین واحد مددکاری در جهت حل مشکلات توان یابان فعالیت می نماید. اسم رعد از نام سیزدهمین سوره قرآن (رعد) گرفته شده و با ایمان به آیه یازدهم از این سوره معنایی دو چندان یافته است

ترجمه آیه: «خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند»

مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد به همت تعدادی از مهندسیین مسلمان علاقمند به خیر و خدمت با هدف ارائه آموزش های فنی و حرفه ای ویژه معلولین و جانبازان در سال ۱۳۶۳ با پنج کارآموز در دو اطاق فعالیت خود را آغاز نمود و حدود ۶ سال در زیرزمین مرکز نایبانیان ابابصیر در خیابان قزوین به فعالیت خود ادامه داد.

ساختمان فعلی با فعالیت بنیان گذاران رعد برای



مجتمع با امکانات رفاهی ویژه هر گونه معلولیت های جسمی حرکتی طراحی گردیده است و دارای زیربنا ۴۲۰۰ متر مربع در یک قطعه زمینی به مساحت ۲۷۰۰ متر مربع می باشد.

منابع رعد از محل کمک های مردمی و حمایت های افراد نیکوکار اداره می شود. برخی فعالیت های درآمدزا از قبیل برگزاری بازارهای خیریه و مراسم فرهنگی توسط گروه همیاری بانوان و جوانان رعد انجام می شود در ارائه این خدمات هیچ گونه تبعیضی به دلایل نژادی، سیاسی عقیدتی، فرقه ای، جنسیتی، رنگ پوست و ملیت قومی در مورد کارآموزان قابل نمی شود.

سیاست گذاری در چهارچوب خط مشی هایی که براساس مواد منشور رعد اتخاذ می گردد از سوی هیئت امناء مرکب از ۲۳ نفر از افراد خوشنام و سرشناس، تعیین و جهت اجرا به هیئت مدیره (هیئت مدیره و مدیر عامل و کارکنان تمام وقت) ابلاغ می گردد. (شامل ۵ نفر عضو اصلی و ۲ نفر عضو علی البدل که از بین اعضاء هیئت امناء می باشد برای مدت ۲ سال به این سمت انتخاب می شوند).

در مجتمع علاوه بر آموزش فنی حرفه ای خدمات زیر نیز ارائه می گردد.

توانبخشی، مددکاری و مشاوره شامل:

فیزیوتراپی

کاردرمانی

گفتاردرمانی

مدد کاری و مشاوره

سایر فعالیت ها:

برپایی مراسم به مناسبت های مختلف در طول

سال

بازدید از اماکن عمومی و مسافرت های یک روزه

سیاحتی و زیارتی

یک وعده غذای گرم (نهار)

سرویس ایاب و ذهاب از دو نقطه تهران بزرگ

(راه آهن و رسالت) کلیه خدمات فوق برای واجدین شرایط رایگان است

مجتمع رعد به عنوان یک نهاد خصوصی و غیر سیاسی در تاریخ ۵ فروردین ۱۳۷۶ (۲۴ مارس ۱۹۹۷) به عنوان عضو اداره روابط عمومی سازمان ملل متحد از جانب آن سازمان رسماً یک سازمان غیر دولتی NGO شناخته شد. همچنین این مجتمع از مراجع رسمی همچون سازمان بهزیستی کشور و سازمان آموزش فن و حرفه ای کشور (وزارت کار) مجوز فعالیت کسب کرده است.

کتابخانه مشارکتی رعد در سال ۱۳۸۱ با مساحت ۱۱۰ متر مربع با همکاری شهرداری تهران تاسیس شد. این کتابخانه در حال حاضر دارای بیش از ۱۲ هزار جلد کتاب است. تعداد اعضای کتابخانه حدود ۲۵۰۰ نفر می باشد که ۶۰ درصد از آنان را توان یابان تشکیل می دهند. کتابخانه همه روزه از ساعت ۸ صبح لغایت ۱۶ بعد از ظهر در اختیار اعضا است. این کتاب خانه عضو آزاد می پذیرد و کارآموزان از پرداخت حق عضویت معاف می باشند. موسسین و فعالان مجموعه رعد توانسته است در این ربع قرن به خوبی در راه توسعه و رشد موسسه خود قدم بگذارند و نام رعد را در بیش از ۱۴ شهرستان ایران به ثبت برسانند.



گزارش پنج همایش کارآفرینی زنان

احسان رشیدی

این حوزه بوده است. و تا کنون همایشهای ذیل را برگزار نموده است

۱. کارآفرینی زنان و چالشهای پیش رو (۱۳۸۳)
 ۲. راهکارهای توسعه کارآفرینی زنان (۱۳۸۴)
 ۳. کارآفرینی دانش آموختگان دانشگاهی (۱۳۸۵)
 ۴. کارآفرینی فرهنگی زنان (۱۳۸۶)
 ۵. کارآفرینی زنان صاحب صنعت و حرف (۱۳۸۷)
- امسال که ششمین همایش کارآفرینی زنان برگزار می شود بر آن شدیم تا گزارشی از پنج همایش پیشین ارائه دهیم.

انجمن زنان مدیر کارآفرین از بدو تأسیس به قصد توسعه شبکه زنان کارآفرین هر سال پیرامون یکی از محورهای مختلف کارآفرینی زنان همایشی در سطح ملی برگزار می کند. همچنین تلاش می کند تا بسته به شرایط اقتصادی و اجتماعی محیط، فتح بابی برای ایجاد بحث و مذاکره درباره مهمترین و یا جدیدترین مباحث مرتبط با این حوزه ها داشته باشد. انجمن زنان کارآفرین این افتخار را دارد که در سال ۱۳۸۳ نخستین همایش ملی زنان کارآفرین را برگزار نماید و از آن به بعد به عنوان مهمترین مرکز گردهمایی زنان کارآفرین سکان دار

ساز و کارهایی متناسب با آن می باشد.

موسسه نماکارنگ بودند.

توسعه کارآفرینی زنان و دختران دانشگاهی

خانم دکتر زهرا آراستی، مدیر پروژه کارآفرینی زنان دانشگاه صنعتی شریف، یکی از راههای حل معضل بیکاری در میان زنان تحصیل کرده را توسعه کارآفرینی در میان زنان و دختران دانشگاهی دانستند. ایجاد تفکر کارآفرینی و ورود به کسب و کار در میان بانوان کشور، خصوصاً دانش آموختگان دانشگاهی که با توجه به دانش و مهارتی که در رشته تخصصی دانشگاهی خود فراگرفته اند، امکان ایجاد کسب و کار به صورت فردی و یا گروهی در رشته تخصصی خود را دارند، باعث می شود که آنها با بهره گیری از استعدادهای بالقوه خود، افرادی خلاق، نوآور و کارآفرین شوند و خود را باور نمایند که این خودباوری نه تنها منجر به تسلط و موفقیت آنان در زندگی شخصی شان می شود، بلکه بسیاری از ناهنجاری های فکری و روانی که امروز با آن دست به گریبانند را کاهش خواهد داد و آنان را به جایگاه واقعی خود می رساند.

نقش خانواده

در توسعه کارآفرینی زنان ایرانی

در این مقاله، دکتر پروانه گلرد، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران جنوب)، به بررسی نقش خانواده در توسعه کارآفرینی زنان در زمینه های الگوی نقش، تضاد نقش و تعادل زندگی کاری و شخصی زنان کارآفرین پرداخته و با توجه به موانع موجود زنان کارآفرین، پیشنهادها و راهکارهای لازم را ارائه نمودند.

در این همایش که دبیری آن به عهده سرکار خانم فیروزه صابر بود، مقالات متعددی به دبیرخانه ارسال شد که از بین آنها، مطابق نظر کمیته علمی ۵ عنوان پذیرفته شدند. عدالت جنسیتی، حقوق و توانمندسازی زنان؛ کارآفرینی (دکتر نسرين جزینی)، توسعه کارآفرینی زنان و دختران دانشگاهی (دکتر زهرا آراستی)، تجربه کارآفرینی در کشور هند، همسویی بخش های دولتی و غیردولتی (مهندس مهتا وزوایی)، نقش خانواده در توسعه کارآفرینی زنان ایرانی (پروانه گلرد)، نقش حمایت های دولت در گسترش

کارآفرینی در میان زنان، مطالعه ی موردی: تعاونی های زنان استان مازندران (زهرا کریمی)، و جنسیت و کارآفرینی (سید جلال موسوی بازرگانی) از جمله مقالات پذیرفته شده در این همایش بودند. در این همایش، چندین زن کارآفرین به بیان تجربه های خود پرداختند و مقالاتی نیز در همین زمینه ارائه شد تا زوایای مختلف کارآفرینی زنان و همچنین چالش های موجود آن روشن شود.

مشکلات فرهنگی و اجتماعی

مهمترین مانع بر سر راه کارآفرینی زنان

در این همایش وزیر کار و امور اجتماعی وقت، آقای مهندس خالقی، حضور داشتند، و کاربرد کارآفرینی را بسیار فراتر از ایجاد شغل و اشتغال زایی دانستند و بیان داشتند که کارآفرینی، فرآیندی ارزشی است که منجر به تولید کالا یا خدمتی جدید می شود. ایشان صحبت های خود را این گونه ادامه دادند: با توجه به مشارکت همه جانبه زنان در آموزش عالی و حضور موثر آنان در عرصه های علم و دانش که نشانگر وجود شایستگی و توانمندی در آنهاست، ایجاد کسب و کار مبتنی بر کارآفرینی توسط زنان در مقیاس های کوچک و متوسط چه به صورت کار منزل و چه به صورت ایجاد شرکت های تولیدی، دستاوردهای مهمی خواهد داشت.

با توجه به نوپایی کارآفرینی زنان، مشکلات زیادی وجود دارد. مهمترین آنها، مشکلات فرهنگی - اجتماعی است که رفع آن مستلزم اجرای سیاست ها و

۱. چالش های کارآفرینی زنان



● زمان: ۱۸ و ۱۹ اسفند ۱۳۸۳

● مکان: مجموعه فرهنگی کار و امور اجتماعی اولین همایش کارآفرینی زنان و چالش های پیش رو به منظور معرفی زنان و دختران کارآفرین، ایجاد روحیه کسب و کار، بسط و توسعه فرهنگ کارآفرینی و بررسی مشکلات و موانع موجود بر سر راه کارآفرینی زنان، از طرف انجمن زنان مدیر کارآفرین برگزار گردید.

این همایش در قالب سه بخش مقالات، مطالعات موردی و پانل برگزار شد. محورهای این همایش در بخش مقاله، حول محور محیط کارآفرینی زنان، چالش های حقوقی کارآفرینی زنان، چالش های فرهنگی کارآفرینی زنان، تدابیر و ابتکارهای زنان کارآفرین در ایران بود. بخش مطالعات موردی شامل کارآفرینان همراه با چالش های و ابتکارهای آنان و یا داستان تجارب ناموفق آنان بود. پانل تخصصی این همایش حول محور چالش های محیط قانونی، چالش های محیط اجتماعی - اقتصادی، بررسی شیوه مناسب پیوند کارآفرینان با دولت و متقاضیان جدید کسب و کار و ایجاد شبکه زنان کارآفرین بود.

حامیان این همایش در بخش دولتی، شامل وزارت کار و امور اجتماعی، دفتر امور بانوان وزارت کشور، مرکز مشارکت زنان، وزارت صنایع و معدن (طرح تحقیقات صنعتی)، مرکز مطالعات زنان دانشگاه تهران و در بخش خصوصی، شامل؛ بانک کارآفرین، شرکت ریخته گری فولاد طبرستان، خانه پژوهش نوآندیش و





وی معتقد است، در حال حاضر، زنانی در کشور ما، به عنوان نیمی از جامعه، نه تنها دیگر خانه نشین نیستند، بلکه متقاضیان مهارت‌دیده و دارای تحصیلات عالی‌های هستند که از این نظر بر مردان برتری یافته‌اند، به طوری که هم اینک بیش از ۶۰ درصد از ظرفیت‌های دانشگاه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به محدودیت‌های سرمایه‌گذاری از سوی دولت، کارآفرینی، اگر نگوئیم تنها راه پیش رو است، دست کم یکی از مهمترین راه حل‌های معضل بیکاری زنان محسوب می‌شود. اما جامعه ما با پذیرش این بینش که کار منزل برای زنان و کار بیرون برای مردان است (به این علت که نان آور خانه



هستند) و اولویت اشتغال نیز برای مردان می‌باشد، نیمی از آحاد جامعه را از صحنه‌های اقتصادی کشور حذف نموده‌اند. لذا زنان کشور ما، نیاز به آگاهی‌هایی دارند که آنان را دریافتن مسیر مناسب زندگی کاری یاری دهد. برای ارائه چنین الگویی توجه به عوامل فرهنگی جامعه با در نظر گرفتن جایگاه اصلی زنان در خانواده ضروری به نظر می‌رسد.

جنسیت و کارآفرینی

آقای سیدجلال موسوی بازرگانی، مدرس و مشاور کارآفرینی، به این پرسش که آیا جنسیت در کارآفرینی تفاوتی ایجاد می‌کند یا خیر؟، وی در مقاله خود چنین پاسخ می‌دهد: بر مبنای بررسی عوامل ایجاد تفاوت، نتیجه گرفته می‌شود که این تفاوت جنسیتی بایستی در سه حوزه پژوهشی، آموزشی و سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی لحاظ گردد.

یکی از مسائلی که نتیجه مطالعات متعدد در کشورهای مختلف است، پایین بودن نرخ کارآفرینی زنان در مقایسه با مردان است. بنابراین یک مسئله امکان طرح و بررسی دارد و آن این سوال است که چرا نرخ کارآفرینی بین زنان کمتر است؟ این سوال از این رو اهمیت دارد که نزدیک به نیمی از جمعیت کشورها

را زنان تشکیل می‌دهند و در عین حال به واسطه تحولات گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فنی، زنان آمادگی بیشتری برای مشارکت در فعالیتهای اجتماعی پیدا کرده‌اند. بنابراین هرگونه افزایش در نرخ کارآفرینی زنان می‌تواند در نهایت به شتاب گیری توسعه کارآفرینی منجر گردد. اما چرا زنان کمتر از مردان به شروع فعالیت‌های کارآفرینانه اقدام می‌کنند و آیا دلایل موثر در کاهش نرخ کارآفرینی زنان در مقایسه با مردان از آنچنان اهمیتی برخوردارند که نیاز به رویکردهای متفاوتی در توسعه کارآفرینی زنان را موجه سازند؟

مشکلات و چالش‌های پیش روی دختران و زنان فعال

مشکلات و چالش‌های پیش روی دختران و زنان فعال در عرصه‌های مختلف موضوع سخنرانی ماهرخ فلاحی مدیر دامداری صنعتی فلاحی بود. وی تصریح کرد: رشته‌های دامپروری و کشاورزی هم اکنون مجال اندکی برای آموزش دختران دارند در نتیجه دختران علاقمند نمی‌توانند به راحتی در رشته مورد علاقه خود به تحصیل ادامه دهند.

در بخش دیگری از این همایش نشست «بررسی فرصت‌ها و چالش‌های فرهنگی-اجتماعی کارآفرینی زنان» با حضور ماهرخ فلاحی، دکتر پروانه گلرد، فخرالسادات محتشمی‌پور مشاور وزیر و مدیرکل دفتر امور بانوان وزارت کشور، دکتر فریدون آذرهوش مدرس و مشاور مدیریت، حجت‌الاسلام ایازی پژوهشگر قرآن و عضو مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم و مهندس سید جعفر مرعشی مدیر عامل مؤسسه فرهنگی، پژوهشی و مهندسی توسعه اجتماعی برگزار شد.

حجت‌الاسلام ایازی مشکل فرهنگی را بزرگ‌ترین مشکل در همه زمینه‌ها خواند و گفت: برداشته‌ها و سنت‌ها می‌توانند مانع بزرگ حرکت مهم اجتماعی باشند و این لزوماً به دین مربوط نیست. تا زمانی که مشکل فرهنگی حل نشود مشکل خودباوری نیز حل نمی‌شود.

وی مسأله مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف را ضروری دانست و افزود: مسأله مشارکت بالاتر از حق است و بخشی از رشد شخصیت زنان متوقف بر کار و تولید اقتصادی، فعالیت اجتماعی و سیاسی است. علم اختصاص به آقایان ندارد. آیا علم بدون تجربه امکان پذیر است، آیا تجربه بدون حضور و مشارکت امکان پذیر است، آیا زنان نمی‌توانند مدیریت کنند. حال اگر مردی مدیر باشد و تجربه‌ای نداشته باشد می‌تواند موفق باشد. بنابراین باید شرایط برای همگان به صورت یکسان فراهم شود تا زنان مانند مردان بتوانند به کسب تجربه بپردازند و مدیریت کنند. در ادامه مرعشی به بحث روان‌شناسی پرداخت و گفت: یکی از مسائلی که در روان‌شناسی وجود دارد این است که هرگاه زنان به میدان آیند، مردان غیرتی می‌شوند و به میدان می‌آیند. دکتر گلرد با بیان اینکه زنان بهترین مدیران جامعه هستند، تأکید کرد: مطالعات بیانگر این است که بهترین طراحان زنان هستند و این بحثی است که در قرآن کریم نیز ذکر شده است.

دولت توسعه‌گرا

در ادامه همایش دکتر رمضان زاده، سخنگوی دولت اصلاحات، به ایراد سخنرانی در مورد دولت توسعه‌گرا و نگاه آن به مقوله کارآفرینی پرداختند. وی در ابتدا دو نوع رویکرد دولت توسعه‌گرا و دولت رانتی را بررسی کرد: «دولت توسعه‌گرا دولتی است که هر چه بیشتر خودش را محدود می‌کند، کوچک‌تر می‌کند و از دخالت در حوزه‌هایی که خیلی به او مربوط نیست خودداری می‌کند. در مقابل این دولت‌ها، دولت‌های رانتی هستند، دولت‌هایی که به نفت متکی هستند، دولت‌هایی که بیشترین دخالت را در حوزه‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی و سیاسی دارند و بالطبع انتظار جامعه از این دولت‌ها این است که همه مشکلات را حل بکنند. ما از لحاظ فرهنگی دچار یک دولت رانتی از بالا و یک جامعه رانت خواه از دولت هستیم. این باعث شده که همه چشم‌ها برای توسعه به دولت دوخته شود و همه موفقیت‌ها و ناکامی‌ها هم از چشم دولت دیده شود.» او در ادامه به دلایل توجه دولت توسعه‌گرا به مقوله کارآفرینی اشاره کرد و ذکر کرد دولت تلاش دارد تا دولتی توسعه‌گرا باشد. از نظر او برای توسعه و برای مقابله با بحران‌ها به سه عامل سرمایه انسانی، سرمایه مالی و سرمایه اجتماعی نیاز است. سرمایه مالی تقریباً در کشور موجود است. سرمایه انسانی، همین نیروی خوش فکر توانای ایرانی با ضرب هوش بالاست که هر جا فرصت بروز یابد خودش را نشان می‌دهد، خلاقیت‌هایش کاملاً نمایان می‌شود. اما سومین سرمایه، سرمایه اجتماعی است که با کمبود جدی روبرو هستیم. سرمایه اجتماعی یعنی حس اعتماد به همدیگر، یعنی این که ما بتوانیم کار گروهی بکنیم، این حس اعتماد اولاً بین آحاد جامعه باید به وجود بیاید، ثانیاً بین جامعه و حکومت به وجود بیاید. اگر اولی نباشد دومی قطعاً پیش نخواهد آمد و متأسفانه نگرش سنجی‌های حداقل ۱۳-۱۲ سال اخیر در دو موج نشان می‌دهد که جامعه ما، افراد جامعه ما، نسبت به همدیگر بی‌اعتمادند، ۷۰٪ جامعه همدیگر را دروغگو و چالپوس و متملق می‌دانند.

از دیدگاه دکتر رمضان زاده، گام مثبت، تشکیل انجمن زنان مدیران کارآفرین بوده است در حالی که مدیران کارآفرین مرد هنوز شکل نگرفته‌اند این کار نشان پیشگامی زنان برای ایجاد سرمایه اجتماعی است.

در پایان این نشست خانم محتشمی‌پور به بحث جامعه مدنی اشاره کرد و افزود: زنان چه در دولت و چه در جامعه مدنی می‌توانند به خوبی نقش آفرینی کنند.

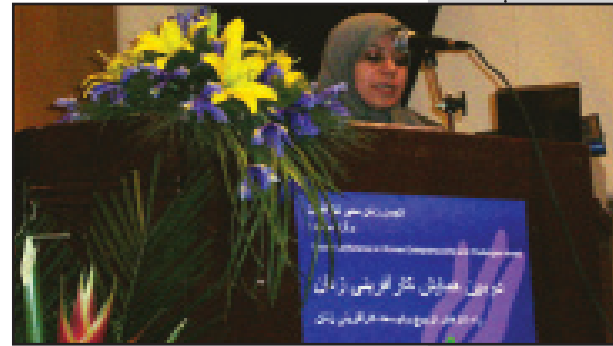
این همایش در پایان چنین نتیجه می‌گیرد که: وضعیت کنونی جامعه ما این چنین می‌نماید که یکی از بهترین راهکارهای حل معضل بیکاری در میان زنان، کارآفرینی است. گرچه تجربه زنان کارآفرین حکایت از مشکلات و موانع بسیاری در مسیر کارآفرینی زنان دارد، اما امید آن می‌رود که با عنایت مسئولان و تلاش بیش از پیش زنان در جهت رفع مشکلات، آینده‌ای بهتر را نظاره گر باشیم.

● زمان: ۱۲ بهمن ۱۳۸۴

● مکان: سالن تلاش وزارت کار و امور اجتماعی
دومین همایش کارآفرینی زنان با عنوان «راهکارهای ترویج و توسعه کارآفرینی زنان» روز چهارشنبه دوازدهم بهمن ۱۳۸۴، در مجموعه

۲. راهکارهای ترویج و توسعه کارآفرینی زنان

فرهنگی وزارت کار و امور اجتماعی شهر تهران برگزار شد. این همایش یک روزه با حضور ۱۷۰



نفر کارآفرینان، صاحبان کارآفرینی و دانشجویان مورد استقبال زنان به خصوص علاقه‌مندان کسب و کار، تجارت و نوآوری قرار گرفت.

این همایش که حول راهکارهای ترویج و توسعه کارآفرینی زنان به دبیری خانم فیروزه صابر، تشکیل شده بود، دریافت کننده مقالات متعددی در این حوزه تخصصی بود که طبق داوری کمیته علمی همایش، سه مقاله را پذیرفته شده اعلام نمود. این مقالات عبارت بودند: مدیریت و کارآفرینی بانوی آزادی، خدیجه علیهاالسلام (حجت‌الاسلام کرمی فریدنی)، کارآفرینی از بستر دانشگاه (دکتر محمد رضا طاهری) و راه کارها و چالش‌های توسعه کارآفرینی (اکرم ادهمی).

نخستین سخنران این همایش خانم فیروزه صابر بودند. خانم صابر ضمن تشکر و قدردانی از همه کارآفرینان و مدعوینی که دعوت این انجمن را برای شرکت در این همایش اجابت کردند گفت: «انجمن زنان مدیر کارآفرین بر اساس نظرات شرکت‌کنندگان همایش نخست، همت گمارد تا این بار همایش سالانه خود را در یکی از نقاط محروم کشور با هدف کمک به ترویج و توسعه کارآفرینی و توانمند سازی جامعه زنان آن منطقه برگزار کند برای این منظور شهر زاهدان انتخاب شد و با آن که هماهنگی‌های لازم با استاندار سیستان و بلوچستان انجام و توافقات حاصل شد اما ده روز قبل از برگزاری همایش با اعلام عدم امکان برگزاری همایش در این شهر از سوی آن استانداری، انجمن به فوریت نسبت به تغییر مکان و زمان همایش کوشش نمود، به همین دلیل برنامه همایش که قرار بود در دو روز برگزار شود به یک روز تقلیل یافت.» وی افزود: از آنجاکه انجمن در کلیه فعالیت‌های خود حرفه‌ای عمل می‌کند، انتظار داشت در این زمینه هم از طرف استانداری برخورد حرفه‌ای صورت گیرد. وزیر کار: شرایط اقتصادی کشور به گونه‌ای است که الگویی به جز کارآفرینی نمی‌تواند روند رشد و توسعه را دگرگون سازد.

پس از خانم فیروزه پیام وزیر کار، جناب آقای دکتر جهرمی قرائت شد. در این پیام آمده بود: «در جامعه ما نیاز است به موضوع کارآفرینی از یک منظر استراتژیک به مثابه یک فرصت مهم برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نگریند که تحقق این مهم و برخورداری از مزایای آن مستلزم یک عزم همگانی

۳. زنان دانش‌آموخته دانشگاهی

انجمن زنان مدیر کارآفرین و با همکاری انجمن ملی زنان کارآفرین، دانشگاه تهران، دانشگاه صنعتی شریف



و دانشگاه شهید بهشتی با عنوان زنان دانش‌آموخته دانشگاهی برگزار شد. هدف از برپایی این همایش ترویج فرهنگ کارآفرینی برای زنان دانشگاهی بود که با توجه به رشته و تخصص خود بتوانند کارآفرینی ایجاد کرده و در راستای تخصص و توانایی خود فعالیت اقتصادی داشته باشند و منجر به اشتغال‌زایی شوند. از آنجا که در دو همایش گذشته ابتدا به چالش‌های پیش‌روی کارآفرینان و پس از آن به بحث‌های توسعه کارآفرینی پرداخته شد، انجمن زنان کارآفرین تلاش کرد تا در این همایش به دنبال پشتوانه کردن تجربه و دانش با یکدیگر باشد تا با این ترکیب بتواند به نتایج بهتری در زمینه کارآفرینی زنان دست پیدا کند.

این همایش که محورهای آن حول چالش‌های فراروی کارآفرینان دانش‌آموختگان زن ایرانی، بررسی فرصت‌های کارآفرینی برای دانش‌آموختگان زن، بررسی تغییر متغیرهای محیطی بر رشد کارآفرینی زنان، بررسی گرایش‌های کارآفرینی در میان دانش‌آموختگان زن، و ارائه تجارب موفق کارآفرینان دانش‌آموخته زن بود، مورد استقبال زنان به خصوص زنان و دختران دانشجو و دانش‌آموخته دانشگاهی قرار گرفت.

در این همایش فرشته سلیمانی، دبیر همایش کارآفرینی زنان دانش‌آموخته دانشگاهی نیز محور این همایش را کارآفرینی دانش‌آموختگان زن اعلام و اظهار کرد: در این همایش مسایل دانش‌آموختگان از دو جنبه هماهنگی رشته تحصیلی کارآفرینی با نوع کار آنها و دیدن بازخورد صرف هزینه برای فارغ‌التحصیلان این گروه در جامعه بررسی می‌شود. از جمله مقالات ارائه شده در این همایش، زنان و کارآفرینی، شیوه‌هایی برای افزایش مشارکت زنان (دکتر نسرین جزینی) مشارکت و اشتغال زنان در حرفه‌های ICT (محبوبه بیاتانی، حسین صابری) و تجارب موفق کارآفرینان دانش‌آموخته زن در برخی از کشورهای جهان (دکتر شهناز طباطبایی، ثریا آرون) بود. همچنین میزگردی تحت عنوان «چالش‌ها و فرصت‌های کارآفرینی برای دختران فارغ‌التحصیل» با حضور تنی چند از کارشناسان برگزار شد. در این همایش تنی چند از کارشناسان و کارآفرینان موفق

است... شرایط اقتصادی کشور به گونه‌ای است که الگویی به جز کارآفرینی نمی‌تواند روند رشد و توسعه را دگرگون سازد. لذا با پذیرش نقش تأثیر گذار «الگوی کارآفرینی» در فرایند تولید و حمایت از کارآفرینان در راه‌اندازی یا توسعه طرح‌های آنان علاوه بر دگرگونی در روند تولید، موجبات افزایش تولید معطوف به صادرات برای اقتصاد کشور نیز فراهم می‌شود. تکیه بر توانمندسازی زنان کارآفرین موجب می‌شود انگیزه‌های اجتماعی در آنان تقویت شده توانایی‌ها و استعداد‌های بالقوه خویش را شناسایی کرده و به ایده‌های اقتصادی خود نظم و انسجام خاصی دهند و خواسته‌ها و امیال آرزوهای خود را در محل کسب و کار تجربه نمایند.... دولت نهم به ویژه وزارت کار و امور اجتماعی با عنایت به سند چشم‌انداز بیست ساله توسعه و همچنین برنامه چهارم سعی در گسترش بسترهای کارآفرینی از طریق ایجاد زمینه‌های وسیع آموزشی نموده است» در پایان این بیانیه آمده بود «وزارت کار و امور اجتماعی نیز سیاست‌های اشتغال در جامعه را با محوریت کارآفرینی و ایجاد کسب و کارهای کوچک و زود بازده با توجه ویژه به زنان کارآفرین دنبال خواهد نمود»

در این همایش خانم‌ها لیا رویایی مدیر و موسس شرکت تولید ظروف تفلون کومه تهران، سهیلا امیری موسس و مدیر شرکت خدمات الکترونیکی صداقت امجد شهر اهواز، میمی یکی از اعضای کمیته علمی همایش و موسس و مدیر عامل شرکت کشتیرانی و حمل و نقل بین‌المللی سدید بار تهران، فریده نظامی موسس و مدیر شرکت کشت محصولات کشاورزی رزماری در استان سیستان و بلوچستان، نصراللهی موسس و مدیر کوره آجر پزی شهر میناب در استان هرمزگان به ارائه تجربیات، داستان مراحل شکل‌گیری، بقاء، و توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه خود همراه با چالش‌های و ابتکارهای‌شان پرداختند.

در ادامه خانم الهه علافر مدیرکل کارآفرینی زنان وزارت کار صحبت کرد، و به تبیین رویکرد جدید وزارت کار و امور اجتماعی که حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط و کارآفرینان بود پرداخت این همایش با مشارکت و حمایت شرکت‌های قافلانکوه، شیکال، توسعه صنایع عرصه جدید، نماکارنگ و خانه پژوهش تواندیش برگزار شده بود.

● زمان: ۹ اسفند ۱۳۸۵

● مکان: تالار جابربن حیان دانشگاه صنعتی شریف
سومین همایش یک روزه زنان کارآفرین به همت





«وزیر امور کارآفرینی زنان و حمایت‌های مالی بانک‌ها» وجود دارد؛ اما در ایران چنین چیزی دیده نشده و زنان کارآفرین، کسانی هستند که بیشترین «نه» را در زندگی خود می‌شنوند. گفتنی است، در این همایش فاطمه عیدی به عنوان یکی از زنان فارغ‌التحصیل کارآفرین به ارائه دستاوردهای خود در رابطه با طراحی و ساخت ربات‌های اعلام خطر شامل

ربات‌های اعلام خطر تعمیرات خیابانی و جاده‌ای از طریق ربات‌های آدم‌نما، ربات‌های آدم‌نمای پلیس راه و ربات‌های نمایش و هشدار سرعت پرداخت و هابیده شیرزادی نیز که در حال حاضر مدیر عامل شرکت بازیافت مواد و تولید کود آلی کرمانشاه است مشکلات موجود بر سر راه خود را بازگو کرد.

مرکز کارآفرینی دانشگاه تهران، انجمن فارغ‌التحصیلان دانشگاه صنعتی شریف، مرکز رشد واحدهای فناوری دانشگاه شهید بهشتی و ستاد کارآفرینی شهرداری تهران، حامیان دولتی این همایش و خانه پژوهش نواندیش، شرکت قافلانکوه، موسسه نماکارنگ، شرکت شیگال حامیان بخش خصوصی این همایش بودند. برگزارکنندگان این همایش در پایان بیانیه‌ای به شرح ذیل قرائت نمودند. «انجمن ملی زنان کارآفرین در راستای ترویج و توسعه کارآفرینی زنان با علم به شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور و چالش‌های پیش‌روی زنان فارغ‌التحصیل دانشگاهی بر آن است تا توان علمی و تجربی خویش را در راهگشایی مسیر کارآفرینی برای این گروه مصروف دارد. برای این منظور موضوع را از زوایای مختلف آموزشی، پژوهشی، مشاوره‌ای و ترویجی پی خواهد گرفت و تلاش خواهد نمود که در تعامل و پیوند با عناصر مؤثر در این راه کوشش جدی نماید. با این هدف نکات زیر را به عنوان ضرورت یادآور می‌شود:

۱. از کلیه زنان کارآفرین انتظار می‌رود که تجارب ارزنده خود را از طریق تشکل‌های حرفه‌ای و رسانه‌های جمعی مستند ساخته و به‌عنوان الگوی این عرصه به دختران فارغ‌التحصیل منتقل نمایند. فراتر از آن، آنانی که وظیفه اجتماعی سنگین تری برای خود تعریف کرده‌اند می‌توانند در نقش مربی به پرورش کارآفرینان فردا کمکی بس مؤثر کنند.

۲. به منظور ساماندهی فعالیت‌های ترویجی و بسترسازی فرهنگ کارآفرینی، تشکل‌های حرفه‌ای مرتبط با کسب و کار و کارآفرینی پیوندی جدی با فارغ‌التحصیلان دانشگاهی برقرار نمایند.

این پیوند کمک خواهد کرد که تشکل‌ها به عنوان عامل محوری در ایجاد ارتباط مؤثر میان صاحبان ایده‌های خلاق و منابع مورد نیاز نقش اساسی ایفا کنند.

۳. از وزارت علوم و آموزش عالی می‌خواهیم تا به طور جد در اختصاص منابع لازم برای اجرای طرح‌های مطالعاتی و تحقیقاتی با هدف شناسایی فرصت‌های کارآفرینی و کسب و کار برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی خاصه زنان دانش‌آموخته اختصاص دهند، علاوه بر آن تقویت مرکز

به ارائه مقاله و تجارب خود در زمینه کارآفرینی پرداختند.

مدیرعامل سازمان فرهنگی «فرا»، دکتر فریبا لطیفی، از سخنرانان این همایش بودند. وی دلایل کارآفرینی زنان را سقف‌های شیشه‌ای برخی ادارات و سازمان‌ها خواند و گفت: زنان در مواجهه با این سقف‌های شیشه‌ای که در بعضا تبدیل به سقف‌های بتونی شده‌اند، دیگر دنبال ایستادگی و مقاومت در برابر موانع نرفته بلکه به ایجاد کسب و کار می‌پردازند. دکتر لطیفی با اشاره به این که زنان کارآفرین در این همایش‌ها با یکدیگر و دختران جوان دانشگاهی نیز با الگوهای عملی کارآفرین از نزدیک آشنا می‌شوند، افزود: از مشکلات موجود در کارآفرینی زنان این است که بر خلاف مردان، دارای شبکه‌های ارتباطی نیستند و این در حالی است که وجود چنین شبکه‌هایی برای زنان چندان بی‌اثر نیست. وی با اشاره به ضرورت تأسیس مؤسسه «فرا»، اذعان کرد: مأموریت اصلی این مؤسسه توسعه ظرفیت مدیریتی کشور است؛ چرا که متأسفانه جوامع از سوءمدیریت



و سازمان‌نیافتگی به علت کمبود منابع آموزشی رنج می‌برند. وی، خاطرنشان کرد: این نوع کارآفرینی با احساس نیاز شروع شده و با درد وجدان و تعریف مسأله مذکور و در کنار آن هوشمندی و علاقه فراوان یک کارآفرین آغاز می‌شود. ایشان با استناد به تعریف کارآفرینی توسط یکی از دانشمندان با این مضمون که کارآفرینی، هدایت منابع اقتصادی به جاهایی است که بازدهی بالایی دارند، تصریح کرد: کارآفرین قطعا به دنبال سودآوری است؛ اما هر فعالیت سودآوری، کارآفرینی محسوب نشده؛ بلکه کارآفرین به دنبال نیاز جامعه بوده و باید کسب و کار و مأموریت معتبر داشته باشد.

به گفته لطیفی در جامعه‌ای مثل ایران، یک زن باید ۱۰ برابر مرد کار کند و در صورت موفقیت، راحت‌تر می‌تواند کار کند؛ چرا که اگر زنان خود را در محیط کار ثابت کنند، راه‌ها به رویشان باز می‌شود و در این بین نقش همسر خانواده بسیار مهم است. وی با بیان این که در طول یک سال گذشته اتفاق خاص و نظام یافته‌ای برای زنان کارآفرین رخ نداده است، تصریح کرد: در مالزی، پستی با عنوان

کارآفرینی دانشگاه‌ها موضوع با اهمیت دیگری است که در صورت طی این مسیر می‌تواند در اشاعه فرهنگ کارآفرینی در میان دانشجویان و فارغ‌التحصیلان نقش پررنگی ایفا کند.

۴. کمک به تأمین منابع برای تحقق عمل ایده‌های خلاق فارغ‌التحصیلانی که توان ایجاد کسب و کاری نو را دارند، در وظیفه دولت است. اما این وظیفه صرفا در حد تسهیلات مالی خلاصه نمی‌شود کمک به تقویت مؤسسات خصوصی خدمات آموزشی و مشاوره‌ای و نیز تشکل‌های غیردولتی برای ارائه خدمات لازم جهت مهارت افزایی و تواناسازی نوکارآفرینان در ایجاد و مدیریت کسب و کارهای جدید از جمله مواردی است که تاکنون بدان پرداخته نشده و یا بسیار کم رنگ است. از این طریق می‌توان از اتلاف تسهیلات موجود نیز جلوگیری نمود.

۵. از صداوسیما به‌عنوان یک رسانه ملی می‌خواهیم که به جای ترویج نقش مصرف‌گرای زنان، الگوهای موفق زنان کارآفرین را به جامعه جوان کشور معرفی کند و برای این منظور زندگی کسب و کار آنان بویژه جوانان فارغ‌التحصیل دانشگاهی را به طور همه‌جانبه مستند ساخته و به نمایش گذارد.

در پایان انجمن ملی زنان کارآفرین به سه‌م خویشتن آماده است تا در تعامل با کلیه نهادهای مرتبط اعم از دولتی و غیردولتی به ترویج کارآفرینی در جامعه دانشجویان و فارغ‌التحصیلان گامی جدی بردارد.

انشاءالله»

● زمان: ۳۰ بهمن ۱۳۸۶

● مکان: سالن آمفی‌تئاتر موسسه شهرداریان جوان انجمن زنان مدیر کارآفرین با همکاری ستاد کارآفرینی شهرداری تهران، چهارمین همایش خود را با موضوع: کارآفرینی فرهنگی زنان در روز چهارشنبه مورخ ۸۶/۱۱/۳۰ برگزار کرد.

محورهای این همایش عبارت بودند از ۱. شناسایی فرصت‌ها و کشف فرصت‌های کارآفرینی و کسب و کار در عرصه فرهنگ و هنر



هنر برای ارائه تجربیات کارآفرینانه خود به ایراد سخن پرداختند که از میان آنها می‌توان به رخشان بنی‌اعتماد، کارآفرین حوزه سینما، ملیحه سعیدی، کارآفرین حوزه موسیقی، پری صابری، کارآفرین حوزه تئاتر، مرجان شیخ‌الاسلامی، کارآفرین حوزه خبر، منصوره شایسته، کارآفرین حوزه نشر مفاهیم قرآنی، فاطمه نره‌ای، کارآفرین حوزه صنایع دستی و معصومه نور محمدی، کارآفرین حوزه عکاسی نام برد.

معصومه نورمحمدی اولین زن عکاس در نهندان تجربه‌هایش را روایت می‌کند. سختی‌هایی را که پشت سر گذاشته و حالا قصد دارد کارش را گسترش دهد.

ملیحه سعیدی به عنوان کارآفرین عرصه موسیقی نیز با روایت زندگی‌اش و تعلقش به ساز قانون می‌گوید. او حالا از قبل این ساز جوانان بسیاری را آموزش داده و می‌دهد.

رخشان بنی‌اعتماد، کارگردان و فیلمساز، زندگی و تجربه کاری و مشکلاتش را به عنوان فیلمساز زن مطرح کرد: «وقتی خبرنگاران می‌پرسند که به عنوان یک فیلمساز زن چه مشکلاتی دارم، پاسخ می‌دهم هیچ مشکلی ندارم اما در این همایش جای آن است که از این مشکلات بگوییم.»

او از مشکلاتش به عنوان فیلمسازی می‌گوید که در عرصه خانواده، نقش‌های مادری و همسری را به خود ایفا کند، ولی با وجود همه مشکلات می‌گوید: «هیچ وقت به عنوان یک زن به خود اجازه ندادم که امتیازهای ویژه‌ای بگیرم.»

مرجان شیخ‌الاسلامی مدیر خبرگزاری میراث فرهنگی هم در این نشست از فعالیت‌هایش در عرصه مطبوعات گفت.

اقتصاد فرهنگ، شاخه‌ای از فرهنگ است

احمد مسجدجامعی - وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی و رییس کمیسیون فرهنگی شورای شهر تهران - در همایش کارآفرینی فرهنگی زنان که در موسسه شهر یاران جوان برگزار شد، در سخنانی گفت: اقتصاد فرهنگ، شاخه‌ای از فرهنگ است که به تحلیل از فعالیت‌ها و اقدامات فرهنگی و اقتصادی می‌پردازد و موتور محرکه این نوع اقتصاد، فرهنگ است.

وی ادامه داد: در حوزه نیروی کار در بخش فرهنگ، سه گروه وجود دارند. یکی افرادی که اشتغال خلاق دارند و دوم کارهای وابسته به فرهنگ و سومین مورد، اشتغال در حوزه غیر فرهنگی مرتبط با فرهنگ است.

مسجدجامعی با بیان اینکه خلاقیت در اشتغال ارزش افزوده به همراه خواهد داشت، اظهار کرد: مسائل آموزشی، موسسات فرهنگی و شاخص‌های کمی در حوزه اشتغال و کارآفرینی، در حوزه فرهنگ و هنر باید بیشتر مورد توجه قرار بگیرند. وی با بیان اینکه در سنت قدیمی کشور ما، حوزه فرهنگ و هنر با زندگی آمیخته بود، اذعان کرد: در حقیقت جوهر هنر در ایران آمیخته با زندگی قدیمی ایرانیان بود و البته در زندگی جدید نیز این موضوع قابل بسط است. رییس کمیسیون فرهنگی شورای شهر تهران با اشاره به گستردگی دوره‌های آموزشی آزاد در کشور اضافه کرد: آموزش‌های شخصی نیز باید



سینما و تئاتر.» به گفته او آنچه بیش از هر فعالیتی زمینه‌ساز تحولات اجتماعی خواهد بود، انجام فعالیت در حوزه‌های فرهنگی است. همین ضرورت موجب شد تا انجمن زنان کارآفرین در صدد برپایی چهارمین همایش با محوریت کارآفرینی فرهنگی باشد. او سروری بر همایش‌های گذشته را دلیل برگزاری همایش کارآفرینی ذکر کرد که تمرکز آن بر مباحث فرهنگی است که در همایش‌های گذشته مطرح نشده بود.

دبیر همایش کارآفرینی فرهنگی زنان، فرهنگ را حوزه‌ای فرا بخشی دانست که در تمام اجزا و شئون زندگی بشر حضور فعال و نقش اساسی دارد. وی خاطر نشان کرد: حوزه فرهنگ انقدر عظیم و گسترده است که تمدن بشری با همه شگرفی‌ها و شگفتی‌هایش زاینده آن است. فرهنگ تمایل سیری ناپذیری به دخالت در همه امور انسان‌ها در همه زمان‌ها دارد و برای همین هم کارآفرینی در این حوزه آن هم توسط زنان بسیار با اهمیت می‌نماید. وی در همین زمینه اضافه کرد: برای بررسی عوامل پیشرفت و توسعه قبل از هر چیزی لازم است به دنبال ردپای استوار و مقتدر فرهنگ آن کشور یا جامعه باشیم. اگر جامعه‌ای دچار انواع انحطاط اجتماعی نظیر بی‌احترامی به قانون، نبود وجدان کاری، اعتیاد و ... باشد در مقام علت یابی و چاره‌اندیشی به ریشه‌های فرهنگی این معضلات را واکاوی نماییم.

منتظرالظهور افزود: بر اساس همین باور بود که انجمن در صدد برآمد که در راستای اهداف کاری‌اش از ابتدای تاسیس در ۱۳۸۳ تا کنون، ۳ همایش با عنوان چالش‌های موجود در کارآفرینی، راهکارهای کارآفرینی و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و کارآفرینی برگزار کند.

در همایش تعدادی از زنان کارآفرین در حوزه

۲. بررسی شیوه‌های مناسب ترغیب و تشویق دختران فارغ‌التحصیل رشته‌های فرهنگی - هنری برای ورود به عرصه‌های کسب و کار و کارآفرینی

۳. بررسی چالش‌های زنان در عرصه فرهنگ و هنر

۴. کسب تجارب الگوهای فرهنگی - هنری موفق و ناموفق در کارآفرینی زنان

۵. راه‌های توسعه کارآفرینی زنان در عرصه فرهنگ و هنر

۶. چگونگی فرایند پرورش جوانان در عرصه کارآفرینی فرهنگی

۷. گردآوری اطلاعات حوزه فرهنگی - هنری زنان کارآفرین به منظور تهیه بانک اطلاعات

اکرم منتظرالظهور، دبیر چهارمین همایش زنان کارآفرین مخاطب این همایش را تمام کسانی می‌داند که در حوزه‌های کارآفرینی فرهنگی فعالیت می‌کنند. وی در سخنرانی خود بیان کرد: «این انجمن با هدف فرهنگ‌سازی کارآفرینی، کارآفرینی فرهنگی را مورد توجه قرار داده است و امروز در این همایش بحث فرهنگ و کارآفرینی در حوزه‌های مختلف بررسی خواهد شد.»

دبیر همایش کارآفرینی فرهنگی زنان مهمترین حمایت و عامل فرهنگ‌سازی و جا افتادن کارآفرینی در کشور را، حمایت و استقبال زنان و دختران جامعه در این باره دانست و تاکید کرد: بیشترین هدف برگزاری این همایش آگاه‌سازی نسل جوان و دختران تحصیل کرده و توده اجتماعی مردم در جهت کارآفرینی در بسترهای موجود اجتماع و تقویت انگیزه‌ها و نقاط قوت درونی‌شان است.

منتظرالظهور اضافه کرد: «هر چند فارغ‌التحصیلان رو به افزونی داریم، اما از سویی دیگر تعداد بیکاران ما نیز در حال افزایش هستند و باید به این موضوع توجه بیشتری شود. حوزه‌هایی چون نشر، مطبوعات،

مورد توجه قرار بگیرند و براساس آمارهای موجود، ۱۰ درصد کارگاه‌های کشور در حوزه فرهنگی و هنری فعالیت می‌کنند که بعد از حوزه صنعت (با ۱۷ درصد) بیشترین رقم دارد. وی تصریح کرد: از سوی دیگر حدود دو هزار و ۲۰۰ فروشگاه عرضه لوازم فرهنگی در کشور وجود دارد و تعداد موسسات فرهنگی چندمنظوره، حدود سه هزار موسسه است که هر کدام ظرفیت‌های موجودی خود دارند و علاوه بر این، تعداد آموزشگاه‌های هنری نیز حدود سه هزار آموزشگاه است که هر کدام از آن‌ها اگر ۱۰۰ نفر را وارد بازار کند، ببیند که چه مقدار اشتغال ایجاد می‌شود.

به گفته مسجدمجمعی در برنامه اول توسعه هیچ پیش‌بینی در حوزه فرهنگ و هنر و کارآفرینی نشده بود، اما این موضوع در برنامه دوم تا حدی مورد توجه قرار گرفت و در برنامه سوم نیز مواردی مانند بیمه اهل هنر و توسعه صندوق حمایت از اهل فرهنگ مطرح شدند و سرانجام در برنامه چهارم توسعه کار توجه به این موضوع بیشتر شد. وی ادامه داد: در ماده ۱۰۴ برنامه چهارم توسعه دولت برای اشتغال در حوزه فرهنگی موظف شده است و تشکیل صندوق توسعه و صادرات و جذب بخش خصوصی در تولیدات نیز در این رابطه انجام شد و علاوه بر این، در مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ نیز به این موضوع اشاره شده است.

مسجدمجمعی با اشاره به دولتی بودن فرهنگ صحیح نبودن دولتی شدن فرهنگ در کشور، گفت: متأسفانه اصحاب فرهنگ و هنر به دلیل امنیتی که دولتی بودن ایجاد می‌کند، این مسئله را ترجیح می‌دهند. و بیان کرد: مهمترین مسأله، توجه به زیرمجموعه‌هاست و نگاه اقتصادی نداشتن به فرهنگ، نگاه نادرستی است و فرهنگ در کشور ما می‌تواند اقتصادی باشد. وی همچنین درباره جدا نداشتن فرهنگ از اقتصاد با اشاره به تاثیر شبکه توزیع و تبلیغ کالای ایرانی برای تصاحب بازارهای داخلی و خارجی، تصریح کرد: در حوزه کار آفرینی فرهنگی باید زیر ساخت‌های لازم ایجاد شود؛ اینکه فرهنگ را جدای از اقتصاد بدانی یک ضعف محسوب می‌شود. فروش آثار تجسمی هنرمندان ایرانی در حراجی‌های مختلف خارجی با قیمت‌های بالا ثابت کرده است هنر ما ظرفیت حضور در عرصه جهانی را دارد. این ظرفیت می‌تواند همچنان در حوزه بین‌الملل شکوفایی ایجاد کند.

وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی افزود: کارآفرینان با سرمایه‌گذاری در این زمینه می‌توانند علاوه بر ایجاد راه‌های معنوی برای گسترش فرهنگ ایرانی راه اقتصادی را هم باز کنند. وی با ذکر مثالی از صادرات فرش و تاثیر آن در معرفی فرهنگ غنی ایران، اضافه کرد: در هنر جدید نقطه قوت ما روی تکنولوژی نیست، روی ایده‌های ناب هنرمند است. در پیام نهفته‌ای است که در اثر هنرمند وجود دارد؛ پیامی که نهفته و عجین شده در فرهنگ و هنر ماست. وی در پایان سخنانش با بیان اینکه ظرفیت فرهنگ ما ظرفیت حضور جهانی دارد، یادآور شد: هر جایی که ایران فرهنگ و هنر خود را عرضه کرده، مورد مقبولیت واقع شده است.

استعدادسالاری، نه جنسیت‌سالاری در ادامه این همایش میزگرد بررسی چالش‌ها و فرصت‌های کارآفرینی در عرصه فرهنگ و هنر با

حضور پروین صدقیان، فخرالسادات محتشمی پور و چیسنا یتربی برگزار شد.

محتشمی پور در ابتدای میزگرد با بیان اینکه خانم شهلا شرکت به دلیل لغو شدن امتیاز مجله «زنان» در این میزگرد حضور نیافته و خانم‌ها شهلا لاهیجی و منیژه حکمت نیز که از اعضاء کمیته علمی این انجمن هستند، در سفر بوده‌اند، میزگرد را با طرح این سؤال که مشاغل نشر و تئاتر چه فرصت‌های کارآفرینی را برای زنان به وجود می‌آورد، آغاز کرد.

احمد مسجد جمعی:

اقتصاد فرهنگ

شاخه‌ای از فرهنگ است

که به تحلیل از فعالیت‌ها

و اقدامات فرهنگی

و اقتصادی می‌پردازد

و موتور محرکه

این نوع اقتصاد

فرهنگ است

صدقیان در پاسخ به این سؤال اظهار داشت: «به نظر من نشر، حالت جمیع‌الحالات را دارد. نشر کار بسیار دشواری است. من از سال ۱۳۷۹ کار نشر را آغاز کردم و پیش از آن مؤسسات مختلفی را می‌چرخاندم. مجوز نشر را با سختی بسیار گرفتم و کارم را با انتشار کتاب‌هایی در باب مسائل حقوق زنان آغاز کردم.» او افزود: «۸۰۰۰ ناشر در ایران داریم که ۴۰۰ تن از آنها فعال هستند. از این میان، ۳۰۰ الی ۴۰۰ ناشر زن داریم که از آنها هم ۱۰۰ الی ۲۰۰ نفر فعال هستند.» به گفته ناشر انتشارات «گل آذین»، نشر، فرصت‌های بی‌شمار شغلی برای افراد

به وجود می‌آورد.

خانم یتربی نیز در پاسخ به سؤال طرح شده گفت: «تنها چیزی که باعث شده خانم‌های کارآفرین به این مرحله برسند، سماجت، سلحشوری و خستگی ناپذیری است. آن بخش کارم که برایم عزیز است این است که از خانم‌های زیادی در آن استفاده می‌کنم، به این دلیل که بسیار بهتر کار می‌کنند. همیشه گفته‌ام اگر خانمی رویش نمی‌شود در تئاتر کار کند که کارگردانش مرد است، بیاید با من کار کند.»

او افزود: «من کارگردان شدم تا موقعیت کاری بچرخد. بارها شده بر اساس توانایی‌های یک بازیگر، یک متن نوشته شده است. سؤال من این است که چرا زنان شاگرد اول دانشگاه در ریاست‌ها نیستند؟ به نظر من دلیلش مشکلاتی است که زنان با آن مواجهند. اتفاقات بسیاری منجر به این فرصت‌های نابرابر شغلی شده است.»

محتشمی پور سؤال دوم را به این موضوع اختصاص داد که اگر جوانی بخواهد برای اولین بار وارد این عرصه‌های شغلی شود، با چه مشکلاتی در بدو امر رو به رو خواهد شد؟

صدقیان در پاسخ به این سؤال گفت: «من همیشه به جوان‌ها توصیه می‌کنم که حتماً وارد عرصه‌های شغلی شوند اما کار نشر بسیار دشوار است و نیاز به تخصص و شناخت دارد. اگر فقط بخواهند با نشر یک کار تجاری راه بیاندازند، اصلاً نمی‌توانند.»

این ناشر افزود: «اول که کار نشر را شروع کردم، فکر می‌کردم با چاپ یک یا سه کتاب می‌توانم از نشرم پشتیبانی کنم اما این طور نبود. نشر کاری است که بازگشت سرمایه ندارد، پس اگر کسی هدفش فقط اقتصادی باشد، به آن نمی‌رسد و هدف فرهنگی هم به تنهایی نمی‌تواند جایگزین شود. پس با یک سری چالش‌ها مواجه می‌شود. در واقع در این بحران نشر که سوپساید کاغذ و وام‌های دولتی هم قطع شده، همه چیز فقط به خود ناشر بستگی دارد.»

محتشمی پور در ادامه اظهار داشت: «ما هم اکنون شاهد انبوه بیکران جویای کار در کشورمان



۵. کارآفرینی زنان صاحب صنعت و حرف

هستیم که بخش عمده‌اش را دختران فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها تشکیل می‌دهند.»

یثربی در این باره گفت: «درباره آن بخش از شغل که به سینما و تئاتر مربوط می‌شود، همیشه می‌گویم اگر عاشق این کار هستید، وارد آن شوید چون به خصوص بر زنان برچسب‌هایی در این کار می‌خورد. سرسپردن به شغل تئاتر یک جور شیفتگی می‌خواهد و در درجه بعد، سماجت یعنی کسی که وارد این کار می‌شود، باید یاد بگیرد، خاک صحنه بخورد و شاگردی کند. سومین شرط لازم این کار، داشتن برنامه ریزی است یعنی فرد باید بداند چه می‌خواهد. هرمان هسه می‌گوید: اگر هدفی داشته باشی، امکان ندارد به آن نرسی، البته اگر همه نیروهایت را برایش بسنجی.»

او با اشاره به این که در تئاتر و سینما، زنی که استعداد مساوی با یک مرد داشته باشد، همیشه موفق تر خواهد بود، اظهار داشت: «چون در این رشته تعداد خانم‌ها بسیار کم است، بنابراین رقیب کمتری دارند. اما بازم جنسیتی نگاه نمی‌کنم. باید استعدادسالاری را قبول داشته باشیم، نه جنسیت سالاری و نه چیز دیگر.»

محتشمی پور در این باره گفت: «این ویژگی یک کارآفرین است که توقف و ایستایی در کارش وجود نداشته باشد.»

صدیقیان نیز اظهار داشت: «هیچ گاه نباید خودمان را از یادگرفتن بری بدانیم. همیشه باید یاد بگیریم.» یثربی نیز اشاره کرد که مشکلات همیشه وجود دارد و ادامه خواهد داشت، مهم این است که بگوییم خسته نشدیم.

محتشمی پور با اشاره به این که یکی از اهداف انجمن زنان مدیر کارآفرین، جمع‌آوری تجربیات زنان کارآفرین است، گفت: «قبلاً قاعده‌ای وجود داشت که زنان مجرد نمی‌توانستند مجوز مؤسسه فرهنگی داشته باشند. پیگیری که کردیم، گفتند به شورای عالی انقلاب فرهنگی مربوط می‌شود. اعتراض و پیگیری ما سرانجام منجر به این شد که این قاعده را لغو کردند اما در عوض سه سال سن دریافت مجوز برای زنان را بالا بردند.»

در پایان، شرکت‌کنندگان در مراسم سؤالات خود را با برگزارکنندگان میزگرد مطرح کردند.

● زمان: ۱۳۸۷/۱۲/۱۲

● مکان: فرهنگ‌سرای اشراق

انجمن زنان کارآفرین و انجمن ملی زنان کارآفرین پنجمین همایش خود با موضوع کارآفرینی زنان صاحب صنعت و حرف را در تاریخ ۱۲ اسفندماه سال ۱۳۸۷ برگزار کردند.

محورهای این همایش که با دبیری خانم رویایی، برگزار شد، حول بررسی فرصت‌های کارآفرینی و کسب و کار در بخش صنعت و حرف، بررسی چالش‌های زنان کارآفرین صاحب صنعت و حرف، راه‌های توسعه کارآفرینی زنان در بخش صنعت و حرف، انتقال تجارب الگوهای موفق صنعت و حرف در کارآفرینی زنان، انتقال تجارب الگوهای ناموفق صنعت و حرف در کارآفرینی زنان، بررسی تأثیر آموزش بر موفقیت زنان کارآفرین بود.

این همایش مواردی چون چالش‌های موجود در



بخش صنعت برای کارآفرینی، چگونگی روی آوری فارغ‌التحصیلان رشته‌های صنعتی به کارآفرینی، بررسی آموزش‌های تخصصی حوزه صنعت و مسایل و مشکلات کارآفرینی زنان در این زمینه مورد بررسی قرار گرفت.

این همایش که با سخنرانی مهندس اسحاق جهانگیری وزیر سابق صنایع افتتاح شد، دکتر رمضان‌علی رویایی، در باره‌ی «فرصت‌های کارآفرینی و کسب و کار در بخش صنعت و حرف» و خانم مهندس سمیرا حمزه‌لویی در باره‌ی «رویکردی نو به آموزش کارآفرینی مبتنی بر استاندارد ایزو ۱۰۰۱۵» مقالات خود را ارائه کردند.

همچنین خانم‌ها سهیلا خوشنویسان مدیرعامل شرکت بهینه‌سازان صنعت تاسیسات، زهرا زمانی مدیر موسسه تولیدی ۱۱۲ بنفشه صدیق مدیر عامل شرکت شیکال، سازنده شیر آلات گاز و قطعات خودرو، مرسده نادری مدیرعامل شرکت هودیان، سازنده یونیت‌های دندانپزشکی، شکوه‌السادات‌هاشمی مدیر عامل شرکت توره شیمی پارس، تولیدکننده اولین حشره‌کش غیرسمی، مهوش طیرانی مدیر عامل شرکت نوپان، محصولات پتروشیمی، دکتر فاطمه دانشور مدیرعامل شرکت سیاحان سپهر آسیا، بخش معدن و همچنین صاحب موسسه خیریه مهرآفرین، مهری جوازاده مدیرعامل شرکت تولیدی-صادراتی سپهر، رییس هیات مدیره انجمن صادرکنندگان کالا و خدمات، و عضو هیات مدیره کانون عالی انجمن‌ها صنفی کارفرمایی ایران تجربیات کارآفرینی خود را

مطرح کردند.

موضوع ارائه شده توسط خانم جوازاده با عنوان موفق ناموفق، ناموفق موفق حاوی نکاتی در خصوص بحران کنونی حاکم و تأثیر آن به صورت عملی بر کسب‌وکارهای موجود به ویژه نقش منفی حمایت الزبنگاه‌های زودبازده در این خصوص و روش‌های کاربردی مقابله با آن بود که مورد توجه بسیار زیاد حضار قرار گرفت.

پس از آن میزگردی تحت عنوان «بررسی چالش‌ها و فرصت‌های کارآفرینی در عرصه صنعت و حرف» با حضور: خانم مهندس سیده فاطمه مقیمی مدیر عامل انجمن ملی زنان کارآفرین و رییس شورای زنان بازرگان اتساق بازرگانی ایران و تهران، آقای دکتر اکبری، رییس کمیسیون صنایع و معادن مجلس، آقای مهندس احمد پورفلاح مدیر عامل شرکت سکوا ایران، خانم دکتر رحیمی نیک عضو هیات علمی دانشگاه آزاد، خانم مهندس صدیقی به نمایندگی از آقای مهندس شفیع از معاونت سازمان صنایع کوچک و خانم مهندس هما کاملی مدیر عامل شرکت ایران نیرو برگزار شد.

باید برای زنان دانشگاهی، شغل ایجاد کرد

اسحاق جهانگیری وزیر پیشین صنایع و معادن در این همایش اظهار داشت: کارآفرینی در بخش صنعت و حرف برای تمام کسانی که می‌خواهند به حوزه کار وارد شوند موضوعی مهم است و بطور حتم تحولات بین‌المللی در توسعه صنعت حرف نخست را می‌زند. وی با بیان اینکه اتفاقاتی که در دنیا در حال رخ دادن است، می‌تواند برای کارآفرینان رهنمود باشد، گفت: مهم‌ترین چالش در توسعه ملی ایران تبدیل یک اقتصاد نیمه صنعتی و صنعتی متکی بر درآمدهای نفتی به یک اقتصاد پویا است که در آن به جای تکیه بر درآمدهای نفتی به کالاهای تولیدی با ارزش افزوده بالاتر تکیه شود.

به اعتقاد جهانگیری سوال اصلی در اینجاست که چگونه می‌توانیم این اقتصاد نیمه صنعتی را به اقتصادی صنعتی تبدیل کنیم. ایران راهی جز صنعتی شدن ندارد.

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران تصریح کرد: ایران راهی جز صنعتی شدن را پیش روی خود ندارد





و به اجبار لازم است تا برای رسیدن به اقتصاد پویا در مسیر صنعتی شدن حرکت کند و بی شک هیچ کشوری در دنیا وجود ندارد که با انگیزه ایجاد رفاه برای مردم و قدرت راهی به غیر از صنعتی شدن را طی کرده باشد.

وی از کارآفرینی به عنوان مهمترین موتور محرکه‌ای که قادر به یاری کردن کشور در صنعتی شدن است یاد کرد و افزود: یکی از ویژگی‌های کارآفرینان علاوه بر خلاقیت، خطرپذیری و قدرت ریسک آنان است و بطور قطع اعتماد به نفس انسان یاری دهنده او در پیشرفت است.

جهانگیری تأکید کرد: تغییر اساسی در کشور جز با سایه همت مردان و زنان کارآفرین ممکن نیست و کشورهایی در مسیر توسعه به توفیق دست یافته‌اند که انسان‌های ترقی‌طلب در آن زندگی نمی‌کرده‌اند. وی اظهار داشت: در ایران نیز راهی جز بر تکیه بر کارآفرینی و به وجود آوردن شرایط ورود کارآفرینان به اقتصاد وجود ندارد. وی با اشاره به چالش‌های پیش روی ایران گفت: در حال حاضر وضعیت درآمد مردم مناسب نیست، همچنین خط فقر و مشکلات دیگری نیز وجود دارد.

وزیر صنایع و معادن دولت اصلاحات افزود: در حال حاضر درآمد سرانه مردم ایران از نصف درآمد سرانه مردم کره کمتر است و بی شک مردم ایران

نشان داده و آسیب کمتری می‌بینند. در خاتمه نیز یادمان‌های همایش توسط خانم مهندس لعلی رویایی دبیر همایش، خانم سالاری کارآفرین نمونه سال ۸۶ و آقای مهندس پورفلاح به اعضای پائل، هیات علمی، هیات اجرایی و حامیان همایش اهدا شد.

شایان ذکر است این همایش با همکاری دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، کنفدراسیون صنعت ایران، ستاد کارآفرینی شهرداری تهران، شرکت ایساکو، بانک سامان، خانه پژوهش نوآندیش، موسسه پویا پژوهش بصیرت، شرکت کارا، شرکت تجارت آریا، مجتمع فرهنگی هنری وزیر ی و مرکز کارآفرینی شهرداری منطقه ۵ برگزار شده بود.

اعضای کمیته علمی این همایش خانم‌ها، منیژه حکمت، ملیحه سعید، فیروزه صابر، شهلا لاهیجی، فخرالسادات محتشمی پور، دکتر اکرم منتظرالظهور، توران میرهادی، و آقایان مجتبی آقایی، احمد مسجد جامعی، و دکتر ناصر هوشمند وزیری بودند. ■

حدود ۲۰ تا ۲۰ درصد نرخ بیکاری اعلام می‌کنند، مشاهده می‌شود که به جای برخورد علمی با این حجم بسیار بالا تنها به صورت شعاری برخورد شده است.

جهانگیری افزود: در مقطعی که ۶۷ درصد میزان ورودی دانشگاه‌ها را زنان تشکیل داده‌اند، لازم است فرصت‌هایی شغلی برای آنان ایجاد شود که در این زمینه هم نوع شغل ایجاد شده و هم میزان آن باید متفاوت باشد.

وی اظهار داشت: در حال حاضر در کشورهای صنعتی، ۶۰ درصد فرصت‌های شغلی را مشاغل خدمات تشکیل می‌دهند و همینطور باید به این نکته نیز اشاره نمود که یکی از مقاطعی که بخش صنعت قادر به پاسخگویی نیازها است، صنایع کوچک و متوسط است.

به گفته جهانگیری در تمامی کشورهای در حال توسعه، صنایع کوچک بسیار سودمند بوده‌اند زیرا در بحران‌های اقتصادی همچون بحران جهانی امروز این صنایع کوچک انعطاف پذیری بیشتری را از خود

**کارآفرینی
مهم‌ترین
موتور محرکه‌ای است
که قادر به
یاری کردن کشور
در صنعتی شدن است**



اولویت بندی عوامل موثر بر کارآفرینی اجتماعی در ایران از دیدگاه فعالان اجتماعی

کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی دانشگاه علامه طباطبایی	زهرا عمرانی
عضو هیات علمی دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی	دکتر مهدی حقیقی کفایش
عضو هیات علمی دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی	دکتر نادر مظلومی

چکیده

کارآفرینی اجتماعی به معنای انجام فعالیتی نوآورانه و خلق کننده ارزش اجتماعی است که می‌تواند در بخش‌های غیرانتفاعی و تجاری صورت پذیرد. با توجه به اینکه امروزه کارآفرینی اجتماعی به عنوان راه‌کاری موثر و پایدار در راه توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها شناخته می‌شود و هر روزه توجه بخش‌های گسترده‌تری از جامعه را به خود جلب می‌نماید، توجه به این مفهوم در فضای کشور ایران نیز ضرورت دارد. این تحقیق بنای خود را مدل مفهومی آستین قرار داده و با طرح دو سؤال در پی بررسی نگرش فعالان اجتماعی نسبت به عوامل موثر در توسعه کارآفرینی اجتماعی در ایران و نیز اولویت بندی این عوامل بوده است. جامعه آماری تحقیق ۱۰۸ نفر از فعالان اجتماعی شامل مدیران یا بنیانگذاران، کارمندان، داوطلبان و حامیان فعال در کسب و کارهای اجتماعی در بخش‌های انتفاعی و

غیرانتفاعی بوده‌اند. پرسشنامه افزار اصلی تحقیق بوده و در تجزیه و تحلیل نتایج، به ترتیب از آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای سنجش نرمال بودن داده‌ها، آزمون میانگین برای سنجش موثر بودن متغیرها و آزمون فریدمن برای اولویت بندی نتایج حاصله از پرسشنامه استفاده شده است. بر اساس نتایج این تحقیق، هر پنج عامل معرفی شده در مدل مفهومی، در توسعه کارآفرینی اجتماعی در ایران، حائز اهمیت تشخیص داده شدند و اولویت آن‌ها به ترتیب عبارت است از: افراد، مأموریت، عوامل زمینه‌ای، فرصت و سرمایه
کلید واژه: کارآفرینی اجتماعی، کسب و کار اجتماعی، کارآفرین اجتماعی
* این مقاله خلاصه ای از پایان نامه دانشجویی با همین عنوان است.

مفهوم شناسی کارآفرینی اجتماعی

کارشناس ارشد مدیریت کارآفرینی، در بخش عمومی - دانشکده مدیریت دانشگاه تهران	زهرا بهروز آذر
کارشناس ارشد ارتباطات؛ دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی	پدرام الوندی
دانشجوی کارشناسی علوم اجتماعی، پژوهشگری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران	ریحانه بهروز آذر

چکیده

مسائل اجتماعی از طریق رویکردهای کارآفرینی است. از آنجا که تلاش دولتمردان و اقدامات بشردوستانه هنوز کاملاً پاسخگوی انتظارات نبوده و عملکرد نهادهای بخش اجتماعی نیز کاملاً کارا و اثربخش نبوده برای توسعه مدل‌ها و روش‌هایی نوین برای قرن جدید به کارآفرینان اجتماعی نیاز داریم. به همین دلیل، توسعه کارآفرینی اجتماعی ضرورتی‌یابد.
این پژوهش تلاش دارد تا با مفهوم شناسی کارآفرینی اجتماعی، تعریف موجود را بررسی کرده و عناصر مشترک در همه تعاریف را استخراج نماید. بر اساس نتایج این تحقیق، برخورداری از مأموریت اجتماعی به کار بردن فرآیندهای نوآورانه و فناوری، دارای اثرات قابل سنجش و مقیاس پذیر، و دارای پایداری مالی یکپارچه از ویژگیهای مؤسسه‌ای است که فعالیت‌های ایشان کارآفرینی اجتماعی قلمداد می‌شود.

کلید واژه: کارآفرینی اجتماعی، مفهوم شناسی، رویکردهای مطالعاتی

«کارآفرینی اجتماعی» یکی از انواع کارآفرینی است که به‌تازگی در جوامع دانشگاهی مطرح شده و با رویکرد کارآفرینی به رفع نیازهای اجتماعی که در جامعه از توجهات به دور مانده‌اند، می‌پردازد. نزدیک به صد سال است که مفهوم کارآفرینی در دنیا مطرح شده، اما، عمر ادبیات این پدیده در ایران به‌سختی به ۱۰ سال می‌رسد. بنابراین، ادبیات کارآفرینی اجتماعی که در دنیا بحثی جدید به حساب می‌آید، در ایران فقیر و ضعیف است. گرچه، مفهوم «کارآفرینی اجتماعی» به عموم جامعه اشاره دارد اما، مفهوم آن در اذهان افراد مختلف جامعه، چیزهای متفاوتی تداعی می‌کند. بعضی از پژوهشگران هر فردی را که سازمان غیرانتفاعی ایجاد می‌کند، کارآفرین اجتماعی می‌دانند و بعضی دیگر، کارآفرینان اجتماعی را صاحبان کسب‌وکاری می‌دانند که مسئولیت اجتماعی را به فعالیت‌هایشان پیوند داده‌اند. بعضی از محققان هم کارآفرینی اجتماعی را آمیزه‌ای از مأموریت اجتماعی و نوعی کسب و کار می‌دانند. ایده کارآفرینی اجتماعی حل

گفتگوی با ایلا توحید، مدیر عامل تعاونی کارآفرینان مهرایزد

خدیجه یارعلی

همزمان با معرفی طرح «تشکیل تعاونی‌های خاص زنان روستایی» توسط خانم معروفی، دو دفتر در وزارت کشاورزی تشکیل شد، «دفتر توسعه آموزش تعاونی‌های روستایی زنان» در سازمان مرکزی تعاونی روستایی و «دفتر ترویج فعالیت‌های زنان روستایی» در وزارتخانه. لیلا توحید، ریاست دفتر تعاونی‌های زنان روستایی را به عهده گرفت و مجری طرح تعاونی‌های زنان روستایی شد. پس از آن اولین تعاونی زنان روستایی که همان اولین تعاونی زنان در ایران است، در روستای آبسرد دماوند در سال ۱۳۷۳ تشکیل و به دنبال آن هفت تعاونی دیگر تأسیس شد. از این رو به بهانه همایش کارآفرینی اجتماعی زنان، به گفتگوی کوتاه با خانم توحید نشستیم.

در مورد زنانی که از نظر سنی شرایط سختی دارند و همچنین مسئله تربیت فرزندان و نگاه جامعه به زنان سرپرست خانوار و دید اجتماع نسبت به این زنان می‌باشد. مشکل دیگر این مجموعه رقبای در حقیقت کسب و کارهایی که زمینه فعالیت مشابهی دارند به غول‌های اقتصادی معروف هستند. مسائل مالی صرفاً از طریق فعالیت‌های اقتصادی خود زنان می‌باشد که طبیعتاً علاقمندند به عنوان افراد فعال شناسایی شوند. در حقیقت سرمایه این تعاونی از طریق خود زنان تأمین و هیچگونه کمک مردمی و یا کمک‌های دولتی را تاکنون دریافت ننموده‌اند. و در این راستا مسائل مالی یکی از چالش‌های بزرگ این تعاونی محسوب می‌شود.

محل تعاونی بصورت استیجاری است که در برنامه آتی در نظر است که مکان از حالت استیجاری بصورت ملکی و شخصی درآید و بتواند از نیروهای بیشتری از زنان و به دنبال آن اشتغال آنان استفاده کرد.

این تعاونی با هدف ایجاد اشتغال برای زنان سرپرست خانوار به‌منظور فقرزدایی و به‌وجود آوردن استقلال تولیدکنندگان و تأمین نیاز مصرف‌کنندگان در سال ۱۳۸۵ تشکیل گردید. این تعاونی در واقع به یاری نقش اهداف خیرخواهانه جمعی از خیرین کارآفرینان مهر که در پی آموزش‌های لازم توسط خیرین تشکیل و اینک با همت و توان خود زنان سرپرست خانوار اداره می‌شود.

با تشکیل این تعاونی مددجویانی که زیر پوشش خیریه بودند توانسته به آن مرحله از توانمندی دست یابند که بعنوان عضوی از یک شرکت تعاونی دارای شخصیت حقوقی گردید و اینکار علاوه بر ایجاد اشتغال برای آنان عامل مهمی در عزت نفس دادن به آنها موجب بالندگی و خودباوری نیز می‌باشد. چالش‌های پیش روی شما در راه‌اندازی و مدیریت این تعاونی چه بود؟

از جمله چالش‌های پیش روی این تشکیلات اقتصادی ناتوانی چسبی و خستگی مفرط خصوصاً

با سلام، لطفاً به‌صورت مختصر خودتان را برای ما معرفی بفرمایید.

من لیلا توحید هستم. حدود ۳۱ سال سابقه کار در بخش دولتی دارم، که ۱۵ سال از آن در کنار زنان روستایی بودم و منجر به تشکیل تعاونی‌های روستایی زنان به‌عنوان الگویی مناسب با ساختار فرهنگی، اجتماعی برای زنان در روستاهای کشور شد و با حضور و مشارکت آنان در زمینه‌های مختلف در روستاها و ایجاد شبکه ارتباطی آنان توانستیم به موفقیت‌های زیادی برسیم. من از نزدیک یا زندگی و درد و رنج زنان روستایی آشنا بودم و می‌دانستم باوجود بار سنگینی که در تولید و کشاورزی به دوش می‌کشند، هیچ سهمی از درآمد آن ندارند، برای همین بود که عزم خودم را جزم کردم تا طرح‌های تعاونی زنان روستایی را انجام دهم. در حال حاضر هم مدیرعامل «تعاونی کارآفرینان مهرایزد» هستم. این تعاونی در چه سالی و با چه اهدافی تأسیس شد؟

اخبار انجمن

جلسات هیأت مدیره

هیأت مدیره انجمن روز چهارشنبه نهم دیماه در محل دفتر، تشکیل جلسه داد. در این جلسه ابتدا گزارشی از روند عملی و اجرایی همایش توسط مدیر اجرایی انجمن ارائه شد و بر ضرورت جلب مشارکت دانشکده کارآفرینی و معاونت اجتماعی شهرداری تهران و نیز نهایی شدن محل برگزاری و اسپانسرها و اطلاع رسانی و تبلیغات روزآمد تأکید شد.

ارائه و تصویب برنامه پژوهشی شامل مستندسازی، انتشار مقالات و کیس‌های سمینارهای انجمن، حمایت از پایان‌نامه کارآفرینی زنان، تکمیل بانک اطلاعاتی زنان کارآفرین و اجرای کارگاه پژوهشی «بررسی تأثیر متقابل نقش کارآفرینی و مدیریت کسب و کار زنان و نقش همسری در خانواده»، ارائه و تصویب شرح وظایف کارگروه‌های زیرمجموعه گروه ارتباطات (داخلی، بیرونی، بین‌المللی، استان‌ها) از دیگر مباحث این جلسه بود. و در پایان مقرر شد

ونوآوران

که در پی بحث و گفتگو پیرامون موارد فوق تصمیماتی اتخاذ شد و تقسیم بندی لازم برای امضای تفاهم نامه ها صورت پذیرفت و مقرر شد تفاهم نامه با مراکز دانشگاهی و از جمله دانشکده کارآفرینی، با توجه به سابق همکاری های قبلی با انجمن زنان مدیر کارآفرین امضا شود و مذاکرات و هماهنگی های ممکن با امور بین الملل شهرک های صنعتی از طریق این انجمن انجام شود. تفاهم نامه با شرکت گسترش کارآفرینی ایران پس از مذاکره اعضای مرتبط توسط انجمن ملی امضا شود و همکاری با پایگاه اطلاع رسانی نخبگان و نوآوران از طریق این انجمن دنبال شود. همچنین فرم همکاری انجمن های علمی- صنعتی که توسط مرکز پژوهش های مجلس از طریق کمیسیون مشارکت انجمن ها توزیع شده، توسط دو انجمن تکمیل و ارسال شود. در این جلسه همچنین تصمیم گیری در مورد حساب های مالیاتی انجمن ملی به کمیته سه نفره مدیرعامل و خزانه دار دو انجمن محول شد،

فراخوان همایش نهایی شده در اسرع وقت ارسال شود و سایر موارد اجرایی نیز با لحاظ وقت محدود باقی مانده پیگیری شود. برنامه ریزی و سفر زمستانی پیشنهاد کارگروه ارتباطات به انجمن ملی محول شد. پیگیری و اجرای پروژه توانمندسازی تاجیکستان، ارائه برنامه مشاوره برای بررسی و اعلام نظر اعضای هیأت مدیره، برگزاری کارگاه پژوهشی تا پایان سال، تمرکز کارگروه استان ها بر روی سه استان تا پایان سال، ارائه برنامه کارگروه بین الملل تا جلسه بعدی هیأت مدیره از دیگر مصوبات این جلسه بود.

در جلسه مورخ ۸۸/۱۱/۱ که به صورت مشترک با انجمن ملی تشکیل شد، ابتدا مدیرعامل انجمن ملی گزارشی از اقدامات انجام شده به شرح ذیل ارائه کرد:

- اقدامات اولیه و ریزنی برای ایجاد سایت انجمن
- ریزنی اولیه با چند مرکز علمی و دولتی برای امضا تفاهم‌نامه
- جلب مشارکت پایگاه اطلاع رسانی نخبگان

کارت عضویت انجمن ملی ارائه شد که پس از امضا در اختیار اعضا قرار خواهد گرفت. پیگیری عضویت انجمن ملی در اتاق بازرگانی به دبیر انجمن مدیر محول شد و آیین نامه شعب مورد بررسی قرار گرفت و مقرر شد پس از تشکیل هسته های کارآفرین توسط انجمن زنان مدیر کارآفرین، ایجاد شعب و دفاتر نمایندگی استانی نیز توسط انجمن ملی پیگیری شود. در مرحله اول حداکثر سه استان)

پس از آشنایی و معارفه خانم شهرزاد حامدی، رئیس هیئت مدیره و مدیر بازاریابی شرکت ایده فرم پویا، عضو جدید دو انجمن در این جلسه مشترک، در ارتباط با همایش گفتگوی مختصری شد و در ارتباط با برنامه مالی و بودجه سال ۸۹ انجمن مدیر مقرر شد، خزانه دار برنامه و بودجه پیشنهادی خود را در جلسه بعدی ارائه کند.

اخبار انجمن ملی

در جلسه مورخ ۸۸/۱۰/۳ انجمن ملی که در محل دفتر انجمن با حضور اکثریت افراد تشکیل شد، بررسی عضویت ها و آیین نامه پذیرش عضو مورد بررسی قرار گرفت. در این جلسه آیین نامه پذیرش عضویت مورد بحث و بررسی قرار گرفته پس از انجام اصلاحات جهت ارائه در مجمع به تأیید رسید، در ارتباط با عضویت اعضا گزارش های لازم ارائه شد و مقرر شد برای جلسه مجمع عمومی فوق العاده مکاتبات لازم با اعضا توسط مدیرعامل انجام شود و یکساعت از وقت جلسه به پرسش و پاسخ اختصاص داده شود. در انتهای جلسه خانم ابراهیمی مدیرعامل شرکت نافذ و متقاضی عضویت در جلسه حضور یافت و مدارک و شرایط عضویت ایشان مورد بررسی و تأیید قرار گرفت.

لازم به ذکر است جلسه بهمن ماه انجمن ملی به طور مشترک با انجمن صنفی برگزار شد

جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده انجمن ملی زنان کارآفرین برگزار شد در این جلسه همچنین با اصلاح ماده ۱۲ اساسنامه، تاریخ مجمع عمومی سالیانه از شهریورماه به خردادماه تغییر یافت و نیز آیین نامه پذیرش عضویت توسط مجمع بررسی شده و مورد تصویب قرار گرفت. (آیین نامه در دفتر انجمن موجود است)

در قسمت پرسش و پاسخ که در پایان این جلسه انجام شد، برخی سوالات و ابهامات اعضا محترم پیرامون فعالیت های هیأت مدیره و برنامه های انجمن مطرح شد و توسط رئیس هیأت مدیره و اعضا پاسخ داده شد و اعضا پیشنهادهای برای بهبود فعالیت ها ارائه کردند. لازم به ذکر است در این جلسه طبق آخرین مصوبه هیأت مدیره

هر عضو فقط می توانست و کالت یک نفر را لشتبشد

توسعه فعالیت های پژوهشی انجمن توسط کارگروه آموزشی - پژوهشی و مشاوره

در جلسه گروه آموزش، پژوهش و مشاوره که روز چهارشنبه شانزدهم دی ماه در محل دفتر انجمن برگزار شد، علاوه بر اعضای پیشین خانم آسیه علی نژاد عضو جدید و نیز مدیر اجرایی نیز حضور داشتند.

در این جلسه برگزاری کارگاه آموزشی «پروژه بررسی اثرات متقابل مدیریت خانواده و کسب و کار زنان کارآفرین و راهکارهای برقراری تناسب بین آنها» با مدیریت علمی خانم صابر و مدیریت اجرایی خانم علی نژاد، تسریع در روند مستندسازی کیس های کارآفرینی، پیگیری امکان استفاده از تخفیف ویژه دوره های آموزشی شرکت آریانا، پیگیری اخذ مجوز جهت راه اندازی بخش مشاوره با مجوز وزارت کار مورد تأکید قرار گرفت. همچنین جمع بندی کارگاه آمادگی و توانمندسازی اعضا جهت حضور در دوره های آموزشی با بررسی و دسته بندی ۴۴ مورد مطرح شده در کارگاه انجام شد که به زودی از طریق دبیرخانه به اطلاع اعضای محترم خواهد رسید.

اشک ها و لبخندها

کارگاه پژوهشی محدودیت ها و ابتکارات زنان کارآفرین در ایجاد تناسب مدیریت خانواده و کسب و کار توسط گروه آموزش، پژوهش و مشاوره با مدیریت علمی خانم فیروزه صابر و مدیریت اجرایی خانم آسیه علی نژاد و با حضور تعدادی از اعضا متأهل انجمن در دفتر انجمن برگزار شد. گروه آموزش و پژوهش و مشاوره در توجیه ضرورت این پژوهش می گوید: بررسی محدودیت های مدیریت هم زمان خانواده و کسب و کار با توجه به این که امکانات و بستر مناسب در جامعه برای کاهش و رفع این محدودیت ها فراهم نشده است و با توجه به این که تدابیر و ابتکارات فردی زنان کارآفرین و صاحب کسب و کار کمک خواهد کرد که با هم افزایی تجارب به جا مانده به راهکارهایی دست یابیم که به طور مشترک برای اکثریت این جامعه مفید و قابل استفاده باشد. روش ارائه، بحث و گفتگوی جمعی و استفاده از تکنیک طوفان مغزی و بررسی مطالعه موردی بوده است. این کارگاه نیم روزه که با مشارکت فعال شرکت کنندگان مواجه شد، در مرحله اول توانست بخش عمده ای از اهداف طراحان و تدارک بینندگان کارگاه را برآورده سازد و محیط آرام و صمیمی موجود، باعث شد که زنان

کارآفرین به راحتی چالش های پیش روی خود را در محیط خانواده مطرح نموده و نیز ابتکارات فردی خود را برای حل چالش ها و به سامان آوردن توأمان وضعیت خانواده و کسب و کارشان عنوان کردند و همگی شاهد غلبان احساسات این زنان کارآمد در عرصه اقتصاد و اجتماع در حین بیان داستان زندگی و کسب و کارشان بودند و صحنه های بدیعی از تبلور احساسات و اشک ها و لبخندها خلق شد. مفروضات این جلسه ضرورت حفظ خانواده و پذیرفتن نقش زن کارآفرین و صاحب کسب و کار بود که براساس آن ۲۷ مورد چالش مطرح و ۳۷ مورد تدابیر و راهکار عنوان شد. همکاری دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران

باگروه آموزش و پژوهش انجمن روز شنبه مورخ ۸۸/۱۰/۲۶ خانم ها محتشمی پور، مدیر اجرایی انجمن، سلیمانی، دبیر همایش کارآفرینی اجتماعی زنان و بهروزآذر عضو جدید انجمن، با حضور در دفتر آقای دکتر رضوی رئیس دانشکده کارآفرینی پیرامون همکاری های مشترک با توجه به قابلیت های انجمن و دانشکده مذاکره کردند. در این جلسه مقرر شد علاوه بر کمک های دانشکده در برگزاری همایش امسال، در حوزه پژوهش نیز همکاری هایی صورت گیرد. لازم به ذکر است خانم بهروزآذر، کارشناس ارشد کارآفرینی و عضو جدید انجمن به عنوان مسئول پیگیری توافقات حاصله تعیین شد.

حضور انجمن زنان مدیر کارآفرین در نمایشگاه تشکلهای صادراتی انجمن زنان مدیر کارآفرین در اولین همایش «تشکلهای صادراتی» و «صادرات خدمات فنی و مهندسی» که در محل دائمی نمایشگاه های بین المللی برگزار شد، شرکت کرد

در این نمایشگاه که از تاریخ ۲۷ بهمن سال جاری آغاز شد و در تاریخ ۲۹ بهمن به پایان رسید، علاوه بر معرفی انجمن و برنامه ها و اقدامات آن، تعدادی از اعضا محترم به معرفی فعالیت های خود در زمینه مربوطه پرداختند.

بازدیدکنندگان از غرفه انجمن، وزیر بازرگانی، رئیس اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران، بعضی از رؤسای اتاق بازرگانی، معاون وزیر تعاون، تعدادی از سفرا و وابسته های اقتصادی کشورها و تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بودند که در این فرصت با انجمن و اهداف و برنامه های آن آشنا شدند و برای شرکت دعوت به عمل آمد.

لازم به ذکر است که انجمن موفق به دریافت لوح تقدیر در این نمایشگاه شد.